

هو الله العلي الاعلى
يُعرفُ الله تعالى لِنَبِيِّهِ الْكَرِيمِ؛ الْأَيُّمَةِ الْمُهَيِّدِينَ وَأَتْبَاعَهُمُ الْمُهْتَدِينَ، وَيُبَيِّنُهُمْ:
خداوند به پیامبر اعظم ﷺ ائمه مهتدین را و پیروان مهتدین شان را معرفی نموده و بشارتشان می دهد:
وَالَّذِينَ آجَتَنَّبُوا الظُّلُمَاتِ أَنْ يَعْبُدُوَهَا، وَأَتَابُوا إِلَى اللَّهِ، لَهُمُ الْبُشْرَى،
فَبَيَّرَ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَبِيعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ، وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ

گاهنامه

بررسی

برای آگاهی و تبادل و فکر کردن، محیط و افراد و امکانات و موانع را شناختن، و برای رسیدن به مقصد اعلی تلاش نمودن

آغاز این بررسیها مربوط به سال 1398 هجری قمری و در دوران طاغوت بود که مطالب با استماع رادیوهای مختلف و اخبار شفاهی و ارتباطات مؤمنان مبارز داخل و خارج ایران (از افغانستان و پاکستان و هندوستان تا خلیج و عراق و لبنان و اروپا و آمریکا) بدست می آمد و بطور شفاهی در جلسات همراهان تبادل می کردید، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع دوران یاقوت، امکانات جمهوری اسلامی و بولتنهای محرمانه و رسمی افزون بر رسانه های عمومی هم به بشتوانه این بررسیها افزوده شد، سپس با آمدن اینترنت و وسعت گستره بررسیها و امکان ارسال ایمیل این بررسیها برای برخی از اهل مطالعه تبادل مطالعاتی انجام می شد،

تا به امروز، که این برنامه چهل ساله شده است، والحمدلله رب العالمین همچنانکه در عناوین و توضیحات آمده است؛ هدف آگاهی از احوال زمان و انجام مسؤولیت در برابر آن بوده است، و عدم محاصره خبری و تسلط جو رسانه ای توسط جریانهای خاص؛ و اطلاع هرچه وسیعتر و فارغ از ایزوله حزبی یا حکومتی می باشد. همانطور که اشاره شده نقل و مطالعه برخی گزارشها خصوصا از منابع غیر خودی و با ادبیات خودشان؛ صرفا برای احاطه کافی بر نبض جریانها و فارغ از دسته بندیها می باشد.

فرستادن گزارشی علامت تأیید کلیات چه برسد جزئیات آن یا تعبیرات آن نیست، و صرفا جهت اطلاع از فضا و محیط می باشد،

فرصتی هم برای تصحیح یا بازنویسی متن آنها یا تعلیقه نویسی بر همه گزارشها و همه فقرات آن نیست، ارسال مطالب صرفا برای بررسی و آگاهی و تأمل و تفکر و شناخت محیط و افراد و امکانات و موانع و انگیزه کافی جهت تلاش برامقصد اعلی است،

اگر می بینید که رویکرد مناسب فوق را نداشته از ما بخواهید تا برایتان دیگر ارسال نکنیم و مطالب آنرا برای دیگری که به غیر مقصود برداشت می کند نقل نکرده و ارسال هم نکنید (وتعیهها اذن واعیه).

کسانی که این گزارشها را بررسی می کنند؛ از افتادن به دسته بندیها برهیز کنند و بر محور تعالیم الهی:

- 1- ابتدا اجتناب از طاغوت و عبادت و پیروی و التزام به آن کنند.
- 2- توجه عمیق و با تمام وجود به درگاه و مسیر الهی بنمایند.
- 3- در بررسیها هرچه بیشتر بشنوند و بخوانند، و بهترینش را که در چهارچوب تعالیم مکتب وحی است پیروی کنند.

اگر مناسب دیدند مطلبی را در اختیار کسی بگذارند، رعایت ظرفیت طرف مقابل و عدم سوء برداشت او را بنموده، و مطلب را بدون انتساب به کسی یا شخصی یا مرکزی یا عنوانی در اختیارش بگذارند؛

26 ماه مبارک

رمضان 1438

حمله محور مقاومت به منطقه تروریستهای تحت حمایت امریکا و امریکا یک پهپاد ساخت ایران را در سوریه زد



حق نشر عکس TASNIM

Image caption آمریکا می‌گوید پهپاد سرنگون شده از مدل شاهد ۱۲۹ است که پهپادی ساخت ایران است بی بی سی. وزارت دفاع آمریکا اعلام کرده است که یک پهپاد نیروهای حامی بشار اسد را در جنوب سوریه هدف قرار داده و سرنگون کرده است. بنا به اعلام وزارت دفاع آمریکا این پهپاد از مدل "شاهد ۱۲۹" بوده، که پهپادی ساخت ایران است.

پنتاگون می‌گوید این پهپاد پس از آن هدف قرار گرفته که "قصد خصمانه‌ای نشان داده و به سوی نیروهای ائتلاف" ضد داعش به رهبری آمریکا رفته است. آمریکا می‌گوید پهپاد مورد اشاره پس از حرکت به سوی نیروهای ائتلاف رهگیری شد اما مسیر خود را تغییر نداد و یک جنگنده اف-۱۵ آمریکا آن را سرنگون کرد. مطابق اطلاعاتی وزارت دفاع آمریکا این اتفاق در روز سه‌شنبه و کمی پس از نیمه‌شب در منطقه تنف، در مرز سوریه با عراق و اردن رخ داده است. این چندمین باری است که در هفته‌های اخیر بین نیروهای حامی بشار اسد و نیروهای تحت هدایت آمریکا در سوریه درگیری رخ می‌دهد.

- آمریکا از سرنگون کردن یک هواپیمای جنگی سوریه خبر داد
- 'پهپاد حامیان اسد پس از حمله به ائتلاف آمریکا سرنگون شد'
- حمله ائتلاف آمریکا به نیروهای حامی دولت سوریه
- ائتلاف آمریکا به کاروان شبه نظامیان سوری حمله کرد

آمریکا دو روز پیش یک هواپیمای نظامی ارتش سوریه را سرنگون و اقدام خود را "دفاعی" توصیف کرد. دولت سوریه این کار آمریکا را "شرم‌آور" خواند و گفت حمله آمریکا به هواپیمای سوری در حالی انجام شده که "ارتش سوریه و متحدانش پیشرفت‌های مشهودی در جنگ با گروه تروریستی داعش داشتند". نیروهای عراقی و سوری در تلاشند که مرز مشترک دو کشور را از کنترل گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) خارج کنند.

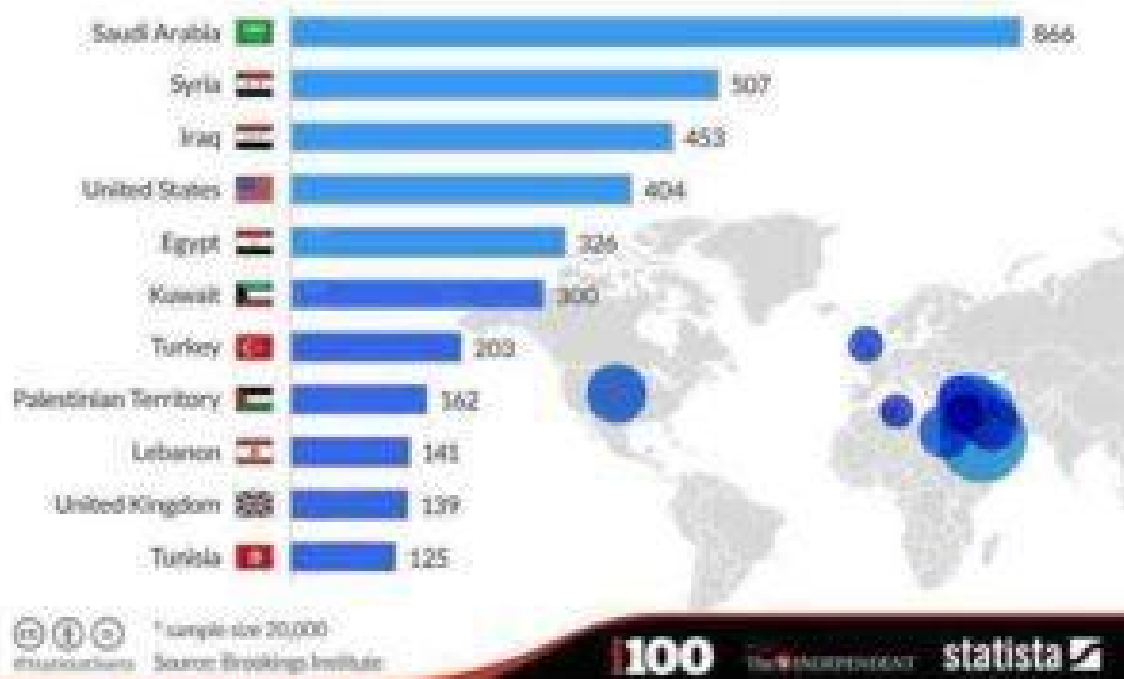
نیروهای ائتلاف آمریکا نیز در شمال و جنوب سوریه حضور دارند. نیروهای مورد حمایت آمریکا عملیاتی را برای بیرون راندن داعش از رقه، در شمال سوریه، آغاز کرده و در این شهر پیش رفته‌اند.

از کدام کشورها طرفداران داعش بیشترین تونیت هارا صادر میکنند؟

شاهین شعبانیان

Where are ISIS supporters tweeting from?

Top locations claimed by Twitter users supporting ISIS in 2015 *



این آمار در سال ۲۰۱۵ بوسیلهٔ موسسهٔ تحقیقاتی بروکینگز (Brookings Institute) در واشینگتن دی-سی آمریکا جمع آوری شده است. موسسهٔ بروکینگز یکی از موسسات وابسته به حزب دموکرات آمریکا است. از ۲۰,۰۰۰ توثیت در این امار گیری بعنوان نمونه آماری استفاده شده است. این جدول آماری (بشکل دیگری) در صفحهٔ ۱۲ منبع زیر درج شده است.



دو اذان مغرب در شهر ایغدیر ، «همزیستی مذاهب» در ترکیه

خرداد ۳۰، 30 ۱۳۹۶ Views اختلاف ساعت، اذان، ترکیه، مذاهب

نگام ، بین الملل _ اذان مغرب در شهر ایغدیر که خانه مسلمانان سنی و شیعه در ترکیه است به دلیل اختلاف در وقت غروب آفتاب دو بار خوانده می‌شود.

به گزارش آناتولی فارسی ایغدیر در ترکیه که در مرز بین ایران، نخجوان آذربایجان و ارمنستان قرار دارد به دلیل وجود مذاهب گوناگون از جمله شیعیان جعفری و سنی‌ها در این شهر هر روز عصر شاهد ۲ اذان برای افطار است.

مسلمانان سنی مذهب در این شهر روزه خود را با زمان افطاری که ریاست امور دیانت ترکیه اعلام می‌کند افطار می‌کنند. حال آنکه شیعیان جعفری به دلیل اعتقاداتشان برای افطار روزه منتظر می‌مانند تا سرخی مشرقیه نیز پنهان شود. به همین علت اذان سنی‌ها ۸ دقیقه زودتر از اذان جعفریان گفته می‌شود.

این مساله هیچ اختلافی در شهر بر نمی‌انگیزد و حتی گاهی مسلمانان شیعه جعفری و گاهی نیز مسلمانان سنی با وقت اذان یکدیگر افطار می‌کنند. جنید کول‌آز، مفتی استان ایغدیر در این زمینه به خبرنگار آناتولی گفت: “غیر از وقت ادا، این دو اذان هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند. محتوای هر دو اذان یکی است. اذان حتی اگر دو بار هم خوانده شود، دعوت یکی است، روزه یکی است، اطاعت از امر خداست. مطلوب آن بود که در یک وقت اذان گفته شود اما رعایت اعتقادات برادران جعفری هم زیباست.”

وی با تاکید بر زندگی توأم با احترام پیروان مذهب جعفری و سنی در ایغدیر افزود: “اذان یک دعوت است. این دعوت همه‌مان را ملزم به فرمان خدا می‌کند. اذان اجابت دعوت پیامبر خداست. نمازی که می‌خوانیم و روزه‌ای که می‌گیریم هم همان است. در واقع هیچ تفاوتی در عبادت‌هایمان نیست. تنها چند دقیقه اختلاف زمان در وقت نماز مغرب داریم.”

سناتور آمریکایی: بشار اسد با کسب ۹۰ درصد آراء پیروز انتخابات سوریه است

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

یک سناتور آمریکایی اعلام کرد که رئیس جمهوری سوریه با کسب ۹۰ درصد آراء پیروز انتخابات در این کشور خواهد بود.

به گزارش انتخاب به نقل از اسپوتنیک، ریچارد بلیک سناتور آمریکایی ایالت ویرجینیا اعلام کرد: بشار اسد در انتخاباتی که انتظار می رود به زودی در سوریه برگزار شود با کسب ۹۰ درصد آراء پیروز خواهد شد.

وی با بیان این مطلب افزود: با برخی از اشخاصی که اطلاعاتی را از سوریه جمع آوری کرده اند و طبق آن گزارشی را که حاوی اطلاعات مهمی است تهیه کرده اند، صحبت کردم. به موجب این اطلاعات، بشار اسد در انتخاباتی که در این کشور برگزار شود با رای بسیار بالا حدود ۹۰ درصد آراء حتی در مناطق تحت سیطره گروه های تروریستی پیروز خواهد شد.

ریچارد بلیک در ادامه گفت: بشار اسد و همسر وی برخلاف بسیاری از رهبران جهان، طمععی نسبت به ثروت ندارند و این دو برای آینده ای امن برای شهروندان سوریه ایثار و فداکاری می کنند.

بلیک بر ضرورت حفظ وحدت ارتش سوریه تاکید و اعلام کرد: ارتش سوریه شامل افراد مسیحی، علوی، سنی، شیعه و دروزی است که همگی به منظور یک هدف که حفظ سوریه است می جنگند.

منبع: مهر



ورشکستگی پیش از موعد بانک ها

خرداد ۳۰، ۶۶ ۱۳۹۶ Views بانک ها، پارسیان، شایعه، ورشکستگی

نگام، اقتصادی _ شایعات ورشکستگی بانک ها و تعطیلی موسسات مالی، سپرده‌گذاران را بارها به خیابان کشاند کارشناسان بانکی: هجوم مردم برای خروج یکباره سپرده هایشان از بانک ها می تواند موجب ورشکستگی اقتصاد کشور شود

به گزارش دیدبان ایران این روزها شایعات دامنگیر سیستم بانکی شده است. کار به جایی کشیده که انتشار یک خبر، عکس یا فیلم جعلی در فضای مجازی سپرده‌گذاران نگران را به سوی موسسه یا بانکی که در آن سپرده‌گذاری کرده‌اند، می‌کشاند، به خیال این‌که پول خود را پس بگیرند. تا چند وقت پیش حاشیه‌سازی بیشتر دامنگیر موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز بود اما حالا شایعه گریبان بانک‌های بزرگ را هم گرفته است. تازه‌ترین این شایعات مربوط به خبر دروغ ورشکستگی بانک پارسیان است که موجی از نگرانی را میان سپرده‌گذاران این بانک ایجاد کرد.

شایعه‌سازان با انتشار کلیپی از تجمع عده‌ای مقابل برخی از شعب این بانک اعلام کردند که پارسیان ورشکسته شده است، اما آن‌گونه که مدیر عامل بانک پارسیان و رئیس کانون بانک‌های خصوصی عنوان کردند، تصاویر منتشر شده مربوط به زمان حال نبود و به دوره زمانی که بانک پارسیان عاملیت رسیدگی به تعهدات تعاونی اعتباری منحلۀ ثامن الحجج را بر عهده داشت، برمی‌گشت. حالا شایعات فضای مجازی و بالاگرفتن نگرانی مشتریان در دسرساز شده است و پیمان معاون نظارتی بانک مرکزی شرایط ایجاد شده برای نظام بانکی را حساس و خطرناک دانسته است. این در حالی است که ولی‌الله سیف رئیس بانک مرکزی هم دست به قلم شده و نامه‌ای تلگرامی خطاب به مشتریان بانک‌ها نوشته و از آنها درخواست کرده است؛ اسیر رفتارهای هیجانی نشوند و بانک مرکزی هم اطلاعیه رسمی منتشر کرد، مبنی بر این‌که عده‌ای در فضای مجازی با اغراض شخصی و اهداف سیاسی علیه بانک‌ها شایعه‌پراکنی می‌کنند. کارشناسان بانکی می‌گویند؛ هجوم مردم برای خروج یکباره سپرده‌هاشان از بانک‌ها رفتاری بسیار خطرناک است و می‌تواند موجب ورشکستگی اقتصاد کشور شود.

یادداشت تلگرامی رئیس کل بانک مرکزی

حالا شایعات آن‌قدر فراگیر شده که رئیس کل بانک مرکزی در یادداشتی در کانال تلگرامی شخصی خود با موضوع «ساماندهی بازار غیرمتشکل، همراهی مردم و نقش رسانه‌ها» به چالش این روزهای نظام بانکی در زمینه موسسات مالی و اعتباری و برخی بانک‌ها پرداخته است. ولی‌الله سیف از مردم خواسته در زمینه موسسات مالی و اعتباری با حفظ آرامش، از اقدامات هیجانی که می‌تواند مشکلات جدیدی را ایجاد و زیان تمام عوامل مرتبط در کشور را سبب شود، خودداری کنند. او عنوان کرده که بانک مرکزی طی سال‌های اخیر با هدف انتظام‌بخشی و ایجاد شفافیت هرچه بیشتر عملکرد نظام پولی و بانکی با نگاه کارشناسی و به‌طور جدی، ساماندهی بازار غیرمتشکل پولی را دنبال کرده است. رئیس کل بانک مرکزی در این یادداشت تلگرامی تأکید کرده که اخبار اقدامات مربوط به ساماندهی موسسات غیرمجاز پس از طی مراحل کارشناسی و قانونی، از طریق اطلاعیه‌های رسمی بانک مرکزی یا مصاحبه‌های مسئولان این بانک به استحضار مردم و سپرده‌گذاران خواهد رسید.

با انتشار شایعات مقابله شود

در همین حال پیمان قربانی، معاون اقتصادی بانک مرکزی معتقد است که شرایط حساسی برای نظام بانکی ایجاد شده است که باید با اطلاع‌رسانی مناسب از این شرایط خارج شویم. او در عین حال تأکید کرد که روزهای سختی برای نظام بانکی در راه است و با توجه به شایعاتی که در فضای مجازی در خصوص بانک‌ها به چشم می‌خورد، لازم است اطلاع‌رسانی صورت گیرد.

فقط ۵ موسسه مجاز هستند

اما اگر مراجعه‌ای به سایت بانک مرکزی داشته باشید، متوجه می‌شوید که تنها موسسات توسعه، کاسپین، کوثر مرکزی، ملل و نور جزو موسسات مجاز هستند و از سوی بانک مرکزی مجوز دریافت کرده‌اند و سایر موسسات غیرمجاز محسوب می‌شوند. این درحالی است که به گفته فرشاد حیدری معاون نظارتی بانک مرکزی، موسسه ثامن در مسیر پیوستن به موسسات مجاز است و سپرده‌گذاران نباید نگران باشند.

حیدری با اشاره به این‌که موسسه اعتباری ثامن یکی از موسسه‌های متقاضی دریافت مجوز از بانک مرکزی است، می‌گوید: اقداماتی توسط این موسسه شامل پذیرهنویسی در بورس و تودیع سپرده قانونی نزد بانک مرکزی انجام شده و بر این اساس این موسسه در حال پیوستن به موسسات مجاز است. به گفته معاون نظارتی بانک مرکزی فرآیند قانونی رسیدگی به تقاضای این موسسه در حال انجام بوده و ممکن است منجر به صدور مجوز یا ادغام با یکی از بانک‌ها و موسسه‌های اعتباری شود. اما در هر صورت هیچ‌گونه مشکلی برای سپرده‌گذاران این موسسه به وجود نخواهد آمد.

بی‌اعتمادی بازار پول را مختل می‌کند

اما در مقابل تمام اطمینان‌خاطرهایی که مسئولان و مقامات بانک مرکزی به مردم می‌دهند، شایعات تا چه اندازه باز هم سیستم بانکی را با چالش مواجه خواهد کرد و چرا مردم تا این اندازه نسبت به سیستم بانکی بی‌اعتماد شده‌اند که انتشار یک خبر، عکس یا فیلم جعلی حتی در مورد بانک‌های معتبر و بزرگ موجب آشفتگی‌خاطر آنها می‌شود؟ و اساساً این بی‌اعتمادی چه تبعاتی را به دنبال دارد؟ هادی حق‌شناس، کارشناس بانکی و اقتصاددان در گفت‌وگو با «شهروند» با اشاره به این‌که موسسات غیرمجاز با وعده

دادن سود بالاتر و اعطای تسهیلات آسان‌تر برای مردم جذابیت ایجاد کردند، می‌گوید: رویه موسسات غیرمجاز به‌طور حتم اخلال در بازار پول ایجاد می‌کند و موجب سلب اعتماد از متولی بازار پول می‌شود.

به گفته حق‌شناس، اخلال در بازار پول منجر به اخلال بزرگتری در بازار سرمایه، بازار کالا و بازار بورس خواهد شد و این درحالی است که سمی و آلوده‌شدن بازار پول منجر به مسمومیت بازار سرمایه خواهد شد.

او در پاسخ به این سوال که چه راه‌حلی برای از بین رفتن این بی‌اعتمادی وجود دارد، می‌گوید: این اعتماد دوطرفه است؛ اعتماد از طرف دولت و اعتماد از طرف مردم و اگر دو طرف به درستی عمل کنند، اعتمادی سلب نمی‌شود. این کارشناس معتقد است که بهترین راه‌حل این است که بانک

مرکزی اسامی موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز را اعلام کند و از مردم به صورت جدی بخواهد که فریب و عده‌های این موسسات را نخورند و در آنها سرمایه‌گذاری نکنند. حق‌شناس راه مقابله با افراد حقیقی و حقوقی که با استفاده از رانت و شرایط ویژه، موسسات مالی و اعتباری راه انداخته‌اند و

زور بانک مرکزی به آنها نمی‌رسد را هم در همین می‌داند که بانک مرکزی رسماً اسامی آنها را اعلام کند و قطعاً در شرایطی که مردم دسترسی به

اینترنت و فضای مجازی دارند، کسی نمی‌تواند مانع از مطلع‌شدن مردم از این اسامی شود. او با اشاره به شایعاتی که در مورد موسسات و بانک‌ها

پخش می‌شود و تبعات آن می‌گوید: شایعه‌ای که منجر به اخلال در اقتصاد شود، عوارض مخربی خواهد داشت؛ به این ترتیب که اگر پس از انتشار

یک شایعه تمام سپرده‌گذاران یک بانک یا موسسه برای دریافت سپرده‌های خود مراجعه کنند، دیگر پولی برای این بانک‌ها و موسسات باقی نمی‌ماند

که در اختیار سرمایه‌گذاران قرار بدهند و به این ترتیب در تولید اخلال ایجاد می‌شود و نرخ بیکاری و نرخ تورم هم متاثر و مختل می‌شود و در مجموع

عوارض وحشتناکی در کل زنجیره اقتصاد خواهد داشت. باورکردن شایعات در دسرساز است

در همین رابطه کامران ندری، کارشناس بانکی هم به «شهروند» توضیح می‌دهد که اگر بی‌اعتمادی مردم به سمت بی‌اعتمادی به موسسات غیرمجاز

باشد، خیلی هم خوب است و موجب می‌شود که دیگر فریب و عده‌های بی‌پایه این موسسات را نخورند.

البته ندري معتقد است كه تلاش‌ها و اقدامات بانك مركزي به سمتي بوده كه نگذارد اين بي‌اعتمادى به موسسات و بانك‌هاى مجاز تسري پيدا كند. او با بيان اين‌كه شايعات ممكن است در مردم نگرانى ايجاد كند و موجب مراجعه بيش از حد نرمال مردم به بانك‌ها شود، مى‌گويد: البته اين در شرايطى است كه مردم اين شايعات را باور كنند. اين درحالى است كه مردم به اين موضوع پي برده‌اند كه لزوماً هر خبرى كه در فضاي مجازى منتشر مى‌شود، صحت ندارد و واقعى نيست و بهتر است در اين‌گونه مواقع به سايت‌هاى رسمى و از جمله سايت بانك مركزي مراجعه كنند.

به گفته ندري، اگر مردم شايعات را باور كنند، دردسرساز مى‌شود، زيرا در هر جاى دنيا اگر همه سپرده‌گذاران به يكباره براى گرفتن پول خود به يك بانك مراجعه كنند، سالم‌ترين بانك‌ها هم با مشكل مواجه مى‌شوند. ندري تأكيد مى‌كند كه باور كردن شايعات هم براى بازارهاى موازى و هم براى بازارهاى دارايى ايجاد مشكل و مسأله مى‌كند. اين كارشناس با اشاره به اين‌كه در مورد افراد حقيقي و حقوقى كه موسسات غيرمجازى را راه‌اندازى كرده‌اند، حق با بانك مركزي است، زيرا كار خاصى از دست اين بانك برنمى‌آيد. به گفته ندري، بانك مركزي در حد قدرت و اختيارش مى‌تواند عمل كند و هرچه اختيار بيشترى داشته باشد، مى‌تواند وظائف خود را بهتر انجام دهد.

۱۰۰ کشته در پلاسکوی لندن



وطن امروز در گزارشی با تیتیر «۱۰۰ کشته در پلاسکوی لندن» آورده است:

«مسئولان تیم امداد و نجات لندن از بالگردهای آبپاش یا مجهز به نردبان‌های طنابی برای نجات آنها استفاده نکردند. در چنین شرایطی خشم عمومی از ناکامی‌ها و قصورهایی که به این فاجعه منجر شد نیز در حال تشدید است. در حالی که کاربران شبکه‌های اجتماعی در یک موج انتقادی وسیع ناکارآمدی مسئولان شهری لندن را در مهار حریق و نجات ساکنان برج گرنفل بشدت زیر سوال برده‌اند.

یک سازمان خیریه نیز اعلام کرد نخستین قربانی این آتش‌سوزی یک پناهجوی سوری بوده که در سال ۲۰۱۴ به بریتانیا آمده بود. محمد الحاج علی ۲۳ ساله در رشته مهندسی عمران درس می‌خواند و در این برج در محله اعیانی کنزینگتون که ساده‌ترین اصول ایمنی در آن به‌رغم هشدار قبلی ساکنان به شرکت مالک رعایت نشده بود زندگی می‌کرد. پس از دیدار ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس و جرمی کوربین، رهبر حزب کارگر از این برج در روز پنجشنبه، دیروز نیز ملکه الیزابت که کاخ مشهور خاندان سلطنتی‌اش با ماشین تنها ۳ دقیقه از محل فاجعه فاصله دارد از آن بازدید کرد اما هنوز موضوع گزارش هشدار گروه اقدام ساکنان گرنفل در پاییز سال گذشته را که خواهان نظارت بر نحوه اداره آن توسط شرکت «کی‌سی‌ام‌تی‌او» شده بودند به‌طور رسمی در دولت و مجلس انگلیس باز نشده است...»

مخفی کاری در گزارشات گرنفل = ادعای کشف ۴۲ جسد در یک واحد در برج سوخته گرنفل

به گزارش رسانه‌های داخلی انگلیس، در یک ویدئوی غیررسمی ادعا شده که تیم امداد و جست‌وجوی حادثه آتش‌سوزی برج مسکونی گرنفل در لندن اجساد ۴۲ قربانی این حادثه را تنها در یکی از واحدهای آپارتمانی این برج کشف کرده‌اند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

به گزارش رسانه‌های داخلی انگلیس، در یک ویدئوی غیررسمی ادعا شده که تیم امداد و جست‌وجوی حادثه آتش‌سوزی برج مسکونی گرنفل در لندن اجساد ۴۲ قربانی این حادثه را تنها در یکی از واحدهای آپارتمانی این برج کشف کرده‌اند.

به گزارش انتخاب به نقل از ایسنا، روزنامه مترو چاپ انگلیس در این باره منتشر کرد: ویدیویی در یوتیوپ پخش شده که در آن مردی در مقابل ساختمان سوخته گرنفل ایستاده و ادعا می‌کند یکی از دوستانش که از نیروهای آتش‌نشان لندن است در عملیات جست‌وجو داخل این برج مسکونی ۴۲ جسد را در یک واحد پیدا کرده است.

این مرد همچنین می‌گوید: دوستم و تیم همراهش با وجود پیدا کردن اجساد این ۴۲ تن نتوانستند این خبر را منتشر کنند زیرا احتمال اخراج آنان یا وقوع اتفاق دیگری وجود دارد.

به گزارش روزنامه مترو، این در حالی است که رئیس پلیس لندن روز گذشته (دوشنبه) رسماً با بیان اینکه اجساد پنج تن از قربانیان این حادثه آتش‌سوزی شناسایی شده‌اند، گفت: مابقی مفقودان این حادثه احتمالاً جان باخته‌اند.

مدیرکل امور مرزی وزارت کشور با رد ادعای العربیه مبنی بر بازداشت سه نظامی ایرانی از سوی عربستان گفت: سه نفر با اسامی مشخص و اهل بوشهر که به ماهیگیری مشغول بودند توسط گارد ساحلی بازداشت شده‌اند که هیچ ادله که حکایت از نظامی بودن این سه فرد باشد، وجود ندارد. مجید آقابابایی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا در واکنش به ادعای شبکه العربیه به نقل از یک منبع آگاه در عربستان مبنی بر اینکه سه ایرانی بازداشت شده توسط نیروهای سعودی، نظامی هستند، گفت: هنوز هیچ مقام رسمی عربستانی چنین ادعایی را مطرح نکرده است و صرفاً شبکه العربیه آن را نقل کرده است. مدیرکل مرزی وزارت کشور ادامه داد: دو قایق ما در آن محوطه حضور داشتند و هنوز به اثبات نرسیده که این دو قایق ما وارد آب‌های عربستان شده‌اند. البته در گذشته نیز چندین بار این اتفاق افتاده که بر اثر امواج قایق‌های صیادان ما و یا حتی عربستانی‌ها وارد آب‌های یکدیگر شده‌اند و دستگاه GPS برای کنترل ندارند.

او افزود: در روز حادثه یکی از قایق‌های صیادان ایرانی خراب شده و در اتفاقی که رخ داده نیروهای عربستانی به سمت شناور ما شلیک که بر اثر آن یکی از صیادان جان خود را از دست می‌دهد و ساعتی بعد این شناور به بندر بوشهر باز می‌گردد.

آقابابایی در مورد قایق دوم گفت: سه نفر با اسامی مشخص و اهل بوشهر که به ماهیگیری مشغول بودند توسط گارد ساحلی بازداشت می‌شوند. هیچ ادله که حکایت از نظامی بودن این سه فرد باشد، وجود ندارد چرا که این افراد کارگرانی بودند که با قایق‌های معمولی به صیادی می‌پرداختند.

مدیرکل مرزی وزارت کشور درباره آخرین اقدامات دیپلماتیک برای پیگیری این ماجرا اظهار کرد: متأسفانه به دلیل اینکه ما سفارت یا کنسولگری در عربستان نداریم، اطلاعات و مدارک به وزارت امور خارجه ارائه شده و آنها از طرق مختلف در حال پیگیری مسئله هستند.

او با بیان اینکه دیپلمات‌های ما موضوع را از نیویورک پیگیری می‌کنند، گفت: به دلیل وضعیت خاص و عدم روابط دیپلماتیک میان ایران و عربستان، این موضوع از طریق سازمان ملل و سازمان‌های بین‌المللی در حال پیگیری است.

وزیر اطلاع‌رسانی سوریه: حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مواضع تروریست‌های داعش تجاوز بازداشت

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

وزیر اطلاع‌رسانی سوریه با تشریح پیام‌های حملات موشکی اخیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مواضع تروریست‌های داعش تأکید کرد موشک‌های ایران عامل بازدارندگی در برابر آمریکا و نقطه عطفی در سازوکار مبارزه با تروریسم است.

به گزارش انتخاب به نقل از تسنیم، «رامز ترجمان» وزیر اطلاع‌رسانی سوریه در دمشق درباره حملات موشکی شامگاه یکشنبه 28 خرداد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به مقرها و مواضع گروه تروریستی تکفیری داعش در دیرالزور سوریه گفت: به‌کارگیری موشک‌های ایرانی نقطه عطفی در سازوکار برخورد با تروریسم تشکیل داده است.

وی درباره واکنش دولت سوریه به حملات موشکی اخیر جمهوری اسلامی ایران به مواضع و مقرهای گروه تروریستی داعش در دیرالزور و تأثیر این ضربات بر تحولات میدانی سوریه و منطقه گفت: چنین ضرباتی با استفاده از موشک‌های میان‌برد یک نقطه عطف و جهش کیفی در سازوکار تعامل و برخورد با تروریسم به‌طور کلی و به‌طور خاص با داعش است و یک پیام قاطع به تروریست‌ها برای جلوگیری از تکرار حملات تروریستی اخیر خود به تهران است در نتیجه این حملات موشکی چندین پیام با خود به همراه دارد، اولین پیام می‌گوید که سوریه و محور مقاومت در ایران و عراق مصمم هستند تروریسم را ریشه‌کن کرده و تمام اشکال آن با هر عنوانی را چه در عراق و چه در سوریه نابود کنند و اینکه چنین تروریسمی را با تمام وسایل و امکانات موجود و در دسترس در هم بکوبد.

وی افزود: دومین پیام استفاده از چنین نوع موشک‌هایی و به چنین شیوه، پیامی به حامیان و تأمین‌کنندگان مالی تروریسم و حامیان داعش و در رأس آنها آمریکا است که از یک سو ادعا می‌کند با تروریسم و داعش می‌جنگد، اما از سوی دیگر حامی اصلی و اساسی داعش است.

وزیر اطلاع‌رسانی سوریه افزود: ایران در سطوح مختلف با هرگونه تهدیدی که ممکن است جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار دهد، برخورد می‌کند و این مسئله در پاسخ به پیام‌های ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا به‌وضوح نمایان است که وی ایران را تهدید کرده بود، این پیام ایران آمریکا را حتی از فکر کردن برای حمله به ایران یا منزوی کردن آن بازداشته است.

حکم جدید دادگاهی در مصر: توافقنامه تیران و صنافیر با عربستان باطل است

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

دادگاهی در مصر در واکنش به واگذاری 2 جزیره صنافیر و تیران به عربستان که با موافقت پارلمان مصر صورت گرفت، حکم به ابطال توافق اخیر داد.

به گزارش انتخاب به نقل از فارس، دادگاهی در مصر توافقنامه اخیر تیران و صنافیر را باطل کرد.

شبکه الجزیره گزارش داد، این دادگاه در حکم اعلام کرد که توافقنامه اخیر مصر با عربستان در مورد تعیین مرزهای آبی و واگذاری دو جزیره مصری تیران و صنافیر باطل است.

هفته گذشته پارلمان مصر با این توافقنامه موافقت کرد و به موجب آن، دو جزیره تیران و صنافیر به عربستان واگذار شد(+).

این چندمین بار است که دادگاه مصر حکم به مصری بودن این دو جزیره می‌دهد.

گاوها در راه قطر: قطر چگونه از طریق ایران و ترکیه، محاصره عربستان و امارات را دور می زند؟ / قطری ها: افطارمان را با محصولات ایرانی باز می کنیم

مواد غذایی در بازار قطر جایگزین شده است، اما احتمال دارد مصالح ساختمانی که برای جام جهانی ۲۰۲۲ ضروری است، با کمبود رو به رو شود.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):



لوموند نوشت: مواد غذایی در بازار قطر جایگزین شده است، اما احتمال دارد مصالح ساختمانی که برای جام جهانی ۲۰۲۲ ضروری است، با کمبود رو به رو شود.

به گزارش «انتخاب»، یک پیمانکار قطری اخیراً متعهد شد تا شصت هواپیما را برای حمل ۴ هزار گاو از آمریکا و استرالیا به کشورش که از شیر تازه محروم است، کرایه کند. این ابتکار که صفحه اول رسانه های دوحه را در سیزدهم ژوئن به خود اختصاص داده بود، ترفند نمادینی است که این امیر نشین برای جبران کمبودهای ناشی از تحریم های عربستان سعودی و امارات متحده عربی به آن پرداخته است.

این دو پادشاهی که از مخالفت قطر با خط مشی ضد ایرانی و ضد اسلامی آنها خشمگین شده بودند، روز دوشنبه پنجم ژوئن مرزهای خود را با این پادشاهی کوچک بستند و بدین ترتیب کانون های اصلی تأمین مواد غذایی بسته شد.

ترس از کمبود مواد غذایی که هجوم به سوپرمارکت ها را آغاز کرد، مدت زیادی طول نکشید. فرآورده های لبنی که به طور اساسی هدف محاصره قرار گرفته بود، زیرا تقریباً به طور عمده از پادشاهی عربستان وارد می شد، به سرعت با نام تجاری ترکیه دوباره در قفسه ها پیدا شدند. «قطر کوبا نیست»

پس از چند روز کانال های تأمین مواد غذایی جایگزین از ایران، اردن و عمان از طریق هوایی و دریایی راه اندازی شد. با وجود نیش و کنایه جمیل الضیابی، سردبیر روزنامه سعودی عکاظ، مبنی بر این که او نگران «شکم های قطری» است که نمی توانند با این محصولات جدید سازگار باشند، این محصولات ایرانی بسیار زود مشتری های خود را به دست آورد. یک قطری می گوید: «در افطار غذاهایی را که با آن روزه را باز می کنیم، همان غذاهای بسیار اشتها برانگیز است. به هیچ وجه در فضای آخر الزمانی نیستیم.»

در مورد مصالح ساختمانی در شهر مسابقات (محل احداث ورزشگاه ویژه بازی ها المپیک) نیز همانند دوحه که جرثقیل ها نصب شده اند، سازگاری با شرایط جدید دشوار است. در حال حاضر بندر دوبی به روی این مصالح بسته شده است، بندر بزرگ محموله های جنوب پایتخت هنوز فعالیت ندارد. شرکت های ساختمانی قطر باید یک مرکز جایگزین پیدا کنند. یک مهندس توضیح می دهد: «تدارکات ما شب و روز کار می کنند تا کشتی ها را توسط کویت، مسقط یا حتی هند دوباره همراهی کنند. اگر تا دو هفته آینده راه حلی پیدا نکنیم، کمبود برخی محصولات آغاز خواهد شد، زیرا ذخایر ما محدود است.»

مقامات برای اطمینان دادن به محافل تجاری و نیز فیفا که برگزاری جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ را به قطر سپرده است، ارتباط همه جانبه ای برقرار کرده اند. علی شریف العمدادی، وزیر امور مالی، ضمن یادآوری این که بانک مرکزی ۳۴ میلیارد دلار ذخیره در اختیار دارد، گفت: «اقتصاد قطر بسیار قدرتمند است.» او افزود: «اگر ما باید یک دلار از دست بدهیم، آنها [سعودی و اماراتی ها] نیز از دست خواهند داد.»

یک وکیل تجاری غربی می گوید: «در حال حاضر تجارت حالت عادی دارد اما اگر بحران چندین ماه ادامه یابد، صورت هزینه بسیار هنگفت خواهد بود. قطر کوبا نیست. الگوی اقتصادی آن بدون تعامل با خارج پایدار نخواهد بود.»

شهردار مشهد حکم انفصال از خدمت گرفت / صولت مرتضوی: در فضای مجازی این اسناد محرمانه را منتشر کرده اند؛ این خبر کذب است

دادستان دیوان محاسبات کل کشور گفت: با توجه به اینکه حاکم شرع دیوان محاسبات، قرار قبولی اعاده دادرسی شهردار مشهد را صادر کرده است، بنابراین تا اتخاذ تصمیم جدید، رأی در خصوص شهردار مشهد متوقف شد.



پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

دادستان دیوان محاسبات کل کشور گفت: با توجه به اینکه حاکم شرع دیوان محاسبات، قرار قبولی اعاده دادرسی شهردار مشهد را صادر کرده است، بنابراین تا اتخاذ تصمیم جدید، رأی در خصوص شهردار مشهد متوقف شد.

به گزارش «انتخاب»؛ فیاض شجاعی دادستان دیوان محاسبات کل کشور در گفت و گویی در خصوص حکم انفصال از خدمت شهردار مشهد افزود: به استناد تبصره ذیل ماده 2 قانون دیوان محاسبات، تمامی دستگاه ها از جمله دستگاه های اجرایی که مشمول اصول 44 و 45 قانون اساسی در خصوص مالکیت عمومی هستند هم مشمول رسیدگی های دیوان محاسبات خواهند بود.

دادستان دیوان محاسبات کل کشور ادامه داد: براساس قانون مذکور شهرداری ها نیز مصداق بارز مالکیت عمومی محسوب می شوند به همین دلیل از دو سال گذشته طی حکمی به حسابرس ها اجازه داده شده که به عملکرد مالی داخلی شهرداری ها رسیدگی کنند.

به نوشته خانه ملت، فیاض شجاعی افزود: برخی از شهرداری ها در خصوص حسابرسی استتکاف داشته اند که شهرداری مشهد از شهرداری هایی بوده است که اجازه حسابرسی در خصوص عملکرد مالی را به حسابرسان نداده و اعلام کرد دیوان محاسبات در این زمینه صالح نیست اما ما با توجه به قانون دیوان محاسبات تاکید داشتیم که به عملکرد مالی شهرداری ها رسیدگی شود.

وی ادامه داد: براساس قانون اگر هر کسی در روند رسیدگی های کارشناسان و حسابرسان دیوان محاسبات مانع ایجاد کند این کار تخلف محسوب می شود و دیوان محاسبات می تواند رای به مجازات متخلفین دهد که حکم مذکور عبارت است از توبیخ کتبی تا انفصال متخلف از خدمت دولتی، که بر این اساس با توجه به اینکه شهردار مشهد در سال گذشته در خصوص روند رسیدگی های دیوان محاسبات مانع ایجاد کرد، علیه وی توسط دیوان محاسبات دادخواست مطرح شد و نهایتاً با رای صادره این نهاد، شهردار مشهد به انفصال از خدمات دولتی محکوم شد.

فیاض شجاعی در این رابطه افزود: رای صادره دیوان محاسبات در خصوص انفصال از خدمت شهردار مشهد توسط محکمه تأیید و این رای قطعی شد که رای مذکور برای اجرا در اوایل خرداد سال جاری ابلاغ شده است.

وی ادامه داد: حتی در رابطه با رأی انفصال از خدمت شهردار مشهد به وزیر کشور ابلاغ صورت گرفت اما با توجه به تقاضای اعاده دادرسی از سوی شهردار مشهد و در صورت مقبول بودن تقاضای مذکور، اجرای حکم انفصال از خدمت شهردار مشهد متوقف می شود اما اگر قرار قبلی اعاده دادرسی قبول نشود اجرای رأی مذکور باید ادامه یابد.

دادستان دیوان محاسبات کل کشور افزود: با توجه به اینکه آقای عبداللهی حاکم شرع دیوان محاسبات، قرار قبولی اعاده دادرسی شهردار مشهد را صادر کرده است، بنابراین تا اتخاذ تصمیم جدید که بر اساس آن رأی قبلی تأیید خواهد بود و یا به رأی جدید منتهی می شود، مقرر شده که رأی در خصوص شهردار مشهد متوقف شود.

در همین حال، شهردار مشهد مقدس در واکنش به خبر حکم انفصال خود گفت: انفصال خدمت بنده کذب است و پرونده در فرآیند اعاده دادرسی قرار دارد.

سیدصورت مرتضوی در گفت‌وگو با تسنیم اظهار داشت: خبر انفصال خدمت بنده صحت ندارد و متأسفانه در فضای مجازی برخی نشر اکاذیب کرده و اسناد محرمانه دیوان محاسبات را منتشر کرده‌اند.

شهردار مشهد مقدس بیان کرد: مصوبه شورای شهر مشهد مبنی بر عدم اجازه ورود دیوان محاسبات به مباحثی که خارج از اصل 55 قانون اساسی است را به دیوان محاسبات استان ابلاغ کردیم و دیوان محاسبات این مسئله را ایجاد محذورات در فرآیند رسیدگی قلمداد و از شهرداری شکایت کرد و سپس ما بر حکم صادره اعتراض و تقاضای اعاده دادرسی ارائه شد و مورد پذیرش نیز قرار گرفت.

مرتضوی افزود: انفصال خدمت بنده کذب است و پرونده در فرآیند اعاده دادرسی قرار دارد و حق شکایت از افرادی را که نشر اکاذیب کرده‌اند برای خود محفوظ می‌دانم.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

رئیس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی ایران از استقبال خوب قطری ها از صادرات میوه و سبزی ایران به این کشور خبر داد.

به گزارش انتخاب، سید رضا نورانی در گفت و گو با جام جم آنلاین در پاسخ به این پرسش که از آغاز تحریم قطر از سوی برخی کشورهای عربی، ایران چقدر توانسته صادرات میوه و سبزی به این کشور داشته باشد اظهار داشت: آمار دقیق را گمرکات باید اعلام کنند. صادرات محصولات کشاورزی هم اینک از بنادر بوشهر، بندر دیر، بندر لنگه و فرودشگاه شیراز و فرودگاه امام در حال انجام است و علاوه بر آن صادرات لبنیات و بستنی ایران نیز در اولویت است که از طریق این بنادر صادر شود.

وی یکی از مشکلات را در حال حاضر کمبود کشتی و شناور برای حمل محصولات دانست و گفت: زمان حمل بار از بوشهر تا قطر از مسیر دریایی فقط 8 ساعت و از مسیرهای دیگر تا 12 ساعت است، بنابراین مسیر بوشهر مسیر مناسب و کو تاهتری است و منتظر هستیم شرکت کشتیرانی والفجر حرکت خود را از بوشهر شروع کند چون عمده ترین بار از این بندر صورت می گیرد.

رئیس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی ایران در پاسخ به این پرسش که آیا محصولات صادر شده از نظر کیفیت با استانداردهای مورد نظر قطر مطابقت داشته است گفت: بله رضایت آنها را به همراه داشته و استقبال خوبی صورت گرفته و بازار مصرف در این کشور خوب است، اما صادرات به این کشور باید برنامه ریزی شود تا باعث اشباع بازار مصرف قطر همچون بازار امارات و عراق نشود.

وی افزود: در حال حاضر هر صادر کننده ای برای خودش بازاریابی می کند و اطلاعات درستی از وضعیت بازار موجود نیست و بر این باورم اگر بی رویه صادر شود همان اتفاقاتی که در بازار عراق و امارات افتاد مجدد تکرار می شود.

نورانی در پاسخ به این پرسش که آیا از قطر تاکنون محصولی به دلیل نداشتن کیفیت های لازم برگشت داده شده است گفت: هیچ محصول برگشتی از قطر نداشتیم و همه محصولات صادر شده تخلیه شده و مشکلی نداشته است.

وی خبر برگشت 300 تن هندوانه از کشور عمان را به دلیل وجود سموم خبر غلطی دانست و گفت: انتشار چنین اخباری از سوی برخی رسانه ها علاوه بر اینکه به تولید کنندگان و صادر کنندگان ضربه می زند، بلکه مصرف کنندگان داخلی را نیز با تردید مصرف مواجه می کند، بنابراین در ج یک خبر باید به درستی باشد.

نورانی در ادامه گفت: مرجوع شدن هندوانه ها از عمان به دلیل وجود سموم نبوده است بلکه به دلیل به همراه نداشتن اسناد و گواهی های لازم در مورد باقیمانده سموم همراه محموله بوده است که چند وقتی است مقررات آن از سوی کشور عمان وضع شده است و عدم اطلاع رسانی درست از سوی وزارت جهاد کشاورزی که باید صادر کنندگان را در این زمینه آگاه می کرد مشکلاتی را بوجود آورده است. درواقع کشور عمان بعد از مشکل داشتن محموله های وارداتی از کشور اردن که محصولاتشان سموم بالایی داشت داشتن گواهی عدم باقیمانده سموم همراه محموله را الزامی کرده است.

رئیس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی ایران در پاسخ به این پرسش که آیا صادرات محصولات کشاورزی به قطر کشور را با کمبود و افزایش قیمت مواجه نمی کند گفت: وضعیت تولید محصولات کشاورزی در کشور امسال بسیار مناسب است و کمبودی مشاهده نمی شود و حتی قیمت در عمده فروشی ها سیر نزولی دارد و قیمت ها روز به روز بهتر می شود.

میان ایران، امریکا، عربستان و قطر

رقابت بزرگ

بر سر «گاز» خلیج فارس

راشا تودی (روسیه امروز) ترجمه رضا نافع

چند هفته پیش ایران و قطر برای استخراج مشترک گاز از بزرگترین منبع گاز جهان گامهای بلندی بسوی یکدیگر برداشتند. این تصمیم پیامدهائی برای بازار جهانی گاز در بردارد.

بحران دیپلماتیک بر سر امارت کوچک قطر ابعاد بزرگتری پیدا می کند. رکس تیلرسون وزیر خارجه امریکا دیدار از مکزیک را که از مدت ها پیش تاریخ آن مشخص شده بود به تعویق انداخت تا بتواند به بحران خلیج فارس بپردازد. همزمان با این تصمیم در روزهای گذشته چندین کشتی جنگی امریکا در بندر حمد در قطر پهلو گرفتند تا با نیروی دریائی قطر در خلیج فارس دست به رزمایش بزنند.

از سوی دیگر نیروی دریائی ایران و چین نیز در این آبراه با اهمیت مشترکا دست به تمرین هائی خواهند زد. بنا به گزارش خبرگزاری ایرنا یک کشتی جنگی ایران با دو کشتی چینی و بالگرد در بندر عباس تمرین های دریائی خواهند داشت. موسسات دولتی چین از مهمترین شرکای خارجی صنایع نفت و گاز ایران هستند.

افزون بر این، در چند روز گذشته نیروهای نظامی ترکیه نیز وارد قطر شدند. بنا به گفته وزیر دفاع قطر در روز دوشنبه نیروهای ترکیه با نیروهای نظامی قطر تمرین های مشترک خواهند داشت. افزون بر این ترکیه به قطر مواد غذائی نیز صادر می کند.

وجه اشتراک تمام کشور های پیشگفته علائق جدی اقتصادی آنها در منطقه است. مارت کوچک قطر و جمهوری اسلامی ایران در بزرگترین حوزه گازی جهان در خلیج فارس مشترکا فعالیت می کنند. قطر در 12 سال گذشته از استخراج گاز در منطقه جنوبی حوزه گازی که از لحاظ حقوق بین المللی مورد مناقشه است چشم پوشیده بود، اما موسسه دولتی نفت قطر از ماه آوریل خود را برای استخراج منابع مورد دعوا آماده می سازد.

حوزه گازی مذکور از ساحل قطر آغاز می شود و تقزیا تمام عرض خلیج فارس را در بر می گیرد. دو سوم از این منطقه که به 10 هزار کیلومتر بالغ می گردد در منطقه دریائی قطر قرار دارد. گویا امکان استخراج 1300 بیلیون «پای مکعب» گاز از این منطقه هست که رقمی است تصور ناپذیر. فقط استخراج روزانه از بخش جنوبی حوزه شمالی به دومیلیارد «پای مکعب» بالغ خواهد گشت.

مطمنا انگیزه این تصمیم تلاش تهاجمی امریکا و استرالیا برای تسخیر بازار گاز جهان نیز هست. تا کنون قطر تنها استخراج کننده گاز در این حوزه بود. اما ایران نیز همزمان با قطر اعلام کرده است که قصد دارد استخراج گاز از حوزه پارس را گسترش دهد.

ایران در ماه نوامبر گذشته با شرکت فرانسوی توتال قراردادی منعقد ساخت. پس از انعقاد برجام این نخستین قراردادی است که ایران با یک کشور غربی منعقد ساخته است. قرار است طبق قرار دادهای تازه روی هم رفته 40 میلیارد دلار سرمایه خارجی برای استخراج گاز ایران تخصیص یابد.

تا کنون تقریبا فقط موسسات اروپائی در روند مناقصه شرکت کرده اند، از جمله کنسرن شل، «انی» از ایتالیا، کنسرن روسی گازپروم و لوکوبیل و وینترشال از آلمان. فقط برداشتن تحریم ها مشوق سرمایه گذاران اروپائی برای سرمایه گذاری نبوده بلکه تاکید سعد الکعبی رئیس قطرپترولوم نیز بوده که اطمینان داده استخراج گاز پارس با موافقت ایران صورت می گیرد.

احتمالا هدف عربستان سعودی از محاصره و تحریم قطر تخریب همین همکاری قطر با ایران است. شیخ حمد التحانی سفیر قطر در امریکا در پایان هفته گذشته یاد آور شد که علت اقدامات عربستان علیه قطر این ادعا نیست که گویا اختلاف بر سر مبارزه با تروریست های اسلامی است.

در تفسیری که این عضو خانواده سلطنتی قطر بعنوان مفسر مهمان در وال استریت ژورنال نوشت یاد آور شد که اکثر عاملان رخداد 11 سپتامبر 2001 اتباع عربستان سعودی و امارات متحده عربی بودند. افزون بر این وزارت دارائی امریکا از امارات بعنوان تامین کننده هزینه های گروه های تروریستی نام برده است.

ولی اگر خانواده سلطنتی قطر در برابر عربستان و امارات به زانو درآید آنوقت عربستان سعودی و امریکا وسیله ای در دست دارند که می توانند دست ایران را در هر درگیری که بخواهند بند کنند. به هر حال استخراج گاز از حوزه ای که داوری در باره آن از لحاظ حقوق بین المللی دشوار است نیازمند به توافق طرفین است. آنچه مسلم است این است که دشمنان سوگند خورده ایران – عربستان، امریکا و اسرائیل- هیچ علاقه ندارند که این کشور دست به استخراج بیشتر منابع انرژی بزند.

این از سوئی مربوط میشود به توانائی کلی ایران. گرچه ایران هم اکنون یکی از بزرگترین استخراج کنندگان گاز است، ولی تقریبا تمام گاز استخراجی خود را برای صنایع و تولید برق خود یعنی مصرف داخلی بکار می گیرد. در عین حال 40 درصد از کل معادن ایران در حوزه پارس جنوبی قرار دارد. ایران فقط به ترکیه صادرات قابل ذکر دارد. به هر حال ایران خود را برای ورود به بازار جهانی گاز آماده می سازد.

<https://deutsch.rt.com/international/52629-katar-krise-eskaliert-weiter-militars>

با 200 کیلو بار بر شانه نقش زمین می شوند

شلیک به صف کولبران

در مرز مشترک ایران و عراق

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، نماینده اسلام‌آباد غرب می‌گوید: «کولبری کار مظلومانه‌ای است. دفترچه کولبران را ۲۰ هزار تومان می‌خرند و با کامیون بار قاچاق می‌آورند. کولبری شکلی از قاچاق است که فقر، بی‌کاری و نبود فرصت اشتغال، جوانان مرزنشین را راهی نقاط صعب‌العبور مرزی و شغل دشوار کولبری می‌کند. قاچاقچیان، دفترچه مرزی مرزداران را با ۲۰ هزار تومان خریده و به‌ازای هر دفترچه میزانی کالا وارد می‌کنند. این کالاها اتفاقاً با کامیون و مبتنی بر سهمیه دفترچه مرزنشینان وارد می‌شود. نمایندگان پیرانشهر، بوکان و نقده به وزیر کشور تذکر دادند و علت تیراندازی به کولبران از سوی نیروی انتظامی و هنگ مرزی را پرسیدند. چرا به روی کولبران شلیک می‌شود؟

به کولبران پیرانشهر در حالی شلیک می‌شود که شش هزار کولبر مجوز کولبری داشته و در نقطه صفر مرزی نزدیک به مرز تمرچین مشغول حمل بارهایی تا ۱۷۰ و ۲۰۰ کیلو هستند. شاهد کشته و زخمی‌شدن تعدادی از آنها در مرزهای سردشت بودیم.

کشته شدن کولبران مرزی در سایه بی‌توجهی دولت و مجلس

سه شنبه، ۳۰ خرداد، ۱۳۹۶

چکیده: نتیجه آن که بسیاری از آنان با وجود داشتن تحصیلات دانشگاهی میان مرزها در عبورند تا مرگ غیرطبیعی به سراغ‌شان بیاید. سقوط بهمن یا شلیک گلوله نیروی انتظامی یا مین‌های برچیده نشده جنگ

کلمه - گروه اجتماعی:

هنوز داغ پلاسکو تازه بود که مرگ کولبران سردشتی زیر بهمن، نبض خبری جامعه را در زمستان گذشته تند کرد. مجلس خیلی زود به ماجرا ورود کرد و کمیته حقیقت‌یاب تشکیل داد و هنوز سال به آخر نرسیده بود که طرح دو فوریتی بیمه کولبران را به تصویب رساند. دولت هم متعهد شد از نیمه فروردین بیمه‌ها جاری شود.

خرداد ۹۶ به پایان نرسیده که دوباره کولبران خبرساز شدند. اما این بار نه زیر بهمن رفتند و نه نامه در حمایت‌کنندگایی نوشتند، عکس خونین کولبری جوان شبکه‌های اجتماعی را پر کرد.

این بار حتی رسانه‌ها هم خبر واقعی را مخابره نکردند و فقط نوشتند: «مرگ کولبر جوان سردشتی بر اثر حادثه غیرطبیعی». این حادثه غیرطبیعی، شلیک گلوله‌ای از سوی نیروی انتظامی به سینه کولبر جوان بود.

منابع خبری ایلنا فقط گزارش دادند که «این کولبر سیروان عزیزی، اهل دولت‌ناچک سردشت بوده و متوفی پدر دو فرزند بوده‌است. این کولبر حامل چندین کارتن سیگار بوده و در منطقه بیتوش از توابع سردشت دچار حادثه شده‌است؛ جنازه این کولبر مدتی بعد به وسیله دیگر کولبران و اهالی منطقه از کوهستان به پزشکی قانونی سردشت منتقل شده است.»

اما این بار نه مجلس و نه دولت به مرگ غیرطبیعی این کولبر واکنش ندادند، همانطور که هیچ کدام به تعهدات خود در قبال این کارگران مرزی عمل نکردند.

این اولین شلیک به سوی کولبران نبود فقط در سال گذشته دستکم ۴۰ کولبر با تیراندازی مستقیم کشته شدند، ۱۱ کولبر جانباختند، ۳۰ کولبر زخمی شدند. از این تعداد ۶۴ درصدشان ۲۰ تا ۳۰ ساله بودند.

یک روز پس از این حادثه نیز کولبر دیگری بر روی مین رفت و از ناحیه مچ پا به شدت زخمی شد. این خبر حتی در شبکه‌های اجتماعی نیز منعکس نشد.

چاره‌ای جز کولبری نیست

یک سوال وجود دارد آیا مشکل کولبران با بیمه (همان که حتی اجرا هم نشد) حل می‌شود؟ پاسخ قطعا منفی است. زیرا آنچه در کردستان روی می‌دهد فاجعه‌ای است به نام بیکاری.

درست یک سال پیش، مرکز ملی آمار ایران نتایج آمارگیری نیروی کار کشور در زمستان ۹۴ را منتشر کرد که بررسی اجمالی گزارش منتشره نشان می‌داد نام کردستان در میان سه استانی است که بالاترین نرخ بیکاری را به نام خود ثبت کرده است.

طبق آنچه در بخش شاخص‌های عمده نیروی کار در جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر گزارش اخیر مرکز ملی آمار آمده بود نرخ بیکاری افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله (مرد و زن) در کشور ۲۸,۶ درصد و در کردستان ۵۰,۱ درصد یعنی

۲۱,۵ درصد بالاتر از میانگین کشوری و نرخ بیکاری افراد ۱۵ تا ۲۹ سال در کشور ۲۴,۸ درصد و در کردستان ۴۳,۳ درصد یعنی ۱۸,۵ درصد بالاتر از میانگین کشوری است!

در دنباله همین بخش آمده بود که نرخ بیکاری مردان ۱۵ تا ۲۴ ساله در کردستان ۴۶,۵ درصد و نرخ بیکاری مردان ۱۵ تا ۲۹ ساله ۳۹,۱ درصد و نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله ۶۰,۸ درصد و نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۹ ساله هم ۵۸,۷ درصد است که این داده‌ها به روشنی وضعیت اسفبار اشتغال جوانان در کردستان را تبیین می‌کند.

بخش دیگری از گزارش مرکز ملی آمار مشخص می‌کرد که نرخ بیکاری افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله (مرد و زن) در نقاط شهری کردستان ۴۹,۲ درصد و در نقاط روستایی ۵۱,۴ درصد و نرخ بیکاری افراد ۱۵ تا ۲۹ ساله (مرد و زن) هم در نقاط شهری ۳۹,۸ و در نقاط روستایی ۵۱ درصد است.

نرخ بیکاری مردان شهرنشین ۱۵ تا ۲۴ ساله کردستان هم ۴۱,۹ درصد و نرخ بیکاری مردان روستایی در همین رنج سنی ۵۲,۶ درصد است؛ نرخ بیکاری مردان شهرنشین ۱۵ تا ۲۹ ساله هم ۳۳,۲ درصد و نرخ بیکاری مردان روستایی در همین محدوده سنی ۵۱,۲ درصد است.

این آمار تاسف‌بار را باید گذاشت کنار مقایسه شاخص‌های توسعه اقتصادی در کردستان. وجود نابرابری در امر سرمایه‌گذاری در این استان مانند دیگر استان‌های مرزی یکی از مواردی است که مرزنشینان را به سوی مشاغل سوق می‌دهند که به عنوان قاچاق تنه می‌زند.

نتیجه آن که بسیاری از آنان با وجود داشتن تحصیلات دانشگاهی میان مرزها در عبورند تا مرگ غیرطبیعی به سراغ‌شان بیاید. سقوط بهمن یا شلیک گلوله نیروی انتظامی یا مین‌های برچیده نشده جنگ.

کشف شبکه تروریستی

در داخل ارتش آلمان!

روسیه امروز - یونگه ولت

ترجمه و تدوین رضا نافع



پیش زمینه

رنگ موی ستوان ارتش آلمان بور است ولی او خود را میوه فروش یهودی ساکن دمشق معرفی می کند و مشخصاتش بعنوان پناهجو ثبت می شود. اینک مقامات مربوطه به این نتیجه رسیده اند که افسر 28 ساله آلمانی قصد داشته دست به عملیاتی تخریبی علیه کشور دست بزنند. او حتی فهرستی از افرادی که باید ترور شوند را نیز داشته است. روز چهارشنبه افسر ارتش آلمان بنام فرانکو الف بازداشت می شود. از روز پنجشنبه او و همدست 24 ساله اش زندانی هستند. همدست او به قاضی تحقیق گفته است که مواد منفجره ای که در خانه او یافت شده متعلق به فرانکو الف است. فرانکو الف در پایان سال 2015 خود را بعنوان اهل سوریه به موسسه پذیرش اولیه پناهندگان در شهر «گیسن» آلمان معرفی می کند و در «تسیرندورف» از شعبه اداره مهاجرت و پناهندگی در ایالت «بایرن» تقاضای پناهندگی می کند. طبق اطلاعات رادیو «بایریشن روند فونک» که پرونده استنطاق را در اختیار دارد، فرانکو الف خود را اهل سوریه، پیرو کلیسای کاتولیک، دارای دیپلم متوسطه و با نام «داوید بنیامین» معرفی می کند. او گفته است که چون نام خانوادگیش نامی یهودی است مورد آزار و اذیت قرار می گرفته است. به این دلیل از جمله از سوی داعش تحت تعقیب قرار گرفته است. داستانی که گویا این آلمانی تعریف کرده پایانی هیجان انگیز پیدا می کند: اندک زمانی پیش از فرار او داعش به خانواده او هجوم می برد و پدرش را به ضرب گلوله از پای در می آورد. سرانجام این پناهجو مورد «حمایت محدود» قرار می گیرد.

بازپرسی از او در ماه نوامبر سال 2016 با حضور مترجمی برای ترجمه از زبان فرانسه، در «تسیرندورف» صورت گرفت. این افسر آلمانی اظهار داشت که فقط به زبان فرانسه تسلط دارد.

پس از آن که او با سهولت موانع اداری را از سر می گذراند، میان دو هویت در نوسان است، از سوئی بعنوان پناهجو و از سوی دیگر افسر گردان جنگنده آلمانی – فرانسوی 291 در سربازخانه Leclerc واقع در ایالت الزاس (فرانسه).

در واقع افسر آلمانی در حدود سه ماه پیش توجه را به خود جلب کرده بود، هنگامی که قصد داشت هفت تیری را در توالی فرودگاه وین پنهان بود از آن محل بردارد. طبق اطلاعاتی که تا کنون بدست آمده هفت تیر مذکور از سلاح های ارتش آلمان نیست، بلکه متعلق به 70 سال پیش و از سلاحهای جنگ دوم جهانی است بنام «فرنج یونیک».

هنگامی که او قصد داشت هفت تیر را از مخفیگاه بردارد، پلیس وین او را دستگیر کرد. هنگام باز جوئی ستوان فرانک. الف گفت سلاح را پیدا کرده است. بالاخره او آزاد می شود. بنظر ماموران مربوطه اتریشی گرچه فرانکو. الف قانون داشتن سلاح را نقض کرده ولی این دلیل برای دستگیری فوری و باز داشت او کافی نبوده است.

اما آثار انگشت او بر هفت تیر مقامات پلیس را متوجه می سازند که مشخصات او بعنوان پناهجو ثبت شده است. طبق اظهارات مقامات پلیس فرانکو. الف و همدستش ماتیس. ف با یکدیگر مکاتبات الکترونیکی داشته اند و اطلاعاتی که با زبان شکسته با یکدیگر مبادله می کردند خصومت آنها را با خارجیان روشن می ساخته است.

فن در لاین وزیر دفاع آلمان روز سه شنبه از سفر به امریکا چشم پوشید. سخنگویی اظهار داشت روشن ساختن قضایای مربوط به ستوان فرانکو. الف الویت دارد. افسر مذکور با تقلب هویتی برای خود بعنوان پناهجوی سوریائی بدست آورده و احتمالاً نقشه برای ارتکاب تخریب و انداختن آن به گردن پناهجویان داشته است. در فهرست نام های افرادی که می بایست به قتل می رسیدند از جمله نام «یواخیم گاوک» رئیس جمهور پیشین آلمان و « هایکو ماس» وزیر دادگستری آلمان نیز بوده است.

طبق اطلاعات (Redaktionsnetzwerks Deutschland (RND) مجرای نئو نازی ها گسترش می یابد و به یک توطئه جدی تبدیل می شود: (RND) می نویسد تعداد افراد مظنون اینک به پنج نفر رسیده که گویا در ارتش دست به تشکیل یک سلول زده اند. فن در لاین قصد دارد روز چهارشنبه از گردانی که فرانکو. الف در آن خدمت می کرده است بازدید کند. از قرار افکار افسر مذکور در سال 2014 شناسائی شده بود ولی فرماندهان مانع از برملا گشتن آن شده اند. بعد از ظهر روز سه شنبه دادستان آلمان رسیدگی به اتهام فرانکو. الف و همدستش را شخصا بدست گرفته است، باتهام « مظنون بودن به تدارک یک خشونت خرابکارانه جدی».

احتمالاً «فن در لاین» وزیر دفاع آلمان از این سرعت عمل ناراضی نیست: زیرا صبح روز سه شنبه او از این رو مورد انتقاد قرار گرفت که گفته بود آنچه رخ داده تفسیر نادرست از روح همبستگی سربازی است. این سخن، کارشناس امور دفاعی از حزب سوسیال دموکرات را بر آن داشت که بگوید وزیر دفاع باید از این سخنی که گفته عذر خواهی کند. رئیس اتحادیه ارتش گفت: « شوکه شده است». اینک اگر روشن شود که در ارتش گروه فاشیستی

زیرزمینی تشکیل شده، وزیر دفاع می تواند در نقش کاشف توطئه به خود ببالد. در حالی که نگرانی نسبت به افسران ارتش با کشف این رخداد تازه ایجاد نشده است. آنها که بر ارتش فرمان می رانند چنان غرق در غروری نخبه گرایانه هستند که اگر بخواهیم آن را با معیار پارلمانتاریسم بورژوائی بسنجیم باید آن را یک جامعه موازی ضد دموکراتیک بنامیم. در سال 2014 کتابی منتشر شد بنام «ارتش در آستانه بیداری» که به دانشجویان دانشکده افسری ارتش پیشنهاد می کرد «شجاعت، وفاداری و شرف» را قطبی دائمی بدانند که در تضاد است با قطب دیگر، قطب نظامی که تسلیم انحطاط شده و در پی تحقق بخشیدن به استعدادها و امکانات شخصی است، در پی ارضاء شهوت مصرف، پاسیفیسم و خود پرستی است». غیر قابل تصور نیست که برخی از افسران به همین تلخکامی ارتجاعی بسنده نکنند بلکه بخواهند دست بکار شوند: تا افول جمهوری رو به مرگی را که خواه ناخواه در حال احتضار است شتاب بخشند.

از آغاز «بحران پناهندگی» تضاد های میان پارلمان و دستگاه علنی می شوند. بخشی از رهبری ارتش و پلیس در همان سال 2015 در نامه ای داخلی باصطلاح «Non-Papers» اندیشه های تندگرایانه ای برای تغییر ساختمان کشور مطرح ساخت که کیفیت نقشه کودتا یافتند: پلیس «طبق قوانین موجود موظف به بستن مرزهاست، فرمان های دولت آلمان که خلاف آن باشند نقض قانون است» این تهدید یک مقام برجسته امنیتی از درون دستگاه دولتی بود. حتی گواهی کارشناسی حقوقی ارائه شد تا دولت آلمان را به دلیل «وارد کردن غیر قانونی خارجی» به دادگاه بکشند. «عمق دولت» یعنی قوه اجرایی. از این منظر برای راست گرایان بلند پرواز که می خواهند این کشور را عملاً تغییر بدهند، مطلقاً ضروری نیست که دست به فعالیت حزبی بزنند، دست به تظاهرات بزنند یا نطق های آتشین بکنند. از پلکان ترقی در دستگاه دولتی بالا رفتن بمراتب موفقیت آمیز تر است.

<https://deutsch.rt.com/inland/50014-bundeswehr-skandal-weite/t-sich-aus>

<https://www.jungewelt.de/artikel/309938.braune-armee-fraktion.html>

Advertisements

برادر رهبر انقلاب: ارتباط دین و سیاست همان چیزی است که شهید مدرس مطرح کرد منتها کسی که در سیاست دروغ می‌گوید دین آنها نیز دروغ است

منتشر شده در: ۲۸ خرداد، ۱۳۹۶

دبیرکل مجمع نیروهای خط امام با بیان اینکه اگر هدف تحکیم اسلام و تقویت آن است نباید به بهانه آن بسیاری از اصول زیر پا گذاشته شود، گفت: نباید به بهانه حجاب، کرامت انسانی را زیر پا گذاشت. به گزارش ایلنا حجت‌الاسلام سیدهادی خامنه‌ای در مراسم احیای شب بیست‌وسوم ماه مبارک رمضان یکی از مختصات انسان و جامعه انسانی را هدفدار بودن آن مطرح کرد و گفت: انسان بدون هدف کاری را انجام نمی‌دهد و خداوند متعال نیز جهان را هدفمند خلق کرده است. او با طرح این پرسش که آیا انتخاب وسیله بدون ضابطه است گفت: برای رسیدن به هدف باید وسیله‌ای هم سنخ آن پیدا کرد چرا که با انتخاب وسیله نامناسب از هدف دور می‌شویم. این نماینده سابق مجلس به بررسی مکاتب و دیدگاه‌هایی درباره هدف و وسیله پرداخت و اظهار کرد: در دسته اول هدف آنها از لحاظ منطق اسلام باطل است از این رو از هر وسیله‌ای نیز استفاده کنند غیر مشروع و باطل است. دسته دوم اهداف آنها قابل عرضه بوده و مردم آن هدف را می‌پسندند اما در پوشش آن هدف دیگری را دنبال می‌کنند که درست نیست و وسیله‌ای را هم که انتخاب می‌کنند مشروع نیست. خامنه‌ای ادامه داد: دسته سوم کسانی هستند که هدف آنها درست بوده اما وسیله درست و هم‌سنخ پیدا نمی‌کنند. دسته چهارم کسانی هستند که هدف آنها مقدس و وسیله نیز مناسب است که تبعاً به هدف می‌رسند.

دبیرکل مجمع نیروهای خط امام (ره) با بیان اینکه به دلیل اینکه هدف دسته اول نامشروع است از هر وسیله‌ای نیز استفاده کنند نامشروع و باطل خواهد بود اظهار کرد: به طور مثال آنها می‌گویند بر همه جهانیان می‌خواهیم مدیریت کنیم مثل آنچه که آمریکا می‌گوید و از زر و زور به اندازه نیاز استفاده می‌کنند. دسته دوم کسانی هستند که اهداف واقعی خود را پنهان می‌کنند و به ظاهر هدف‌های انسانی عرضه می‌کنند و برای آنها وسیله جای هدف را می‌گیرد. در این دسته هدف و وسیله هیچ سنخیتی با یکدیگر ندارند که مثال آن را می‌توان آمریکا و اسرائیل دانست که هدف آنها سلطه بر جهان و غلبه بر مظلومان است و وقتی از آنها می‌پرسید برای چه به ملت‌ها و کشورها دست‌اندزای می‌کنید می‌گویند که این کار برای تامین امنیت خود و دوستانمان است.

او تاکید کرد: اگر مکتبی برای برپایی عدالت آمده با سر بریدن و کشتار نمی‌تواند به آن هدف برسد. کسانی که در جامعه با شعار حمایت از دین و مردم‌سالاری به میدان می‌آیند اما طرف مقابل را متهم به دین‌ستیزی ضد مردم‌سالاری می‌کنند و از بحران و تخریب علیه آنها استفاده می‌کنند، از این دسته‌اند. خامنه‌ای با طرح این پرسش که چرا دروغ در سیاست به این میزان نفوذ پیدا کرده است گفت: چندی پیش فردی از من پرسید شهید مدرس اعلام کرده سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست، این چه جمله‌ای است که ایشان گفته و مگر می‌شود ما که این همه دروغ و تزویر در سیاست داریم در دین ما نیز اینگونه باشیم که من به او پاسخ دادم ارتباط دین و سیاست همان چیزی است که شهید مدرس مطرح کرد منتها کسی که در سیاست دروغ می‌گوید دین آنها نیز دروغ است.

او به دسته سوم اشاره کرد و گفت: در این دسته هدف افراد خوب اما وسیله‌ای نادرست را انتخاب می‌کنند. اگر می‌خواهیم هدف ما خدمت به انسان و تحکیم اسلام باشد باید توجه کنیم که اسلام بیش از هر چیزی به کرامت انسان توجه دارد.

دبیرکل مجمع نیروهای خط امام (ره) ادامه داد: در دسته چهارم هدف و وسیله حق است. خامنه‌ای در نقد دسته دوم اظهار کرد: آنها چون عقیده‌ای به هدف ندارند به بهانه یک هدف مقدس، وسیله تحمیلی در دست گرفته و به جان جامعه می‌افتند و پا بر روی ارزش‌های اساسی اسلام می‌گذارد. اگر هدف تحکیم اسلام و تقویت آن است نباید به بهانه آن بسیاری از اصول زیر پا گذاشته شود. او افزود: ما نباید به بهانه انجام کارهای بزرگ، کارهای کوچک را به فراموشی بسپاریم. نمی‌شود به

بهانه اینکه می‌خواهیم یک موسسه بزرگ علمی، فرهنگی و آموزشی در مرکز ایجاد کنیم از ایجاد مدارس و موسسه‌های فرهنگی در روستاهای کوچک صرف‌نظر کرد.

خامنه‌ای در بخش دیگری از این مراسم هدف اسلام و انبیای آسمانی را ایجاد عدل و قسط عنوان کرد و گفت: در جامعه اسلامی باید ارزش‌ها مدنظر قرار گیرد که اصلی‌ترین آن برپایی عدالت است. محور باید کرامت انسان در جامعه باشد و احکامی همچون نماز و روزه مقدماتی برای رسیدن به ارزش‌های والا هستند. افرادی در جامعه هستند که نماز و روزه می‌خوانند اما از خدا دور هستند. اگر نماز این خصوصیت را داشته که به غیر از خدا به کسی تکیه و تعظیم نکنیم، این نماز قبول است.

دبیرکل مجمع نیروهای خط امام (ره) با تاکید بر اینکه هدف و وسیله باید در یک مسیر باشد تصریح کرد: در اسلام نمی‌توان به بهانه اجرای عدالت به مردم ظلم کرد. نباید به بهانه حجاب، کرامت انسانی را زیر پا گذاشت. اخیراً برخی گفته‌اند به مخالفان اسلام می‌توان بهتان زد. این چه سخنی است و معلوم نیست که آنها برای گفته خود چه سندی دارند و به چه استناد می‌کنند.

او به زندگی امام علی (ع) و سیره ایشان اشاره کرد و گفت: حضرت علی (ع) وقتی به حکومت نرسیدند حکومت خلفایی پیش از خود را برهم نزد و اینگونه نبود که فکر کند محور همه چیز است و چون حالا خلیفه نشده می‌تواند همه چیز را برهم بزند.

خامنه‌ای اضافه کرد: در زمان خلیفه اول ابوسفیان نزد امام علی (ع) آمد و گفت من می‌دانم که حق شما را ضایع کنند از این رو حاضرم مدینه را پر از سرباز کنم تا شما بتوانید حکومت را در دست بگیرید. اما حضرت به او پاسخ داد که می‌دانم هدف تو خراب کردن است و به دنبال اصلاح نیستی. ایشان بعد به جامعه رفتند و گفتند مراقب باشید که برخی می‌خواهند جامعه را برهم بریزند.

دبیرکل مجمع نیروهای خط امام (ره) اظهار کرد: امام علی (ع) در ایام محرومیت از حق، هیچ گاه از ارائه مشورت کوتاهی نکردند و حتی گاهی اوقات فرزندان خود را برای کمک به سمت خلفا می‌فرستادند. در جریان عثمان نیز زمانی که حضرت فهمید گروهی قصد قتل او را کردند با این کار مخالفت کرد و گفت ما با این کار خلیفه‌کشی را رایج می‌کنید که به مصلحت جامعه اسلامی نیست.

او ادامه داد: امام علی بعد از رسیدن به خلافت نیز با مخالفان خود به هر قیمتی که شده مدارا کردند. معیار ایشان حق بود و حاضر نبود برای بقای خود به استانداری معاویه که فردی نادرست و عیاش بود کنار بیاید. در ماجرای طلحه و زبیر نیز آنها وقتی از حضرت منسوب خواستند و ایشان مخالفت کرد به دنبال توطئه رفتند. حضرت می‌دانست آنها به او متعرض خواهند شد اما تا زمانی که طلحه و زبیر دست به اقدامی نزدند با آنها مقابله نکرد.

خامنه‌ای به مشی امام علی (ع) در برخورد با خوارج اشاره کرد و گفت: کیفیت برخورد با ابن ملجم درس آموزنده‌ای است. این قاتل هیچگاه تحت فشار قرار نگرفت و کاری که به حضرت کرد باعث نشد به او آب و غذا ندهند یا او را شکنجه نکنند.

او افزود: امام علی (ع) وصیت کرد که بعد از او خوارج را نکشند چرا که هدف آنها اصلاح امت اسلام بود اما مسیر را اشتباه رفته بودند.

خامنه‌ای در پایان خودسازی را گام اول برای اصلاح جامعه تاکید کرد و گفت: راه اصلاح جامعه، اصلاح خودمان است و وقتی که انسان از درون تغییر نکند هیچ اصلاحی در جامعه رخ نخواهد داد.

«دنیا در اختیار یک گروه نامریی است»

Posted on دسامبر 20, 2016 in بین المللی, سرتیتر
هانس یورگن یاکوبس درباره مناسبات قدرت در سرمایه داری جهانی شده
برگردان: آرش برومند

منتشر شده در نگرش

ما معمولن فکر می کنیم که دنیا در اختیار سیاستمداران است که توسط مردم انتخاب می شوند. شاید هم فکر کنیم که متعلق به بانک ها و سرمایه است. من اما معتقدم که جهان متعلق به یک گروه تقریبی نامریی یعنی سرمایه گذاران است که میلیاردها و تریلیون ها وارد بازار می کنند و آن را به طور اساسی دگرگون می سازند؛ گروهی که اطلاعاتی بسیار کم از آن داریم و آن را به هیچوجه نمی بینیم.

توضیح مترجم

آنچه می خوانید مصاحبه کانال دوم تلویزیون آلمان با آقای هانس یورگن یاکوبس در مورد کتاب جدیدش است تحت عنوان «دنیا متعلق به کیست؟». این کتاب 680 صفحه ای، با کمک 20 خبرنگار خارجی «هندلس بلات» و 30 سردبیر موضوعات مختلف این نشریه تهیه شده است. آقای یاکوبس تا ابتدای سال 2016 یکی از دو مدیران اصلی نشریه «هندلس بلات» (نشریه معتبر تجاری آلمان) بوده است. سخنان آقای یاکوبس برای کسانی که نظام سرمایه داری را می شناسند، تازگی ندارد. راه حل ایشان نیز برای مبارزه با سرمایه مالی جهانی شده که به صورت افسار گسیخته دنیا را به کام بحران و آشوب می کشاند نیز، جستجوی راهی است در چارچوب نظام سرمایه داری. اهمیت این مصاحبه اما در نکته های زیر است:

1. این سخنان از زبان کسی جاری می شود که نه چپگرا است، نه مروج اندیشه های سوسیالیستی و نه مدعی دگرگون ساختن نظام سرمایه داری است.
2. این سخنان نشان از یک گرایش دارد. چنین به نظر می رسد که در میان محفل های مربوط به سرمایه داران، گروه هایی در حال شکل گیری اند که از پیامدهای جهانسوز لیبرالیسم نو، که منافع شان را به خطر می اندازد، هراس دارند. به نظر می رسد که در آینده باید منتظر شدت گیری انتقادات نسبت به سیاست های نولیبرالی از درون خود محافل سرمایه داری بود.

می توان امیدوار بود که چنین پژوهش های روشنگرانه و راهجویانه هر چه بیشتر افزایش یابد و به جنبشی دموکراسی گسترانه، برای محدود کردن قدرتی که خارج از کنترل عمومی قرار دارد، یاری رساند.

آقای یاکوبس! جهان متعلق به چه کسی است؟

در هر حال متعلق به آنهایی نیست که فکر می کنیم، مال آنها است. ما معمولن فکر می کنیم که دنیا در اختیار سیاستمداران است که توسط مردم انتخاب می شوند. شاید هم فکر کنیم که متعلق به بانک ها و سرمایه است. من اما معتقدم که جهان متعلق به یک گروه تقریبی نامریی یعنی سرمایه گذاران است که میلیاردها و تریلیون ها وارد بازار می کنند و آن را به طور اساسی دگرگون می سازند؛ گروهی که اطلاعاتی بسیار کم از آن داریم و آن را به هیچوجه

نمی بینیم.

یعنی چه؟ آیا صحبت از ساختارهایی است که در برابر کنشگرانی که در آلمان و یا کشورهای دیگر در کارند، آشکار نیستند؟

اینها آشکار نیستند، چون این گروه بندی از قِبلِ عموم و توسط آنها حیات پیدا نمی کند. آنها احتیاط و رازداری را دوست دارند، چون پول بسیار زیادی که متعلق به دیگران است را به حرکت درمی آورند. اینها محل گردآوری سرمایه اند؛ شرکت های مالی بزرگی که پول شان را از موسسه ها، از افراد ثروتمند، از صندوق های بازنشستگی و صندوق های دولتی دریافت می کنند و این پول را در همه جای دنیا سرمایه گذاری می کنند تا بازده بدست آورند. آنها از قِبلِ این امر زندگی می کنند که اطلاعاتی در مورد معیارها و رفتارشان ندهند. آنها در کمیته های نظارتی (Aufsichtsrat) موسسه های اقتصادی به هیچوجه حضور ندارند. به همین دلیل اطلاع کمی در مورد آنان داریم.

این به معنای آن است که آنان زندگی خودویژه ای دارند که قابل کنترل نیست و در آن واحد تاثیر و نفوذ بسیار زیادی دارد.

تاثیر، واژه خیلی ملایمی در این مورد است. آنها صاحب قدرت اند. آنها صاحب قدرت واقعی در سیستم اقتصاد جهانی اند، به این دلیل ساده که مبالغ هنگفتی را به کار می اندازند. برای مثال گروه بندی «مدیریت دارایی ها» (باصطلاح شرکت های Asset management) در مجموع، سالانه مبلغی حدود 80 تریلیون دلار سرمایه گذاری می کنند. این رقم، ثروت اداره شده است. هشتاد تریلیون دلار! این مبلغ بیش از همه کالاها و خدماتی است که سالانه در کل کره زمین تولید می شود. این آن تناسبی است که منظور نظر ما است. آدمی مثل لری فینک (Larry Fink) از شرکت «بِلک راک» (Blackrock)، بزرگترین شرکت مدیریت دارایی ها از نیویورک، حدود 5 تریلیون دلار در اختیار دارد که وارد بازار می کند. برای مقایسه، هزینه بودجه آلمان فدرال سالیانه 300 میلیارد یورو است و تولید ناخالص داخلی آلمان در کل خود حدود 3 تریلیون یورو است. پولی که در اختیار آقای فینک است به مراتب بیشتر از ارزش آن چیزی است که در کل آلمان تولید می شود.

این به چه معنا است؟ چه تصویری می توان از آقای فینک داشت؟ او بر چه چیزهایی می تواند تاثیر بگذارد و با پولی که او به بازار می دهد، چه چیزهایی را می تواند هدایت کند؟

همه رییسان موسسه های بزرگ اقتصادی مرتب در نشست های اطلاع رسانی و کنفرانس هایی با این سرمایه گذاران حضور دارند. گفتگوهای صورت می گیرند که هیچ فرد دیگری در آن حضور ندارد. «بِلک راک» در هیچ کمیته نظارتی حضور ندارد، به استثنای شرکت «آپل». به هر حال این نکته ای رسمی نیست. اینها گفتگوهای غیر رسمی اند. اما در این گفتگوها رییسان کنسرن های بزرگ می بایست کسب امتیاز کنند. آنان می بایست تاثیر خوبی از خود بجای بگذارند. در غیر این صورت پولی در میان نخواهد بود. یا اینکه پول کمتری از این مدیران دارایی های بزرگ دریافت خواهند کرد. او [لری فینک] همچنین قدرت خود را بطور مثال به این صورت اعمال می کند که نامه هایی اضطراری برای رییسان کنسرن های بزرگ می فرستد و به نکته های مشخصی اشاره می کند و فهرستی از معیارهای معینی وجود دارد که او می خواهد آنها در موسسه ها اجرا شوند. از جمله این که یک رییس هیات مدیره پس از پایان دوره کاری اش نباید به کمیته نظارت برود و رییس

کمیته نظارت شود. در مورد نمونه بانک آلمان، لری فینک که بزرگترین سهامدار بانک آلمان است، مانع آن شد که جو آکرمان، پس از پایان دوره اش در سال 2012 مستقیم اداره کمیته کنترل کننده را بدست گیرد. این نفوذ و قدرتی است که مشهود و ملموس نیست. در مورد آن به هیچوجه صحبت نمی شود. اما در حالت های استثنایی مانند مورد آکرمان قابل بررسی و دنبال کردن است.

این نکته اما به این معنی است که اغلب انسان ها به هیچوجه نمی دانند که سرنوشت کشورشان در دست کیست؟

نه! این نکته را افراد انگشت شماری می دانند. این را هم نمی دانیم که در چه کنسرن هایی این شرکت های مالی سهیم اند. تنها «بَلْک راک» در آلمان توسط 9 صندوق سرمایه گذاری در تقریب 11% بازار سهام آلمان سهیم است. این سهام ها متعلق به این شرکت است. 11% با 9 صندوق سرمایه گذاری! خیلی ها از این مساله مطلع نیستند.

حال شما کتابی نوشته اید تا این مساله را افشاء کنید. مخاطبان این کتاب چه کسانی هستند؟ آیا برای همه جالب است بدانند که چه چیزی واقعیت اجتماعی شان را تعیین می کند؟ یا اینکه اینکتاب برای افرادی که در این محافل در تحرک اند نیز جالب است.

در جریان جهانی شدن، سرمایه هر چه بیشتری در نزد شرکت های کمتری گرد آمده است. این یک بُعد جدیدی از قدرت است. این بنگاه ها به صورت ناشناس عمل می کنند. در پس آنها اما انسان هایی وجود دارند. این شرکت ها همچنین از برنامه های رایانه ای استفاده می کنند و الگوریتم هایی برای سرمایه گذاری، اما تعیین کنندگان انسان ها هستند. ما فکر کردیم که این نکته را نشان دهیم. ما گفتیم که به این سرمایه بزرگ، که همواره از آنها بعنوان «بازارها» یاد می شود، چهره ای ببخشیم. و اینها افرادی هستند که مسئول اند برای سرمایه گذاری ها. فکر می کنیم که بخش های بزرگی از شهروندان به این موضوع علاقمندند؛ افرادی که به سیاست و اقتصاد علاقه دارند و می خواهند بدانند که چگونه نوسانات در بازار بورس صورت می گیرد و چگونه تصمیم به سرمایه گذاری گرفته می شود. این یک بُعد واقعی است. ما همواره رییسان هیات مدیره ها را می بینیم که در کنفرانس های مطبوعاتی ظاهر می شوند. اما این که آنان در واقع از طرف سرمایه گذاران هدایت می شوند و می بایست خوشایند آنان باشند، چنین بُعدی در برابر دیدمان قرار ندارد.

معمولن فکر می کنیم این سیاست است که سرنوشت کشور و یا تحول اجتماعی را تعیین می کند. با توجه به آنچه گفته شد، آیا سیاستمداران کنشگرانی مانند عروسک های خیمه شب بازی نیستند؟

حرکت بخش سیاست به کُندی صورت می گیرد و متوجه بازارهای ملی است. البته کنفرانس های بین المللی و تلاش هایی برای هماهنگ سازی وجود دارند. اما در هر حال توجه معطوف به کشور مربوطه است و زمان واکنش نشان دادن خیلی طولانی است. مدت زیادی برای تصمیم گیری لازم است. بازار سرمایه و بازار مالی کاملن فرق دارد. در آنجا تصمیم ها با سرعت نانو ثانیه توسط رایانه ها گرفته می شوند. در اینجا تحرک تمام و کمال وجود دارد. تحرک سرمایه حرف اول و آخر جهانی شدن است. بخش سیاست نه موسساتی دارد و نه روش هایی که بتواند حریف چنین تحرکی شود.

آیا انشقاقی که در حال حاضر شاهد آنیم، یعنی فقیران فقیرتر و ثروتمندان ثروتمندتر شوند، به

طور فزاینده ای افزایش خواهد یافت؟

تراکم سرمایه در نزد شرکت های مالی بزرگ، در ابعادی که ما حتی تصورش را هم نمی توانیم بکنیم، منجر به تمرکز خواهد شد. تمرکز در بازار کالاها، تمرکز در شرکت ها (شرکت های بزرگ کمتری بر بازارها حاکم خواهند شد). و این منجر به تمرکز ثروت می شود؛ چنان که 1 درصد بالایی جمعیت جهان صاحب بیش از 50 درصد ثروت مالی جهان است. اینها پیامدهایی اجتناب ناپذیرند. این که چگونه با این مساله می شود برخورد کرد، امر حکومت های ملی است و من معتقدم که در برابر این نیروی سرمایه در حال حاضر نیرویی از جانب سیاست قرار ندارد.

منبع:

<https://www.zdf.de/kultur/aspekte/hans-juergen-jakobs-im-interview-102.html>

آزادی سیاسی یعنی اینکه همه‌ی مردم بتوانند در جامعه مؤثر باشند

سخنان مهم رهبری در دهه 60؛ اگر مردم زمامداری را قبول نکردند، خانه‌نشین می‌شود/آن کسی که اکثریت قاطع مردم او را به رهبری انتخاب بکنند، او رهبر است

"آزادی سیاسی به طور خلاصه یعنی اینکه افراد جامعه‌ی اسلامی در تکوین و همچنین در هدایت نظام سیاسی جامعه دارای نقش و اثر باشند. اینطور نباشد که یک قشری یا یک جمعی یا وابستگان به یک نژادی در جامعه حق و توانائی تصرف در امور اداره‌ی کشور را داشته باشند و دیگران نه. آزادی سیاسی یعنی اینکه همه‌ی مردم با قطع نظر از وابستگی‌های قومی و زبانی و نژادی و دینی در یک جامعه بتوانند نظام سیاسی جامعه را به وجود بیاورند و در آن مؤثر باشند و بتوانند آن نظام را به سمت مطلوب خودشان هدایت کنند."

آفتاب‌نیوز :

مشروح سخنان آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران (۲۲ خرداد ۱۳۶۶):

خطبه‌های نماز جمعه تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين نحمده و نستعينه و نستغفره و نستهديه و نتوكل عليه و نصلّي و نسلّم على حبيبه و نجيبه و خيرته في خلقه سيّدنا و نبينا ابي القاسم محمّد و على اله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين سيّما بقيّة الله في الارضين و صلّ على ائمة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين.

قال الله الحكيم في كتابه: و يضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت عليهم.(۱)

همه‌ی برادران و خواهران عزیز را دعوت می‌کنم به رعایت و حفظ تقوای الهی و خویشتنداری در مقابل گناهان و تخلفات و تمرین و ریاضت دادن نفس به انجام واجبات. همه را و خودم را توصیه می‌کنم به اجتناب از هوای نفس و تمکین در مقابل اوامر الهی و امیدوارم خدای متعال همه‌ی ما را بر انجام این فریضه‌ی بزرگ و رسیدن به ارزش حقیقی تقوا کمک کند.

در خطبه‌ی اول دنبال بحث‌های مربوط به آزادی را می‌گیریم و بحثی که امروز عرض خواهم کرد در باب آزادی‌های سیاسی در نظام اسلامی است. آزادی سیاسی به طور خلاصه یعنی اینکه افراد جامعه‌ی اسلامی در تکوین و همچنین در هدایت نظام سیاسی جامعه دارای نقش و اثر باشند. اینطور نباشد که یک قشری یا یک جمعی یا وابستگان به یک نژادی در جامعه حق و توانائی تصرف در امور اداره‌ی کشور را داشته باشند و دیگران نه. آزادی سیاسی یعنی اینکه همه‌ی مردم با قطع نظر از وابستگی‌های قومی و زبانی و نژادی و دینی در یک جامعه بتوانند نظام سیاسی جامعه را به وجود بیاورند و در آن مؤثر باشند و بتوانند آن نظام را به سمت مطلوب خودشان هدایت کنند. طبیعی است که وقتی در جامعه اختلاف رأی و نظری پیدا شد، آن عقیده‌ای که طرفداران بیشتری دارد - البته در چهارچوب اصول و ارزش‌های پذیرفته شده‌ی آن نظام - رأیش و حرفش متبّع خواهد بود و دیگران باید از آن تمکین کنند. امروز هنوز هم در دنیا نظام‌هایی هست، کشورهایی هست که در آن فقط یک دسته از مردم حق دارند در زمینه‌ی مسائل اداره‌ی جامعه صاحب‌نظر باشند، رأی بدهند، انتخاب بکنند و دیگران باید تسلیم جریانی باشند که آن عده‌ی اول به وجود می‌آورند. مثل همین نظام‌های فاشیستی دنیا، نظام‌های نژادپرست، مثل نظام آفریقای جنوبی، نظام صهیونیستی، نظام‌های ارتجاعی، بسیاری از نظام‌های پادشاهی و بسیاری از نظام‌هایی که به صورت تک حزبی در جامعه اداره می‌شوند؛ مثل نظام‌های کمونیستی در دنیا. در این نظام‌هایی که اشاره کردم همه‌ی افراد جامعه حق رأی دادن و اظهار نظر کردن و انتخاب کردن درباره‌ی مدیران جامعه را ندارند. در نظام‌های غربی چرا، انتخاباتی هست، مبارزاتی هست. البته در همان نظام‌ها هم قبلاً در بعضی از بحث‌ها مختصراً اشاره شد که سلطه‌ی تبلیغات و جنجال‌های تبلیغاتی باز هم مانع از آن است که همه‌ی افراد جامعه واقعاً بتوانند انتخاب بکنند. حالا در آن باره امروز بحثی ندارم.

بحث در باب نظر اسلام در این زمینه است. در اسلام به نظر مردم اعتبار داده شده؛ رأی مردم در انتخاب حاکم و در کاری که حاکم انجام می‌دهد، مورد قبول و پذیرش قرار گرفته. لذا شما می‌بینید که امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) با اینکه خود را از لحاظ واقع منسوب پیغمبر و صاحب حق واقعی برای زمامداری میدانند، آنوقتی که کار به رأی مردم و انتخاب مردم میکشید، روی نظر مردم و رأی مردم تکیه می‌کند. یعنی آن را معتبر می‌شمارد و بیعت در نظام اسلامی یک شرط برای حقانیت زمامداری زمامدار است. اگر یک زمامداری بود که مردم با او بیعت نکردند، یعنی آن را قبول نکردند، آن زمامدار خانه‌نشین خواهد شد و مشروعیت ولایت و حکومت به بیعت مردم وابسته است یا بگوئیم فعلیت زمامداری و حکومت به بیعت مردم وابسته است. آنوقتی که بعد از قتل عثمان مردم آمدند اطراف خانه‌ی امیرالمؤمنین را گرفتند، امیرالمؤمنین خطاب به مردم نفرمود که شما چه کاره‌اید؟ رأی

شما چه تأثیری دارد؟ فرمود: «دعونی و التمسوا غیری»؛ (۲) وقتی میخواست استنکاف کند از قبول خلافت و زمامداری، به مردم گفت من را رها کنید، به سراغ دیگری بروید. یعنی اراده‌ی شما، خواست شما، انتخاب شماست که تعیین کننده است؛ پس از من منصرف بشوید، به سراغ دیگری بروید. در مکاتباتی که امیرالمؤمنین با معاویه در پیش از جنگ صفین داشتند و استدلال میکردند؛ هر کدام یک دلیلی، استدلالی در نامه‌ی خود می‌آوردند - هم معاویه به یک چیزهایی استدلال میکرد تا روش سیاسی خودش را توجیه کند، هم امیرالمؤمنین استدلالهایی میکردند - آنجا یکی از جملاتی که امیرالمؤمنین به کار برده و احتمال میدهم بیش از یک بار هم امیرالمؤمنین این را به کار برده این است که: «آته بایعنی القوم الذین بایعوا ابابکر و عمر»؛ (۳) یعنی تو چرا در مقابل من میایستی و تسلیم نمیشوی، در حالی که همان مردمی که با ابوبکر و عمر بیعت کرده بودند و تو به خاطر بیعت آن مردم خلافت آنها را قبول داری، همان مردم با من هم بیعت کردند. یعنی مشروعیت دادن به رأی مردم و بیعت مردم؛ این یک اصل اسلامی است. لذا بیعت یکی از چیزهای اصلی بود. اگر کسی به عنوان خلیفه انتخاب میشد، مردم اگر بیعت نمیکردند، هیچ الزامی نبود که دیگران او را خلیفه بدانند. حتی آن زمانهایی که خلافت جنبه‌ی صوری هم به خودش گرفته بود، یعنی در دوران بنیامیه و بنیعباس، آن روز هم باز بیعت گرفتن از مردم را لازم میدانستند. حالا وقتی که یک حکومت قلدربانانه و جبارانه بر مردم بخواهد حکومت کند، بیعت گرفتن را هم اجباری میکند یا در بیعت هم تقلب میکند. مثل اینکه در انتخابات، انتخابات صوری و تشریفاتی، فرمایشی در دوران رژیم گذشته تقلب میکردند. اصل بیعت، یک اصل پذیرفته شده است. البته وقتی همه‌ی مردم، اکثریت مردم با کسی بیعت کردند و در حقیقت او را به زمامداری پذیرفتند، دیگران باید تسلیم او بشوند. شاید بیعت در این صورت هم اجباری نباشد. من فرصت نکردم که اطراف این قضیه که آیا برای آن اقلیت که مخالف زمامداری این حاکم یا این خلیفه هستند، واجب است که بیعت بکنند یا واجب نیست، تحقیق کنم ببینم چه جوری است. آنچه مسلم است، وقتی اکثریت یک نفری را به امامت و خلافت انتخاب میکردند، دیگران ملزم بودند که اطاعت کنند؛ اما بیعت هم لازم بود یا نه، معلوم نیست. لذا وقتی که امیرالمؤمنین به خلافت انتخاب شدند و مردم گروه گروه آمدند بیعت کردند با امیرالمؤمنین، یک عده‌ای بیعت نکردند. امیرالمؤمنین فرمود رؤسای آن عده را، شخصیت‌های سرشناس را آوردند. پرسید شما چرا بیعت نمیکنید؟ یکی، یکی از اینها سؤال کرد، هر کدام یک جوابی دادند. هیچ کدام از اینها را ندارد که امیرالمؤمنین اجبار کرده باشد بر اینکه باید بیعت کنید. حرفشان را شنید، استدلالی داشتند، آن استدلال را حضرت ابطال کرد، ره‌اشان کرد، رفتند. عبدالله بن عمر را آوردند خدمت امیرالمؤمنین در مسجد، فرمود چرا بیعت نمیکنی؟ گفت من منتظرم تا همه بیعت کنند، بعد من بیعت کنم. حضرت فرمود خب همه بیعت کردند، هیچ کس نیست که بیعت نکرده باشد، الا تعداد معدودی؛ گفت نه، من باید برام روشن بشود، ثابت بشود؛ عذر و بهانه آورد. مالک اشتر در خدمت امیرالمؤمنین بود، گفت یا امیرالمؤمنین این کسانی که با تو بیعت نکردند، شمشیر و تازیانه‌ی تو را تجربه نکردند، فکر میکنند تو با تعارف با اینها تمام خواهی کرد، اجازه بده من گردن این را که پسر یک خلیفه است و یک شخصیتی است، بزنم، این را که من گردن زدم به خاطر امتناع از بیعت، دیگران حساب کار خودشان را میکنند. حضرت خندیدند، فرمودند نه، عبدالله بن عمر از بچگی‌اش هم آدم خوش اخلاقی نبود، حالا که پیر هم شده، رها کنید، برود. حضرت ول کردند، رفت و بیعت نکرد تا آخر و تعداد زیادی بودند که بیعت نکردند با امیرالمؤمنین، اما زیر فشار قرار نگرفتند. اکثریت مردم بیعت کردند. البته آن کسی که بیعت نکرده، اگر قرار باشد علم طغیان بلند کند، مبارزه کند، مخالفت کند، آنچنانی که در جنگ جمل پیش آمد یا در جنگ صفین یا در جنگ نهروان، البته حاکم اسلامی موظف است برخورد کند. پس آزادی در انتخاب رهبر و امام و خلیفه در نظام اسلامی یک چیز روشن و واضحی بوده و همه آن را میفهمیدند و قبول میکردند. همین مطلب در قانون اساسی جمهوری اسلامی منعکس است.

شما ببینید در مورد رهبر بعد از آنی که شرایط رهبر را ذکر میکند، دو راه برای انتخاب رهبر مشخص میکند: یکی اینکه اکثریت قاطع مردم، نه نصف به علاوه‌ی یک، پنجاه و یک درصد، اکثریت قاطع یعنی آنی که اقلیت در مقابل او چیز ناچیزی باشد. آن کسی که اکثریت قاطع مردم او را به رهبری انتخاب بکنند، او رهبر است. تشبیه هم شده در قانون اساسی به رهبری امام بزرگوار ما و رهبر عظیم عزیز تاریخی این ملت که اکثریت قاطع مردم او را به رهبری انتخاب کردند و امامت او را پذیرفتند که رهبر و پیشوای جامعه باشد. ... (۴) این یکی از امتیازات بزرگ اسلام است. در قانون اساسی بعد از مقام رهبری مقام‌های دیگر هم، آنهایی که تعیین کننده‌اند، همین جورند. رئیس جمهور را که رأس نظام و نظام سیاسی و رئیس قوه‌ی مجریه است، مردم با آراء مستقیم انتخاب میکنند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی را که قانونگذار و قاعده‌ی اصلی نظام جمهوری اسلامی هستند، مردم با رأی مستقیم خودشان انتخاب میکنند. بقیه‌ی مقامات و کارگزاران هم با رأی مردمند، منتها تقریباً به صورت غیر مستقیم. مثل دستگاه قضائی که از طرف امام مقامات عالی قضائی انتخاب میشوند که خود امام منتخب مردم است. یا نخست وزیر که از طرف رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی برگزیده میشود که آنها منتخب مردم هستند. یعنی در حقیقت تمام دستگاه‌های اجرایی اصلی کشور با رأی مردم، با میل مردم انتخاب میشوند و مردم در او دخالت دارند. یک چنین چیز بسیار شگفت‌آور و عظیمی در اسلام هست که در جمهوری اسلامی هم به این شکل منعکس شده.

البته وضع ارتباطات امروز امکان تماس و فاصله‌ی امروز با دورانهای گذشته یک چیزهایی است که در کیفیت و

چگونگی این کار یک تفاوت‌هایی را به وجود می‌آورد که حالا محل بحث نیست. مهم اینکه در این حق، یعنی حق رأی دادن، حق انتخاب کردن، یعنی آزادی سیاسی در بزرگترین و مؤثرترین شکلش هیچ محدودیتی نیست. زنها هم همین جور رأی میدادند و رأی میدهند و صاحب سهمی در این آزادی عمومی هستند. جوانان هم همین طور، حتی نوجوانان هم اگر به حد بلوغ رسیدند، همین طور. نژادهای مختلف تفاوتی ندارند، مذاهب مختلف تفاوتی ندارند، حق رأی در جمهوری اسلامی مخصوص مسلمانان نیست، مخصوص یک عده‌ای از مسلمانان، یک مذهب خاص نیست، مال همه است. رأی در مجلس شورای اسلامی و قانونگذاری مخصوص مسلمین نیست. غیر مسلمانها هم نماینده انتخاب میکنند و حق رأی دارند. ببینید هیچ امتیازی در صدر اسلام هم نبود، در جمهوری اسلامی هم نیست و جالب است برای شما که بگویم اروپا و دنیای غرب، دنیای دموکراسی که این همه زبان‌درازی نسبت به اسلام کردند، به این امور و به این اصول بسیار دیر رسیدند. حق رأی برای زن تا اوایل این قرن که الان درش هستیم، در اروپا وجود نداشت. البته حق رأی کلاً برای جوامع اروپائی وجود نداشت، حتی بعد از رنسانس و نهضت صنعتی و علمی در اروپا. بعد از انقلاب فرانسه در اواخر قرن هجدهم تدریجاً حق داده شد به کارگران و زحمتکشان، یعنی مردم، توده‌ی مردم، آحاد مردم که رأی بدهند و انتخاب بکنند. بعد هم بتدریج در بعضی جاهای اروپا این رأی داده شد. در کشورهای اروپائی و در آمریکا، پس از جنگ اول جهانی به زنها حق رأی داده شد؛ یعنی تا ۱۹۱۸ پایان جنگ جهانی اول در آمریکائی که دم از آزادی و دفاع از حقوق زن و اینها می‌زنند و در اروپا، حق رأی به زنها داده نمیشد و زنها حق انتخاب کردن نداشتند و تازه بعد از ۱۹۱۸ که حق رأی به زنها داده شد، به زنهای بالاتر از سی سال حق رأی داده شد. در فاصله‌ی بین دو جنگ جهانی در بسیاری از کشورهای اروپائی از جمله در فرانسه، در ایتالیا و همچنین در ژاپن زنها حق رأی نداشتند. تا پیش از سال ۱۹۴۰ در آمریکای لاتین در هیچ کشوری زنها حق رأی نداشتند. در آنجائهای هم که حق رأی به زنها داده شد، به زنهای سی سال به بالا، بعد از مدتی زنهای بیست و یک سال به بالا؛ و این اواخر، در همین ده سال اخیر، در بعضی از کشورهای دنیا حق رأی را به هجده سالگی رساندند، ولی شما ببینید در جمهوری اسلامی بلوغ ملاک قرار گرفته؛ یعنی در شانزده سالگی، وقتی پانزده سالگی تمام شد، حق رأی برای همه وجود دارد، هر کسی میتواند. در حالی که در اروپا و در آمریکا و در دنیای صنعتی غرب با این همه ادعائهای که نسبت به آزادی بشر و آزادی حقوق و آزاداندیشی و مسائل زن و این چیزها دارند، به جوانان هجده ساله، نوزده ساله، بیست ساله سالهای متمادی، تا همین چند سال قبل از این، حق رأی داده نمیشد، به آنها اعتنا نمیشد، اما اسلام چرا، به اینها احترام میکند، اعتنا میکند و بتدریج به نظر اسلام دارند اینها نزدیک میشوند. یک طرز فکر پیشرفته‌ی بسیار مدرن و قابل دفاع در نظام اسلامی برای حق رأی مردم و فعالیتهای سیاسی وجود دارد. البته فعالیتهای سیاسی فقط حق رأی نیست، این بزرگترین و مهمترینش بود. به طور خلاصه در انواع آزادیهای که ما در چند خطبه‌ی اول نمازهای جمعه مطرح کردیم، این هم یک قلم عمده است. آزادیهای سیاسی، حق رأی دادن، حق انتخاب کردن، حق فعالیت سیاسی کردن، حق تلاشهای سیاسی کردن، اینها چیزی است که در جوامع اسلامی از قدیم معمول بوده و اسلام این را آورده. البته تسلط دستگاه‌های مرتجع مانع شده بود که این احکام اسلامی در کشورهای اسلامی عمل بشود. همچنان که امروز در خیلی از کشورهای اسلامی متأسفانه عمل نمیشود. در بعضی از کشورهای اسلامی هم که این مسائل وجود دارد، به تقلید اروپا و به سبک آنهاست، به سبک اسلامی نیست که خیلی از سبک غربی و اروپائی بهتر است. لکن در جمهوری اسلامی برگشتیم به همان سبک اسلامی که دیدیم روشن‌تر، مترقی‌تر و قابل دفاع‌تر و قوی‌تر از این چیزهایی است که امروز در دنیا وجود دارد. البته شاید در این زمینه باز هم لازم باشد کارهای بیشتری انجام بگیرد که حالا در خطبه‌های بعدی اگر این مطلب را ادامه دادم، ان شاء الله به آن مسائل هم خواهیم پرداخت.

بسم الله الرحمن الرحيم
والعصر. انّ الانسان لفي خسر. الاّ الذين امنوا و عملوا الصّالحات و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر. (۵)

- (۱) اعراف: ۱۵۷
- (۲) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۹۲
- (۳) نهج البلاغه، نامه ۶
- (۴) تکبیر
- (۵) عصر: ۱-۳

تا مردم نیایند، تشکیل حکومت ممکن نمی شود / امام قبل از انقلاب هم ولایت داشت، اما اقامه حکومت با حضور مردم محقق شد / امیرالمومنین می فرماید که تشکیل حکومت حضور حاضر و وجود ناصر می خواهد / امام راجع به رهبری می گوید من از اول معتقد بودم که برای رهبری شرط مرجعیت لازم نیست، اما دوستان اصرار کردند و این در قانون اساسی آمد / پرتاب موشک از سوی سپاه به محل استقرار داعش کاملاً درست، بجا و ضروری بود

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی شامگاه سه شنبه در ضیافت افطار با علما و روحانیون گفت: بخشی از مسائل ما اعتقادی است و از دیدگاه دین مبین اسلام، همه بحثهای اعتقادی، برهان، دلیل، بینه و استدلال دارد. در این بخش اعتقادی، بحث رای مردم و آرای مردم اصلاً مطرح نیست، آنجا عقل، استدلال، بینه و دلیل مطرح است و به همین دلیل هم این مباحث تقلیدی نیست.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی شامگاه سه شنبه در ضیافت افطار با علما و روحانیون گفت: بخشی از مسائل ما اعتقادی است و از دیدگاه دین مبین اسلام، همه بحثهای اعتقادی، برهان، دلیل، بینه و استدلال دارد. در این بخش اعتقادی، بحث رای مردم و آرای مردم اصلاً مطرح نیست، آنجا عقل، استدلال، بینه و دلیل مطرح است و به همین دلیل هم این مباحث تقلیدی نیست.

به گزارش «انتخاب»؛ دکتر روحانی ادامه داد: مباحث توحید، نبوت، امامت و عدل الهی، مسائلی نیست که بخواهیم درباره اینها بگوییم کسی درباره امامت امام بیاید رای بدهد. اصلاً بحث رای مطرح نیست؛ بحث علمی، نظری، عقلی و استدلالی است. مساله علمی ارتباطی به رای مردم ندارد.

رئیس جمهور اظهارداشت: رسول خدا بار نبوت و رسالت را در مکه بر عهده گرفت، اما نتوانست حکومت اسلامی را در مکه تشکیل دهد. در مکه عده محدودی اطراف پیامبر بودند که همین افراد محدود نیز به شدت تحت فشار بودند و حتی نماز خواندن آنها به سختی امکانپذیر بود و جمعی از آنان ناچار به هجرت هم می شوند. حالا در این وضعیت آیا پیامبر می تواند بیاید بگوید چون من پیامبرم، حکومت شبه جزیره باید در اختیار من باشد؟

دکتر روحانی تصریح کرد: بله پیامبر اشرف مخلوقات است و از همه نظر بالاترین است، اما در عین حال شرایط مکه شرایطی نیست که پیامبر بتواند در آنجا حکومت تشکیل دهد. این باعث نمی شود که ولایت او کم یا زیاد شود. ولایت الهی پیامبر در همه شرایط برقرار بود، اما برای تشکیل آن حکومت ظاهریه که می خواهد تولی امور در جامعه را بر عهده داشته باشد، باید صبر کند تا در مدینه شرایط مهیا شود.

رئیس جمهور خاطرنشان کرد: خود حضرت امیرالمومنین (ع) می فرماید که تشکیل حکومت حضور حاضر و وجود ناصر می خواهد. نه تنها حضور که نصرت و فداکاری هم می خواهد والا نمی شود حکومت اسلامی را تشکیل داد. امام خمینی (ره) که اواخر سال 57 توانست حکومت تشکیل دهد، مگر همان سال 42 و 43 به عنوان مرجع و ولی فقیه نبود و همان ولایت را نداشت؟ اما اعمال آن و اجرای یک حکومت و تشکیل حکومت تا مردم بیدار نشوند و نیایند و حضور نداشته باشند، ممکن نمی شود.

دکتر روحانی گفت: این در حالی است که امام خمینی (ره) وقتی هم که با پیروزی انقلاب اسلامی این امکان را می یابد که حکومت تشکیل دهد، آنقدر مراعات و ملاحظه می کند که اسم حکومت چه باشد. همه مردم در راهپیمایی ها شعار استقلال آزادی جمهوری اسلامی را سر می دادند و جمهوری اسلامی را قبول داشتند، اما در عین حال امام گفت مردم آزادانه برای تعیین نوع حکومت و نظام، پای صندوق رای بیایند.

رئیس جمهور اضافه کرد: اصل حکومت ما این است. امام بالاتر از اینکه چه کسی حاکم باشد، شکل حکومت و شرایطش را به رای مردم می گذارد و خیلی هم با عجله این کار را می کند. امام صبر نمی کند یکسال بعد این

کار را انجام دهد و تازه همه امور را هم به رای مردم می گذارد.

وی اظهارداشت: امام(ره) در آخرین نامه ای که به جلسه بازنگری که در اردیبهشت سال 68 بود، راجع به رهبری می گوید من از اول معتقد بودم که برای رهبری شرط مرجعیت لازم نیست، اما دوستان اصرار کردند و این در قانون اساسی آمد.

دکتر روحانی خاطر نشان کرد: امام در نهایت در نکاتی که در این رابطه می گوید، این مطلب را عنوان می دارد که یک مجتهد عادل که اعضای خبرگانی که منتخب مردم هستند به او رأی بدهند و معنای آن این است که رأی مردم پشت سر آن ولی است، به عنوان ولی منتخب مردم از طریق خبرگان برگزیده خواهد شد چرا که اعضای خبرگان با آراء مستقیم مردم انتخاب می شوند.

رئیس جمهور با بیان اینکه مجتهد عادل بر مردم ولایت دارد، اظهار داشت: ولی فقیه‌ای که با رأی خبرگان حکومت را در دست می گیرد، پیش از این نیز بر مردم ولایت داشته، اما اگر بخواهد حکومت تشکیل بدهد و بر مردم فرمانروایی کند باید بسط ید داشته باشد، چرا که بدون بسط ید نمی توان در یک مملکتی با 80 میلیون جمعیت حکومت را تشکیل داد و بسط ید با دعوت و خواست مردم است و باید مردم را به صحنه آورد.

دکتر روحانی افزود: روحانیت از ابتدا این رسالت را بر دوش داشت که علاوه بر دعوت مردم آنها را اقناع کند، در اصول دین با استدلال آنها را اقناع کرده و در فروع دین هم احکام خدا را برای مردم تبیین کند.

رئیس جمهور با بیان اینکه مگر امیر المومنین(ع) تنها در 5 سال آخر عمر خود بر مردم امامت و ولایت داشت؟، گفت: اصل ولایت الهیه و امامت حضرت علی(ع) نصب الهی و نص نبوی است، اما در عین حال امیر المومنین(ع) به دلیل شرایط جامعه پس از پیامبر در جامعه حاکم نبود و نتوانست آنطور که پیامبر و خودش می خواهد تولی امور را در دست بگیرد و حکومت اسلامی را ایجاد کند و 25 سال طول کشید تا زمینه در جامعه آماده و مردم خواستند تا حکومت به دست امام بیفتد.

دکتر روحانی خاطر نشان کرد: امام حسن(ع) نیز ناچار شد، حکومتی را که به واسطه بیعت مردم تشکیل شده بود، بخاطر شرایط جامعه ادامه ندهد و سایر ائمه هدی(ع) نیز با وجود آنکه ولایت و امامت داشتند نتوانستند آنطور که باید در جامعه حکومت تشکیل دهند.

رئیس جمهور با بیان اینکه مسأله ولایت با تشکیل حکومت دو مقوله جدا از هم است که نباید با هم خلط شود، گفت: این رسالت روحانیت عزیز ماست تا برای آنکه نسل جوان و جامعه ما برای اینکه این واقعیت ها را به طور کامل درک و لمس کنند، بتوانند این حقایق را برای مردم تبیین کنند.

دکتر روحانی در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر اینکه مسایل ملی، مسأله حزبی و جناحی نیست، بلکه به همه ملت تعلق دارد، افزود: منافع ملی، امنیت ملی، مصالح ملی، قانون اساسی و رهبری معظم انقلاب، حزبی نیستند، حتی خود دولت هم حزبی نیست؛ ممکن است دولت از طریق یک حزب بالا بیاید، اما وقتی که رأی مردم داده شد و دولت با رأی مردم حکومت را در بخش اجرا در دست گرفت، همه موظف به حمایت و کمک هستند، چرا که این دولت به همه تعلق دارد.

رئیس جمهور با بیان اینکه در مسایل مربوط به امنیت ملی بحث جناح و حزب، وجود ندارد، خاطر نشان کرد: ما اگر تصمیمی می گیریم که به یک مکانی موشک بزنیم، این تصمیمات در حوزه امنیت ملی ما قرار دارد.

دکتر روحانی اظهار داشت: اقدامی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای آماده کردن موشک و پرتاب آن به نقاطی که سران داعش در دیرالزور بودند، انجام داد تصمیم فرد یا یک رکن نظامی نیست، بلکه اینگونه تصمیمات در شورای عالی امنیت ملی اتخاذ می شود و این در حالی است که شورای عالی امنیت ملی بعد از حادثه تروریستی تهران در حرم امام راحل و مجلس شورای اسلامی برای پاسخ به تروریست ها اختیاراتی را به نیروهای مسلح داد که بیش از این اقدام اخیر بود.

رئیس جمهور با تأکید بر اینکه این اقدام کاملاً درست، بجا و ضروری بود، گفت: سیاست جمهوری اسلامی ایران نسبت به منطقه و مسایل جهانی تغییر نکرده است، اما اگر از یک مرکز، گروهکی افرادی را اعزام کند و با پررویی می خواهد در برابر برخی از معاندین ما در منطقه و خصم ما در سطح جهانی خودی از خود نشان دهد و به عظمت جمهوری اسلامی ایران صدمه وارد کند، مسلماً پاسخ قاطع دریافت خواهد کرد.

دکتر روحانی با اشاره به اینکه کاری که وزارت اطلاعات پس از آن حادثه در سطح کشور انجام داد و با اقدامات

شجاعانه افرادی که در سایر نقاط کشور تصمیمات دیگری داشتند را دستگیر کرد، افزود: البته پیش از این حادثه نیز وزارت اطلاعات و نیروهای مسلح کشور و سایر ارگان های امنیتی ما اقدامات بسیار خوبی علیه داعش داشتند، چرا که این اولین اقدام آنها علیه امنیت ایران نبوده و ده ها بار پیش از این هم طراحی کرده بودند که نتوانستند موفق شوند.

رئیس جمهور با اشاره به اینکه تروریست ها در حمله به مجلس و حرم امام نیز نتوانستند به اهداف خود دست پیدا کنند، اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران در برابر چنین اقداماتی که آنها در برابر کشور از خود نشان می دهند، حتماً پاسخ خواهد داد و باز هم اگر خدایی نکرده حادثه ای رخ دهد عاملان آن با جواب قاطع تر نظام جمهوری اسلامی ایران مواجه خواهند شد.

دکتر روحانی ادامه داد: همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند، آنهایی که تصویری که تصور می کنند می توانند به جمهوری اسلامی ایران سیلی بزنند، باید بدانند که از جمهوری اسلامی ایران سیلی خواهند خورد چرا که این راه و مسیر ماست که تغییر نکرده و ما در برابر افرادی که می خواهند به مردم و کشور ما خیانت کنند ، پاسخ خواهیم داد.

رئیس جمهور تأکید کرد: نظام جمهوری اسلامی با عزت و عظمت، به راه خود ادامه خواهد داد و وحدت، اتحاد و انسجام خود را حفظ خواهیم کرد.
در این مراسم و پیش از سخنان رئیس جمهور حجج اسلام غرویان و قاضی زاده به ایراد سخن پرداختند.

واکنش دو چهره به سخنان اخیر رئیس جمهور؛

مطهری: شرط تحقق زعامت سیاسی، مقبولیت نزد مردم است / آیت الله مصباح: کار به جایی رسیده که مقام بزرگ مسؤولی می گوید خود علی(ع) اعلام کرد که هرچه مردم بگویند من هم همان را می گویم؛ بین ایمان و کفر و ثواب و خطا دیوار آنچنانی وجود ندارد

نائب رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به اظهارات اخیر رئیس جمهور گفت: «مشروعیت امامت به معنی مورد نظر شیعه، از ناحیه خدا و رسول خداست، اما شرط تحقق یک شاخه آن یعنی زعامت سیاسی و رهبری جامعه، رای و نظر مردم و به عبارت دیگر مقبولیت شخص امام نزد مردم است.»

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



نائب رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به اظهارات اخیر رئیس جمهور گفت: «مشروعیت امامت به معنی مورد نظر شیعه، از ناحیه خدا و رسول خداست، اما شرط تحقق یک شاخه آن یعنی زعامت سیاسی و رهبری جامعه، رای و نظر مردم و به عبارت دیگر مقبولیت شخص امام نزد مردم است.»

به گزارش «انتخاب»، علی مطهری در یادداشتی درباره سخنان اخیر حسن روحانی به شرح زیر نوشت:

جناب آقای روحانی رئیس جمهور محترم در سخنرانی اخیر خود در جمع پزشکان جمله‌ای فرمودند که نیاز به توضیح داشت. ایشان فرمودند: «امیرالمومنین مبنای ولایت و حکومت را نظر مردم و انتخاب مردم می‌داند. لمن ولیتمو امرکم، گفت که هر کس که شما او را به عنوان ولی خودتان و رهبر جامعه برگزینید من هم اطاعت می‌کنم، من هم می‌شنوم و اجرا می‌کنم. امیرالمومنین مبنای حکومت و فرمانروایی را رای مردم، خواست مردم و آرای مردم می‌داند.»

این سخن جناب ایشان قطعاً ناظر به مساله امامت نیست، بلکه همانطور که قرائن نشان می‌دهد مقصودشان شرط تحقق حکومت امام یعنی رای و انتخاب مردم است و سیره علی (ع) نیز همین را تایید می‌کند. پس از

رحلت رسول اکرم (ص) زمانی که مردم به هر دلیلی علی رغم نص پیامبر اسلام به شخص دیگری اقبال نشان دادند، آن حضرت به خاطر حفظ اساس اسلام و وحدت مسلمین قیام نکرد و حتی در مواردی با خلیفه اول و دوم همکاری داشت و طرف مشورت آنها بود، ولی پس از مرگ خلیفه سوم و اقبال مردم به امیرالمومنین و اتمام حجت بر او، حکومت و خلافت را پذیرفت، در حالی که قبل از آن نیز امام بود و از سه شأن امامت یعنی مرجعیت بیان دین و ولایت معنوی و زعامت سیاسی، تنها شأن زعامت سیاسی و رهبری اجتماع را در اختیار نداشت.

بنابراین مشروعیت امامت به معنی مورد نظر شیعه، از ناحیه خدا و رسول خداست، اما شرط تحقق یک شاخه آن یعنی زعامت سیاسی و رهبری جامعه، رای و نظر مردم و به عبارت دیگر مقبولیت شخص امام نزد مردم است. برای دوره غیبت، از سوی امام عصر (عج) نصب عام با عنوان «فقهای جامع الشرایط» صورت گرفته و نصب خاص آن با انتخاب مردم صورت می‌گیرد که طبعاً اگر اقبال مردم نباشد، باز مانند زمان معصوم حکومت امام و ولی فقیه قابل تحقق نخواهد بود».

واکنش آیت الله مصباح یزدی به سخنان روحانی

آیت الله مصباح یزدی گفت: برخی می‌گویند وقتی مردم با کسی بیعت کردند علی(ع) وظیفه خود دانست از آن شخص اطاعت کند و حق نداشت که مخالفت کند چون مردم رأی داده بودند، اگر یک مسلمان ایرانی اینگونه فکر کند پذیرفته است؟ آیا نمی‌توانست درباره این مسأله تحقیق کند به ویژه اگر سابقه طلبگی داشته باشد.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اظهار داشت: اگر کسی درس خوانده باشد، کتاب ببیند و اسم الغدير شنیده باشد و چنین اظهاراتی داشته باشد بعید است، نه تنها عقیده برخی اینگونه است بلکه به صورت رسمی می‌گویند علی(ع) حکومت برخی را پذیرفت چون رأی مردم بود و بعد گفت هر که را شما قبول دارید من هم قبول دارم.

وی ادامه داد: آیا جریان این گونه بوده است؟ این نشان می‌دهد که در این زمان باید درباره اصلی ترین مسائل تحقیق عمیق کرده و مسائل را باید برای جامعه تبیین کنیم، گاهی حضرت آیت الله بهجت در خلال درس نکاتی را بیان می‌کردند و گاهی چیزهایی را بیان می‌کردند که شاید افرادی گله می‌کردند، به عنوان مثال ایشان بارها تأکید می‌کردند که امام علی(ع) جانشین حقیقی پیامبر اسلام بوده است.

آیت الله مصباح یزدی ابراز داشت: گاهی به مرحوم آیت الله بهجت گفته می‌شد که مطالبی را بگویند که شاگردان نمی‌دانند و برای آن‌ها مجهول باشد نه مسأله جانشینی امام علی(ع) که برای همه مشخص است اما ایشان بر این مسأله تأکید می‌کردند و از این کار هدف داشتند.

وی عنوان کرد: تمامی مسائل مهم و مبنایی باید برای جوانان به خوبی تبیین شود تا در برابر شبهات بسیار واکسینه شوند، نسل های جوان و آینده باید مسائل را به خوبی بدانند و از تاریخ و مسائل مربوط به اسلام و اهل بیت(ع) آگاه باشند.

آیت الله مصباح خاطرنشان کرد: زمانی در اوایل انقلاب دانشجویانی از ما دعوت کردند که چند وقتی به لندن برویم و پاسخ به شبهاتی داشته باشیم، آن روز یکی از کسانی که امروز یکی از بت های نو اندیشان است و در ایران نیست حضور داشت و آن شخص برای سایر دانشجویان که بعدها وزیر شدند برنامه داشت و افراد به او اقتدا می‌کردند، آن شخص روزی به بنده گفت بر این مسأله که افراد بعد از مرگ دوباره زنده می‌شوند نباید اصرار کرد.

وی اضافه کرد: علت این سخن این بود که نویسنده معروفی این موضوع را مطرح کرده بود و این شخص در دفاع از نویسنده چنین سخنانی را مطرح می‌کرد، برخی از جوانان مقامی نزدیک مقام امام و پیامبر برای او قائل بودند و هنوز برخی اینگونه هستند.

آیت الله مصباح یزدی گفت: بین ایمان و کفر و ثواب و خطا دیوار آنچنانی وجود ندارد و انسان باید هوشیار باشد، قرآن درباره برخی از کسانی که پشت سر پیامبر نماز می‌خواندند می‌فرماید این‌ها به کفر نزدیک تر هستند تا این که به ایمان نزدیک باشند، باید سعی کنیم که مسائل به خوبی تبیین شود.

وی افزود: نباید گفت که مسائل از وضاحت است و نباید تکرار مکررات کرد چون گاهی کار به جایی می‌رسد که مقام بزرگ مسؤولی در کشور می‌گوید خود علی(ع) اعلام کرد که هرچه مردم بگویند من هم همان را می‌گویم و اگر مردم با کسی بیعت کردند من هم این کار را می‌کنم و این کار را انجام داد.

مجلس خبرگان: سخنان روحانی در مورد نقش مردم در حکومت، با مبنای دینی ناسازگار است



مجلس خبرگان به سخنان اخیر رئیس جمهور در مورد نقش مردم در حکومت واکنش نشان داد. به گزارش انتخاب، متن این بیانیه بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

در روزهای اخیر مطالبی پیرامون «مشروعیت» و «مقبولیت» حکومت اسلامی و تصدی ولایت و حاکمیت مبتنی بر آراء مردم با استناد به کلمات امیرالمؤمنین (ع) در جامعه مطرح شد که با برخی مبانی دینی اعم از مبانی دینی اهل سنت و تشیع که در فقه سیاسی اسلام مورد بحث قرار گرفته، متعارض و ناسازگار است. طرح این گونه مطالب هر چند تازگی ندارد و در طول تاریخ اسلام چه در عصر حضور و چه در دوران غیبت و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح بوده و همواره از سوی علمای بیدار پاسخ داده شده است.

اکنون با توجه به ضرورت پاسداری از جایگاه رفیع ولایت و امامت الهی توسط همه ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان رهبری لازم می‌داند نکاتی را یادآور شود:

۱. ولایت و امامت الهی به همه شوؤن آن اهم از تبیین و حفظ دین و هدایت مردم و زعامت سیاسی اجتماعی از احکام الهی است همانند ولایت پیامبر (ص) و متوقف بر خواست و نظر و رأی مردم نیست بلکه باید گفت ولایت، روح اسلام است و احکام بدون پشتوانه و قدرت اجرایی خود را از دست می‌دهد «و ما نودی اجد بشیئ کما نودی بالولایه». همانگونه که آیات الهی قبل از نهج البلاغه بر آن تاکید دارند و می‌فرماید «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» که مقام ولایت را همانند مقام نبوت الهی می‌داند.

۲. بیعت با پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) به معنای مشروعیت بخشی به حکومت پیامبر و یا امام توسط مردم و بیعت‌کنندگان نمی‌باشد بلکه تأکیدی بر اعلام وفاداری و پیروی و فرمانبری از رهبران الهی است. بنابراین، نباید آن را با رأی مردم و انتخابات در دوران معاصر مقایسه کرد.

۳. بعد از قرآن باید به مسأله غدیر و نصب حضرت علی (علیه السلام) در آن جمع کثیر بی‌سابقه توجه کرد، بعد هم خطبه‌های متعدد نهج البلاغه و نامه‌ها که همه صریح و گویا است، باید به این گوینده گفت «حفظت شیئا و غابت عنک الاشیاء». خود امیرالمؤمنین (ع) در بعد از ارتحال پیامبر (ص) حق حکومت خود را مطالبه کرده است. احادیثی مانند «ناشد تکم الله اما کنتم فی حجه الوداع اما سمعتم رسول الله یقول من کنت مولا فها علی مولا» دال بر این امر است.

حضرت علی (ع) در خطبه شقشقیه ولایت خود را فریاد زد «انه لیعلم ان محلی منها محل القطب من الریح» تا آنکه فرمود (اری ترانی نهبا من) می‌نگرم که میراث ولایت و حکومت ربه شده است در حالی که سخنی از رأی و خواست و نظر مردم در میان نمی‌آید و البته اگر مردم با فردی غیر از ولی بیعت کنند مشروعیت نمی‌یابد لذا در نهایت حضرت فرمودند: «لولا حضور الحاضر و قیام الحجه بوجود الناصر و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظه ظالم و لا سغب مظلوم لقیث حبلها علی غاربها» که اگر حضور مردم حاضر در صحنه و وجود یاورانی که حجت به وسیله آنان تمام می‌شود و نیز مسؤولیت الهی علما که نباید بر شکم بارگی ستمکاران و گرسنگی مظلومان آرام بگیرند معنایی برای پذیرش حکومت از منظر علی (ع) نبود. خلاصه آنکه اگر حضرت در ابتدا بیعت را نپذیرفت بخاطر شناخت جامعه و نقض‌کنندگان و فتنه‌های آینده بود. لذا شرط می‌کند که اگر بیعت آنان را بپذیرد به نظر خودش عمل خواهد کرد.

مجلس خبرگان رهبری، با اذعان به نقش و جایگاه مردم در استقرار و استمرار حکومت اسلامی، بر اهمیت منحصر به فرد جایگاه رفیع امامت، ولایت و رهبری امت اسلامی که منشاء مشروعیت نظام اسلامی بوده و مردم سالاری دینی را به ارمغان آورده است و امروز در ولایت فقیه تجلی یافته، اصرار داشته و بر ضرورت حفظ وحدت داخلی و انسجام ملی و اجتناب از بحث و جدلهای تفرقه‌انگیز تأکید می‌نماید.

احمد جنتی

رئیس مجلس خبرگان رهبری

دوشنبه ۲۴ رمضان المبارک ۱۴۳۸ برابر با ۲۹ خرداد ۱۳۹۶

پاسخ مکارم شیرازی به روحانی: در اسلام حاکم را مردم انتخاب نمی‌کنند

Print



حق نشر

عکس TASNIM

Image caption آیت الله مکارم شیرازی

آیت الله ناصر مکارم شیرازی، از مراجع تقلید شیعه در قم از سخنان اخیر حسن روحانی، رئیس جمهور ایران انتقاد کرده و گفته که انتخاب حاکم در اسلام به عهده مردم نیست، بلکه "خداوند باید ولی را تعیین کند". آقای مکارم شیرازی گفته که آقای روحانی "یک صفحه از نهج البلاغه را دیده و بقیه را ندیده است". او خطاب به حسن روحانی گفته: "آیات درباره ولایت در قرآن زیاد است، شما تنها یک جمله از نهج البلاغه (مجموعه سخنان و نامه‌های امام علی) را دیدید و بحث کردید. در حالی که یکی از مسلمات مذهب شیعه این است که امام را خدا و نه آرای مردم تعیین می‌کند". آقای روحانی اخیراً در یک سخنرانی گفته بود که امام علی، امام اول شیعیان نظر و انتخاب مردم را مبنای ولایت و حکومت می‌دانست. او با نقل جمله‌ای از نهج البلاغه گفت: "انتخابات و آرای مردم که ما امروز دنبالش هستیم، پیروی از تفکر غرب نیست. رأی و نظر مردم هدیه دنیای غرب بعد از رنسانس برای ما نیست. ما دارای مذهب و مرام و دینی هستیم که امیرالمومنین مبنای حکومت و فرمانروایی را، رأی مردم می‌داند". اما آقای مکارم شیرازی می‌گوید که دموکراسی روشی غربی برای حکومت است. او گفته: "نباید بگوییم که حاکم را رأی مردم تعیین می‌کند، رسول اکرم فرمود که تعیین جانشین من با خدا است و خداوند به هر کسی که خواست، ولایت می‌دهد". موضوع منبع مشروعیت حکومت در ایران در سال‌های اخیر مورد مناقشه بوده است. رهبر ایران را طبق قانون اساسی اعضای مجلس خبرگان رهبری انتخاب می‌کنند که خود از طریق انتخابات برگزیده می‌شوند. عده‌ای استدلال می‌کنند که به این ترتیب رهبر ایران به طور غیر مستقیم منتخب مردم است و از این طریق مشروعیت می‌گیرد. اما عده‌ای دیگر می‌گویند که کار اعضای مجلس خبرگان تنها شناختن کسی است که از جانب خدا منصوب شده و چنین شخصی مشروعیت خود را از خدا می‌گیرد. البته اکثر کسانی که چنین استدلال می‌کنند، معتقدند که "مقبولیت" رهبر در نزد افکار عمومی هم اهمیت دارد.

روزنامه جمهوری اسلامی: علمای دین نمی توانستند یک تماس تلفنی با روحانی بگیرند و منظورش را سوال کنند؟

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

جمهوری اسلامی نوشت: هفته گذشته رئیس‌جمهور روحانی در یکی از ضیافت‌های افطاری، درباره مبنای حکومت در اسلام سخن گفت و نتیجه گرفت که انتخاباتی که ما امروز دنبالش هستیم و آراء مردم، این پیروی از تفکر غرب نیست.

وی گفت: رای مردم و نظر مردم، پیروی از تفکر غرب نیست، رای مردم و نظر مردم هدیه دنیای غرب بعد از رنسانس برای ما نیست. ما دارای مذهب و مرام و دینی هستیم که امیرالمومنین مبنای حکومت و فرمانروایی را رای مردم و خواست مردم و آراء مردم می‌داند و ما بحمدالله در این انتخابات شکوهمند بهار 96 عظمت ملی خودمان را به جهانیان نشان دادیم.

این سخن، از دو ناحیه مورد انتقاد قرار گرفت. یکی جماعت رقبای آقای روحانی که به بهانه فراز اول سخن ایشان، تلاش کردند رئیس‌جمهور را بی‌اعتقاد به مبنای اعتقادی شیعه در امامت جلوه دهند و دیگری بزرگانی که به رئیس‌جمهور تذکر دادند که در استناد به سخنان امیرالمومنین علیه السلام قسمت‌های دیگر نهج البلاغه را نیز ملاحظه کند و به یک جمله اکتفا نکند.

تکلیف رقبای سیاسی روشن است و نمی‌توان از آنها توقعی داشت. با این حال، آوردن فراز اول سخن رئیس‌جمهور که قرار دادن آن در کنار قسمت دوم کاملاً نشان می‌دهد ایشان درصدد بیان چه چیزی بوده، می‌تواند پرده از ابهامی که رقبا تلاش کردند پدید آورند و نتیجه مورد نظر خود را بگیرند بر می‌دارد.

روحانی در این فراز گفت: «امیرالمومنین، مبنای ولایت را مبنای حکومت را نظر مردم و انتخاب مردم می‌داند» «لمن ولیتموا امرکم». گفت هر کس که شما بروید او را برگزینید به عنوان ولی خودتان و به عنوان رهبر جامعه منم اطاعت می‌کنم، من هم می‌شنوم و اجرا می‌کنم.»

این فراز از سخن رئیس‌جمهور را اگر منهای فراز دیگر که امتیاز اسلام در اهمیت دادن به رای مردم را به رخ غرب می‌کشد در نظر بگیریم همان ابهامی را که رقبای سیاسی رئیس‌جمهور روحانی درصدد مطرح کردن آن هستند در خود دارد. ولی کنار هم قرار گرفتن این دو فراز کاملاً نشان می‌دهد نظر گوینده این سخن این است که زمامداری و اعمال حاکمیت در جامعه بدون پذیرش مردم امکان ندارد و مورد نظر اسلام نیست.

رقبای سیاسی رئیس‌جمهور روحانی و همچنین بزرگانی که با هدف روشنگری به انتقاد از سخن رئیس‌جمهور اقدام کردند، اگر به این نکته توجه نمایند که آقای روحانی یکی از صاحب نظران دینی است که نه تنها با مبنای فقه سیاسی شیعه آشنائی دارد بلکه برای تحکیم این مبنای تلاش‌های زیادی کرده و بر همین مبنا مسئولیت ریاست قوه مجریه را پذیرفته و خود را ملزم به اجراء قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی، که بر مبنای فقه سیاسی شیعه استوار است، می‌داند، قطعاً به این نتیجه خواهند رسید که ایشان درصدد انکار نصب امام معصوم از ناحیه خدا به امامت نبوده و نخواستن مشروعیت امام را زیر سؤال ببرند بلکه تبیین مرحله مقبولیت مردمی زمامداری در اسلام را مدنظر داشت که نیاز مبرم اعمال حاکمیت است. این، همان چیزی است که قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی سازوکار آن را برای تعیین رهبری پیش‌بینی کرده و در کلام امام خمینی مطالب زیادی در مورد نقش مردم در انتخاب رده‌های مختلف کارگزاران نظام تا عالی‌ترین سطح آن یعنی رهبری وجود دارد.

بدین ترتیب، سخن رئیس‌جمهور روحانی نباید به معنای انکار مبنای شیعه در امامت جامعه تفسیر شود. رئیس‌جمهور محترم نیز بهتر است هنگام طرح این قبیل مباحث تخصصی به دغدغه‌های احتمالی توجه داشته باشند و آنچنان روشن سخن بگویند که قابل تفسیر به رای و تاویل و حمل بر معانی نادرستی که مورد نظر ایشان نیست نباشد.

در همین سخن که اکنون مورد مناقشه قرار گرفته کافی بود آقای رئیس‌جمهور ابتدا شان مشروعیتی امام معصوم را تذکر می‌دادند و سپس این مطلب را به زبان می‌آوردند تا رقبا نتوانند با سخن ایشان برخورد سیاسی کنند و بزرگان نیز با ملاحظه این سخن، دغدغه‌ای نداشته باشند هر چند از بزرگان نیز این انتظار وجود دارد که هنگام مواجهه با اینگونه ابهامات قبل از آنکه دغدغه خود را مطرح کنند، از شخص رئیس‌جمهور در یک تماس تلفنی توضیح بخواهند و با عمل به این شیوه، راه را بر سوءاستفاده گران نیز ببندند.

احساس نمی کنید

در محاصره خبری قرار دارید؟

هینترگروند (پس پرده) - گزینش و ترجمه رضا نافی

اکارت اسپو ، نویسنده این مقاله از 1962 تا 1997 دبیر روزنامه فرانکفورتر روند شاو، از 1970 تا 1986 رئیس اتحادیه روز نامه نگاران آلمان بود. در سال 1997 همراه با چند روزنامه نگار دیگر مجله اوسیتسکی را بنیاد نهاد که تا امروز نیز سردبیر مسئول آنست. بخش هائی از مقاله او را می خوانید.

از رادیو برلن می شنوم که در سوریه هزاران نفر علیه دولت دست به تظاهرات زده اند. تمام روزنامه های دیگر هم همین خبر را منتشر کرده اند. در روزنامه یونگه ولت خبر دیگری می خوانم. این یک روزنامه استثنائی، کوچک و غیر وابسته به کنسرن های بزرگ رسانه ای آلمان است، چون سهام آن متعلق به نویسندگان و کارکنان خود روزنامه است و از لحاظ مالی وابسته به کنسرن ها نیست. این روزنامه می نویسد در سوریه صدها هزار نفر در حمایت از دولت و مخالفت با دخالت کشورهای دیگر در امور داخلی سوریه تظاهرات کرده اند. بنظر می رسد که هر دو خبر درست هستند، نباید یکی درست و آن دیگری نادرست باشد. دو خبر می توانند مکمل یکدیگر باشند.

اگر خواننده به همه خبر ها دسترس داشته باشد - از جمله خبرهائی که در اینترنت هم در جایی درج شده است - و همه را کنار یکدیگر بگذارد ممکن است، دست آخر ، احتمالاً به حقیقت دست یابد. ولی چه کسی وقت این را دارد که برای کسب خبر به همه جا سربزند و جستجو کند؟ وقتی خبرهای داخلی و خارجی روزنامه های معمولی و منحصر به فرد محلی و رادیوهای محلی همه از یک منبع، از یک کنسرن بزرگ رسانه ای خبری می گیرند و خبرهای آنها حتی لغت به لغت مشابه هم هستند و بنظر می رسد که متقابلاً یکدیگر را تایید می کنند، و اکثراً هم همین طور است، - بدشواری ممکن است در باره اطلاعات خود دچار شک و تردید شویم، بلکه برعکس، تصور می کنیم که کاملاً از واقعیات باخبر هستیم، و چون خبر دیگری نمی خوانیم و نمی شنویم به همین حقیقت ها راضی هستیم، به خبرهائی که در واقع از بنیاد نادرست هستند و حتی بسیاری از این ها ساختگی هستند. با چینین زمینه ای چگونه می توانیم درستی رویدادهای جهانی را که هر روز از نو ساخته می شوند، بشناسیم و

به منافعی که در پس آنها پنهان است پی ببریم و بدانیم که در پس پرده چه می گذرد؟

هر صحنه ای و هر نمایشی به دو قطب، دو طرف، دو شخصیت، دو جبهه نیاز دارد: که با هم در جنگند. یکی بد است و یکی خوبست، یکی خبیث، پلید، بدجنس و شیطان صفت است، یکی خوب، نیک سیرت، خوش جنس و فرشته خوست. در نمایش تبلیغاتی که این روز ها روی صحنه است، اسد، رئیس جمهور سوریه آن شخصیت بد است، مثلاً روزنامه آلمانی و پر تیراژ « بیلد تسایتونگ » او را « دیوانه » لقب داده است. اما لقبی که بنا به تجربه بسیار اثر بخش است، لقب « قصاب » است. به این معنی که این افراد خبیث و اهریمن صفت مردم خود را « قصاب وار » می کشند و این ما هستیم که باید این مردم را از مرگ نجات دهیم، آن هم با شتاب تمام و فوری. ما باید در کنار دوستان خوبمان واشنگتن، لندن و پاریس حتماً این کار را بکنیم - وجدان پاک، متعالی و پیشرفته ما به این حق و مسئولیت را می دهد که به این خلق ها کمک کنیم تا بتوانند - با کمک خشونت بسیار متری و

خوب ما، خود را از شر رئیس جمهور نابکار خود رها سازند. درست است که حقوق بین المللی دخالت در امور داخلی دیگر کشورها را ممنوع کرده است، ولی این قانون شامل حال ما نمی شود، زیرا که ما همیشه یار و مددکار نیکی هستیم. و هر چیزی که احتمالا با صحنه نمایش جور نیاید، تا جایی که ممکن است، باید از دیده ما پنهان بماند. به همین دلیل رسانه های تبلیغاتی با دقت تمام مراقب هستند که اخباری که ما را ناراحت کنند یا احتمالا تعادل روانی ما را مختل سازد بگوشتان نرسد. آنچه اصلا بخاطر ما خطور هم نمی کند این است که این باصطلاح افراد نانجیب، دیوانه و قصاب شاید هم رفتارشان آنقدر ها دور از خرد و خشن نیست که به ما گفته می شود، و ما فکر نمی کنیم که این افراد برای حفظ استقلال، حفظ حق تعیین سرنوشت مردم خود، که وظیفه اصلی یک رئیس جمهور است، نیروهای حفظ امنیت را به میدان می فرستند.

ما از خوب ها هم که ترجیح می دهند بجای فردا همین امروز کمک های نظامی بفرستند، تصور دقیقی نداریم ولی مطمئن هستیم که این ها دموکرات هستند و در پی چیزی غیر از استقرار یک دموکراسی، شبیه همین دموکراسی که خودمان داریم، نیستند. و برای آن که ما این اعتقاد زیبا را از دست ندهیم این خبر را بگوش ما نمی رسانند که مثلا اکثریت مردم سوریه در پایان ماه فوریه طی یک رفراندوم خواستار اصلاح قانون اساسی کشور شده اند که پرزیدنت اسد خود پیشنهاد کرده بود. کاخ سفید واشنگتن از همان آغاز اعلام کرد که رفراندوم، یعنی رای مردم، « خنده دار » است و « انقلاب سوریه » را مسخره کرده است. این که مردم بر اساس همین قانون اساسی جدید در انتخابات شرکت کنند و خواستشان را عملی سازند، این که اسد می خواهد راه اصلاحات مسالمت آمیز را در پیش گیرد، نه با هدف های دوستان انقلاب در کاخ سفید واشنگتن همخوانی دارد و نه با خواست رؤسای دبیرخانه های کنسرن های رسانه ای، بنا بر این سکوت می کنند و تاجایی که ممکن باشد صدایش را در نمی آورند. شاید هم به این دلیل که ما هم در آلمان از خودمان نپرسیم راستی چرا مردم آلمان فدرال، نه در سال 1949 که آلمان فدرال بنیاد نهاده شد و نه در سال 1990 که آلمان گسترش یافت، امکان پیدا نکردند به قانون اساسی خود رای بدهند؟ پیشگامان آمریکائی انقلاب در لیبی، عراق، افغانستان و قبل از آن در یوگسلاوی و حالا هم در سوریه اعلام نمی کنند که گروه های اسلامگرای متعصب را برای ترور استخدام می کنند، چرا که دانستن این خبر از ظرفیت تفاهم افکار عمومی خارج است، به همین دلیل روزنامه های باصلاح محلی و سربراه ما نیز این خبر را اعلام نمی کنند. این ها که سالها نوشته اند « اسلامگرائی » یک خطر جهانی است. حالا چطور می توانند برای خوانندگان خود توضیح دهند که مسیحیان سوریه بشدت از اسد حمایت می کنند و « انقلابیون » خودرو های انفجاری خود را در محلات مسیحی نشین منفجر می کنند. رسانه ها این خبر ها را منتشر نمی کنند همانطور که اخبار مربوط به انفجار کلیساهای مسیحی در کوسوو را بدست کوسووائی ها منتشر نکردند. گزارش ناظران اتحادیه عرب می توانست اطلاعاتی در اختیار ما بگذارد. کارشناسان نظامی و غیر نظامی از 13 کشور عربی زیر نظر یک ژنرال سودانی، مستقر در تمام استان های سوریه، میان گروه های مسلح و گروه های دولت سوریه میانجی گری می کردند و هرروز گزارش کار خود را به مرکز ناظران می فرستادند. در جمع بندی گزارش ها، رسانه ها نیز مورد انتقاد قرار گرفته بودند، ولی غیر از روزنامه یونگه ولت کدام یک از دیگر روزنامه

ها و رسانه های آلمانی خبر این مأموریت و اطلاعاتی را که ناظران بدست آورده بودند، منتشر کردند؟

کدام یک از رسانه ها خبرنگاری به سوریه فرستاده اند؟ لطفا اعلام کنید! من نمی توانم به دقت روشن کنم ولی مطمئن هستم: تعداد آنها نمی تواند زیاد باشد زیرا این کار با دو وظیفه اصلی کنسرن ها در تضاد قرار می گرفت: یکی با وظیفه تبلیغاتی آنها و یکی با صرفه جوئی آنها. آنها باید برای صاحبان کنسرن تا جائی که ممکن است تامین سود کنند و این به آن معنی است که تاجائی که ممکن است از مخارج پژوهش های روزنامه نگاری بکاهند. یورگن تودن هوفر، مردی که قبلا از سیاستمداران حزب دموکرات مسیحی (حزب خانم مرکل) و مدیرعامل کنسرن بوردا بوده، کسی است که سفرهای تحقیقی و متعددی به افغانستان، عراق و لیبی کرده و حاصل مشاهداتش با آنچه که ما به آن عادت کرده ایم بکلی متفاوت است. او روز 19 فوریه در روزنامه فرانکفورتر آگماینه زونتاکز تسایتونگ نوشت « یک کارزار عظیم رسانه ای علیه اسد(...) از هر دو خبری که در مدت اقامت 4 هفته ای خود در سوریه خواندم و با واقعیات سنجدیم یکی بکلی غلط بود». مطمئنم که اگر به تحقیقاتم ادامه می دادم به نتایج بسیار بدتری می رسیدم.»

کسی که اوضاع را بدقت زیر نظر بگیرد، تحلیل و مقایسه کند، اندک اندک خواهد دید که در پس همه خبرهای نادرست و خبرهای نادیده گرفته شده منظور خاصی نهفته است: قدرت های استعماری قدیمی می خواهند کشورهای دیگر، بویژه آنها را که منابع و معادن غنی دارند دوباره به وابستگی های استعماری پیشین باز گردانند. وقتی هدف این است رسانه هائی که خط می دهند و برای دیگران مسیر حرکت را مشخص می کنند نمی توانند خوب ها و بدها را (یعنی کسانی را که ثروت خو را داوطلبانه تقدیم نمی کنند) با یک معیار بسجند. مثلا اسرائیل و ایران. مدت زمان درازی در باره تسلیحات اتمی اسرائیل سکوت می شد. مرده خای وانوو دانشمند اتمی اسرائیلی که سکوت را شکست، محکوم شد و بیست سال در زندان بود و هنوز هم آزاد نشده است. این که اسرائیل اجازه دارد بمب اتمی تولید کند، امروز دیگر از مسلمات است (و هم اکنون نیز بیش از 200 بمب دارد). آلمان هم زیردریائی هائی به اسرائیل می دهد که می توانند نقش سکوی پرتاب راکتهای اتمی را ایفا کنند.

برخی از پادشاهان مرتجع عرب اجازه دارند به تحکیم استثمار و مناسبات کنونی قدرت در خاور نزدیک کمک کنند، که عربستان در راس آنها قرار دارد. حرف هائی از این قبیل که در آنجا دست دزدان (کوچک) را قطع می کنند و مجازات خیانت به همسر مرگ است را می توان گاهی بر زبان آورد ولی لطفا با حفظ احترامات فائقه نسبت به طرف معامله ما. این رژیم ترور در سال گذشته با سرکوب اعتراضات اجتماعی در بحرین، که می توانست سلطنت را در آنجا با خطر مواجه سازد، نشان داد که کارآمد است. ریاض نیروهائی را که خوب آموزش دیده و به تجهیزات کامل مسلح بودند برای سرکوبی جنبش مردم بحرین به آنجا فرستاد. حالا آلمان صدها تانک در اختیار این رژیم می گذارد. و هیچکس مانع از آن نمی گردد که عربستان نیروگاه اتمی بسازد. در حال حاضر نقشه ایجاد 16 بلوک تدارک دیده شده است.

روزنامه فرانکفورتر روندشاو، همین چند روز پیش، در باره رئیس جمهوری که با اکثریت بزرگی انتخاب شده است مقاله ای نوشت با عنوان « وحشی بی رحم»: « رئیس جمهوری

که تصور کند مرگ انسان ها را می تواند با کشتن انسانهایی دیگر مجازات کند، خود را در سطح قاتلان قرار می دهد.» این رئیس جمهوری که مورد شماتت قرار گرفته آکساندر لوکاشنکو ، رئیس جمهور روسیه سفید است ، که چون دو نفر قاتل محکوم به مرگ را نبخشوده مورد حمله این روزنامه واقع گشته است. - در اثر انفجاری که آن دو نفر عامل اجرای آن در متروی شهر مینسک بودند ، 15 نفر کشته و عده بیشتری مجروح گشتند. آیا ممکن است که این روزنامه او باما را هم « وحشی » بخواند؟ رئیس جمهوری را که مثلا فرمان داد اسامه بن لادن و همه اعضای خانواده او را نیمه شب در خانه شان بقتل برسانند، در حالی که بن لادن حتی بعنوان متهم نیز در دادگاهی حضور نیافته بود و هیچ دادگاهی حکم قتل او را صادر نکرده بود. ممکن است این روزنامه مردی را « وحشی » بخواند که مسئول مرگ شبانه و مستمر انسانهای فراوانی در کشورهای دیگر است که بوسیله هواپیماهای بی سرنشین مورد حمله قرار می گیرند و کشته می شوند، - 30 پلیس ویژه فرانسه مردی را که عامل سوءقصد بوده، ظاهرا به این دلیل نمی توانستند او را زنده از خانه اش به در آورند، می کشند - این ها کشته می شوند بی آنکه در دادگاهی بتوانند سخنی بگویند. و برادلی مانیگ، سرباز آمریکائی ، که قصد داشت از طریق ویکی لیکس جنایات جنگی آمریکا را در عراق افشاء کند، امروز باخطر حبس دائمی روبروست.

<http://www.hintergrund.de/201204122017/hintergrund/medien/sorgsame-nachrichtenauswahl.html>

دفاع از پرتاب موشک جدا از نقد "قدرت" است!

شلیک چند موشک از غرب ایران به سوی یکی از مراکز داعش در سوریه، از دوشنبه شب تبدیل به یک سلسله بحث‌ها شده است. از جمله این که جمهوری اسلامی در جستجوی بهانه‌ای بود تا قدرت نظامی خود را نشان اسرائیل و عربستان و محوری که علیه ایران تشکیل شده بدهد و این بهانه را حمله تروریستی به مجلس و مقبره آیت الله خمینی فراهم ساخت. حمله‌ای که معلوم نیست تا چه دست خود حکومت در آن بود. این که به چنین بهانه‌ای نیاز بود یا نبود و این که در آن اقدامات تروریستی چقدر دست داعش و عضوگیری‌های آن از سپاه قدس و مهاجرین عرب و افغان در ایران بند بود و یا نبود، در نفس شلیک موشک به سوی مواضع داعش در سوریه تأثیری نمی‌گذارد و نباید آن را یک اشتباه و یا تجاوز تلقی کرد، بلکه باید زودتر از این هم انجام میشد. حتی همزمان با آغاز بمباران‌های مواضع داعش در سوریه توسط جنگنده‌های روسیه. وقتی نیروی نظامی ایران در سوریه می‌جنگد شلیک موشک ادامه و مکمل آنست و رویداد عجیبی نباید تلقی شود. می‌توان منتقدان این اقدام را در آن طیفی از ایرانی‌ها قرار داد که مسائل و رویدادها را نمی‌توانند بدقت از هم جدا کنند. دفاع از تمامیت ارضی ایران، جلوگیری از تهاجم به ایران، مخالفت با جنگ داخلی و مذهبی و قومی در ایران یک امر ملی است و باید از آن دفاع کرد. بنابراین حساب مخالفت با سیاست‌های جمهوری اسلامی از سیاست‌های نظامی و یا غیر نظامی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران جداست و این مهم‌ترین نکته‌ایست که اغلب به آن توجه نمی‌شود. اتفاقاً یکی از نکات گری و مهمی که روحانی در جریان انتخابات اخیر چند بار روی آن تأکید کرد و در مشهد با صراحت کامل گفت همین بود. این که سپاه باید از فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی فاصله بگیرد و برود دنبال نظامیگری خودش زیرا وظیفه آن دفاع نظامی از کشور است. همچنان که ارتش همین وظیفه را دارد و اخیراً نیز گفته می‌شود که واحدهایی از آن بدرستی جانشین سپاه قدس در سوریه شده‌اند. نه تنها ضرورت دارد همه منتقدان و مخالفان جمهوری اسلامی حساب مخالفت خود با جمهوری اسلامی و یا سیاست‌های آن را از حساب دفاع از تمامیت ارضی ایران جدا کنند، بلکه حکومت هم باید همین‌گونه عمل کند. یعنی همان نکته‌ای که روحانی گفت. شلیک موشک به مواضع داعش در سوریه هرگز نباید دست‌آویزی شود برای امنیتی و نظامی کردن فضای سیاسی داخل کشور. این دو از هم جداست و اگر این جدائی با دقت حفظ شود، قطعاً بر شمار حامیان تقویت قدرت نظامی ایران روز به روز افزوده می‌شود و مردم تبدیل به حامی قوای نظامی می‌شوند. امری که اکنون وجود ندارد و مردم سپاه را در هر رویداد سیاسی و داخلی منفی دخیل می‌دانند. از فیلترینگ تا سرکوب، از زندانبانی تا دستگیری‌های سیاسی، از بستن مطبوعات تا اداره کردن صدا و سیما، از پارازیت پخش کردن تا مخالفت با دولت، از دفاع از حصر تا اختلاس‌ها و انواع فسادهای دیگر. این درک عمومی مردم تغییر نمی‌کند تا زمانی که سپاه به قول روحانی برود دنبال نظامیگری خودش و اداره کشور را به قانون اساسی و قوانین تابع آن بسپارد.

تحلیل حجاریان از رأی تعجببرانگیز رئیسی در مشهد/ مثلث «اجماع بزرگان، لیست واحد، تکرار» کارایی دارد؟

خرداد ۳۰، ۴۵ Views ۱۳۹۶، رئیسی، سعیدحجاریان، مردم، مشهد

نگام، سیاسی _ سعید حجاریان در یادداشتی به تحلیل نتایج انتخابات ۹۶ پرداخته است.

یادداشت سعید حجاریان به این شرح است:

پیش و پس از انتخابات اردیبهشت ۱۳۹۶ شاهد چند رخداد بودیم که هر کدام به‌تنهایی و یا در کنار هم می‌توانند به مبنایی برای تحلیل‌های سیاسی در میان دو جناح جمهوری اسلامی تبدیل شوند. تعداد این رخدادها با توجه به زاویه تحلیل‌ها متفاوت است و من ذیلاً به برخی از مهم‌ترین این موارد اشاره می‌کنم:

(۱) **تغییر در سبد رأی:** نخستین اتفاقی که در این انتخابات تعجب‌کنش‌گران و تحلیل‌گران را برانگیخت، تغییر حجم سبد رأی دو جناح اصلاح‌طلب و اصول‌گرا بود. مطابق با آمار رسمی منتشر شده می‌دانیم که در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، سید محمد خاتمی و علی‌اکبر ناطق‌نوری به ترتیب با بیست میلیون و هفت میلیون رأی نفر اول و دوم انتخابات شدند. همچنان واقفیم که در انتخابات دوره دوازدهم آرای نفرات اول و دوم این‌گونه اعلام شد؛ حسن روحانی بیست و چهار میلیون رأی و ابراهیم رئیسی پانزده میلیون رأی. مشاهده می‌کنیم که مطابق آمار رسمی منتشر شده از دوم خرداد ۱۳۷۶ به این سو آرای جناح اصول‌گرا بیش از هشت میلیون افزایش داشته و در مقابل به آرای اصلاح‌طلبان تنها چهار میلیون افزوده شده است و این در حالی است که در این فاصله به تعداد کسانی که حق رأی داشتند بیست میلیون اضافه شده است که نوعاً قشر جوان هستند و طبعاً به سمت تحول‌خواهی گرایش دارند. برای این پرسش که چگونه آرای اصول‌گرایان تا این حد افزایش داشته و همزمان آرای اصلاح‌طلبان افزایش اندک داشته چند پاسخ متصور است:

(۱-۱) در نخستین پاسخ می‌توان ادعا کرد که در انتخابات تخلف صورت گرفته است. مبنای این گفته خبر سایت و کانال قرارگاه سایبری عمار است؛ قرارگاه عمار در خبری روحانی را با ۲۵ میلیون رأی نفر اول و رئیسی را با ۱۲ میلیون رأی نفر دوم دانسته بودند و در ادامه چنین نوشته بود: «بنا به گفته منابع مطلع، تعداد قابل توجهی (حدود ۵ میلیون) برگ رأی از آرای رئیسی مهر نخورده و وزارت کشور اصرار به ابطال آنها دارد، از طرفی مسئولین ستاد رئیسی مخالف اینکار هستند زیرا معتقدند این امر ناشی از کوتاهی مسئولین وزارت کشور بر سر صندوق آرا بوده و باید شماره سریال‌های برگه‌های مذکور بررسی و در صورت درست بودن، ابطال نگشته و در شمارش نهایی لحاظ گردند.» گزینه دیگر آرای تعجببرانگیز شهر مشهد است. در این شهر مردم به حوزه‌های اخذ رأی رفتند و درست به لیست اصلاح‌طلبان رأی دادند یعنی فرصت گذاشتند و به دقت نام پانزده نفر از کاندیدای اصلاح‌طلب را نوشتند اما در صندوق بغل به آقای رئیسی رأی دادند آن هم با نسبت هفتاد به سی به نفع رئیسی.

(۱-۲) پاسخ دیگر به آمار و ارقام روز انتخابات مربوط نمی‌شود؛ برخی معتقدند از دوم خرداد تا به امروز، با توجه به شکست به وجود آمده، جناح راست به خود سازمان داده و به‌وسیله دستگاه‌های مختلف سازمان رأی درست کرده و همزمان سازمان اصلاح‌طلبان را از بین برده است. به بیان دیگر، جناح راست در هشت سال (۸۴-۹۲) که قوه مجریه را هم در دست داشت با بستن احزاب و سمن‌ها، اصلاح‌طلبان را سازمان‌زدایی کرده و بالعکس به نیروهای خود سازمان داده است.

(۱-۳) سومین پاسخ جنبه اقتصادی و جامعه‌شناختی دارد؛ با مطالعه و تحلیل آمار می‌توانیم بگوییم طی بیست سال گذشته، درآمد سرانه کمتر و مردم فقیرتر شده‌اند و فقر به وجود آمده باعث از بین رفتن طبقه متوسط یا ضعف آن شده و همین امر گرایش مردم به پوپولیسم و یارانه و کارانه را به دنبال داشته است. واقعیت این است که دستاورد مهم دولت نهم و دهم فقر بود و همین موضوع باعث شد مردم به پوپولیسم روی بیاورند و لذا آن‌ها در این انتخابات، رئیسی را چهره معمم احمدی‌نژاد دانسته و با رأی بالا از او استقبال کرده‌اند.

(۱-۴) چهارمین پاسخ که شاید بتوان آن را ثیق دوم پاسخ سوم تلقی کرد به مقوله روستا و حاشیه‌نشینی مربوط می‌شود. در طول سال‌های پس از انقلاب، اهالی روستا به این نتیجه رسیدند برای زندگی صرفاً نمی‌توان به وجود پایگاه سلامت، خط لوله گاز اکتفا کرد و به همین جهت و به دلایل اقلیمی که مهمترین آن کم‌آبی باشد، برای اشتغال، نخست جوانان و سپس تمام خانواده روستایی به شهر آمده‌اند. طی این فرآیند جابجایی، به دلیل ساختارهای موجود، روستائیان در حاشیه شهرهای بزرگ ساکن شده‌اند و همین امر سبد رأی جناح راست را فربه کرده است.

(۲) **ضرورت عادی‌سازی:** پس از روی کار آمدن دولت یازدهم برای چارچوب تئوریک فعالیت دولت از عادی‌سازی نوشته بودم و اعتقاد دارم در این انتخابات هر فرد یا جناحی که خلاف این مسیر حرکت کرد، بازنده بود چرا که اساساً در وضعیت گذار به شرایط نرمال (یا زیست در شرایط نرمال) هر که بخواهد اوضاع را آشوب‌ناک کند، بازنده است. مطابق

این تحلیل باید گفت که بازنده اول، محمدباقر قالیباف بود چرا که وی نخستین فردی بود که در مناظره‌ها ایجاد آشوب کرد و بازنده دوم حسن روحانی بود که وارد زمین‌بازی جناح راست شد به‌خصوص در چند سخنرانی‌اش در سفرهای انتخاباتی از جمله استان آذربایجان غربی. واقعیت این است که مردم بنا به تجربیات‌شان نمی‌خواهند از شرایط نرمال خارج شوند چرا که تحمل شوک ندارند و می‌دانند کمترین نوسان زندگی‌شان را به هم می‌ریزد. فلذا دولت دوازدهم می‌بایست به درس این انتخابات توجه کند و وارد فضای شعاری نشود و هر روز با یک قوه یا نهاد صاحب قدرت درگیر نشود. در گفت‌وگوهای پس از مناظرات یا سخنرانی‌های شنیدیم و خواندیم که مردم می‌گفتند: «روحانی از اصلاح‌طلبان هم جلو زده است» این در حالی است که اصلاح‌طلبان چنین خواسته‌ای نداشته و ندارند و حتی خودشان هم بعضاً از شعارهایشان عدول کرده‌اند.

۳) عدالت اجتماعی: رقیب نهایی روحانی، در سفرهای استانی و مناظره اقتصادی-اجتماعی چندین شعار محوری مطرح کرد که شاید مهم‌ترین آن‌ها برپایی عدالت اجتماعی و از بین بردن فاصله طبقاتی بود. این شعارها چنانکه می‌دانیم از ابتدای آن متعلق به جناح چپ بوده است و به همین دلیل این پرسش در اذهان به وجود آمده که جناح راست را چه شده، آیا آن‌ها همچون چپ‌ها شده‌اند؟ در پاسخ باید گفت محال است راست، چپ شود. چرا که چپ بودن ملزومات تئوریک دارد که اصول‌گرایان از آن بی‌بهره بوده‌اند. اهالی این جناح فی‌الواقع چپ‌نما هستند و تنها تعریف‌شان از مفهوم عدالت، صدقه دادن است چنانکه شاهد بودیم کاندیدای اصلی این جریان در بُعد ایجابی تنها از پرداخت پول سخن گفتند. از این گذشته، در طول سال‌های پس از انقلاب، اگر با قطعیت سخن نگوییم، به‌ندرت مشاهده شده است که متفکران جناح راست درباره عدالت دست به قلم شده و مقوله‌ای را تئوریزه کرده باشند و یا حتی آراء متفکر عدالت‌طلبی را به جامعه آکادمیک معرفی کرده باشند. چنانکه می‌بینیم متفکران این جناح در زمینه علوم اجتماعی در آراء ارسطو و کتاب سیاست وی متوقف مانده‌اند. البته باید توجه داشت که اصلاح‌طلبان نیز آن‌گونه که باید به بحث عدالت نپرداخته‌اند. جریان اصلاحات در مقاطعی عدالت را برابر تعادل دانسته و مسئولیت رسیدن به رهیافت‌های عدالت‌خواهانه را بر دوش احزاب محافظه‌کار اردوگاه خود گذاشته است. در جریان اصلاحات، برخلاف جریان مقابل، پایه علمی وجود داشته و دارد چنانکه دیدیم در دولت‌های هفتم و هشتم وضعیت اقتصاد بهبود یافت اما پایان فعالیت دولت اصلاح‌طلبان و تأثیرگذاری موضوع «جهانی شدن» باعث شد که ما هم تقریباً نتوانیم مسائل تئوریک‌مان را به عرصه عمل بکشانیم.

۴) رأی لیستی: از انتخابات اسفند ۹۴ به این سو، شاهد سه دستاورد مهم در زمینه رأی به فهرست اصلاحات و اعتدال بوده‌ایم چنانکه جریان اصلاحات این موفقیت را در رزومه عقلانیت و کار جمعی خود نوشت و جریان مقابل از انتصابات خاتمی و ضرورت تغییر وضعیت سخن گفت. درباره تداوم کارایی مثلث (اجماع بزرگان-لیست واحد-تکرار) باید گفت مادامیکه در کشور قطب سومی به‌وجود نیاید و اتفاق پیش‌بینی نشده‌ای رخ ندهد، آلترناتیوی متصور نیست و حتی بر کیفیت رأی‌آوری جریان اصلاحات نیز افزوده خواهد شد. این امر برای هر دو جریان آثار مثبت و منفی در پی دارد که پیش‌تر در گفت‌وگویی به تبعات آن از جمله تقسیم‌نشدن کرسی‌ها به تناسب وزن جناح‌های سیاسی اشاره کرده و راه‌حلی با عنوان «پارلمان ملی» پیشنهاد داده بودم.

۵) توزیع جغرافیایی آرا: آقای روحانی به‌جز سه استان خراسان که طبعاً در اختیار جناح راست است، در استان‌های زنجان، سمنان، قم، همدان و مرکزی نیز رأی کمتری آورد. بعضی از این استان‌ها واقعاً توسعه‌نیافته‌اند و طبیعی است که به سمت پوپولیسم کشیده شوند اما در بعضی دیگر اصلاح‌طلبان باید سازمان رأی خود را ملامت کرده و آن را بهبود ببخشند. در سایر کشورهای دنیا هم احزاب به ایالت‌ها و استان‌ها عطف توجه دارند و در آنجایی که رأی‌شان نامشخص است بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنند پس به همین منظور اصلاح‌طلبان باید مکانیزم انتخاباتی ایالتی را در نظر بگیرند، مرکزگرایی را کنار نهاده و به حوزه‌هایی که از پایگاه رأی‌شان احساس خطر می‌کنند، توجه بیشتر نشان دهند.

۶) رأی پایتخت: از شمال به جنوب پایتخت که حرکت می‌کنیم، نسبت آرای روحانی به رئیسی از هفت به یک آغاز، در مرکز شهر چهار به یک رسیده و در حاشیه شهر یک به یک شده است. این تغییر نشان‌دهنده فضای نابرابر شهری و آثار و عوارض حاشیه‌نشینی است. علاوه بر این هر چه به سمت جنوب حرکت می‌کنیم تعداد آرای مأخوذه کمتر شده یعنی مشارکت پایین آمده است. اصلاح‌طلبان نباید فراموش کنند که هم باید به نرخ مشارکت توجه داشته باشند و هم به حضور در صحنه‌هایی که آن‌ها را خالی کرده‌اند چرا که سابق بر این پایگاه رأی جناح چپ در مناطق پایین‌تر بود و اکنون این موازنه به هم خورده است. واقعیت این است که نمی‌توان به مسائل سیاسی و فرهنگی توجه کرد و از معیشت و اشتغال و زندگی روزمره مردم غافل شد چرا که این‌گونه حاشیه بر متن غلبه می‌کند و با توجه به مهاجرت‌های داخلی این امر تشدید خواهد شد.

۷) اقلیت‌ها: رأی اقلیت‌ها در این انتخابات مانند همیشه به سود اصلاح‌طلبان بود. جریان اصول‌گرا با دامن زدن به شیعی‌گری مبالغه‌آمیز خود را به‌کلی از چشم اقلیت‌های مذهبی و دینی انداخته و محال است که به این زودی بتواند این ضعف خود را مرتفع کند. اما باید توجه داشت که اصلاح‌طلبان نیز تا حدی می‌توانند روی این برگ برنده حساب باز کنند چرا که مناطق سنی‌نشین ایران جزء مناطق محروم‌اند و اگر اقدامی برای آن‌ها صورت نگیرد ممکن است روزی آن‌ها به‌کلی از مشارکت سر باز زنند.

ماجرای یک بوی بد مرموز در خاش

بامداد امروز بوی بدی شهر خاش را فرا گرفت. دقایقی بعد تعدادی از شهروندان دچار مشکلات تنفسی شده و به بیمارستان مراجعه کردند. با روشن شدن هوا شهر به حالت عادی بازگشت. در این میان گمانه‌زنی‌های مختلفی درباره علت و منشأ این بو به وجود آمد که مدیرکل بحران استان سیستان و بلوچستان در این باره توضیح داده است.

به گزارش تیک؛ غلامرضا اربابی در گفت‌وگو با ایسنا درباره ماجرای بوی بد در شهرستان خاش اظهار کرد: حوالی 3 بامداد امروز بوی بدی در بخش‌های مختلفی از شهرستان خاش استشمام شد که در پی آن 52 نفر از شهروندان این شهر به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی مراجعه کردند که تاکنون برابر آخرین آمارها، 35 نفر از آنان ترخیص شده و مابقی که عمدتاً دارای سابقه بیماری تنفسی بودند، در بیمارستان بستری هستند.

وی با بیان اینکه در پی این ماجرا بلافاصله جلسه فوق‌العاده مدیریت بحران شهرستان خاش برگزار شد، اظهار کرد: صبح امروز نیز جلسه مدیریت بحران استان سیستان و بلوچستان نیز برگزار شده و درباره این موضوع تصمیم‌گیری و بررسی شد. اربابی با بیان اینکه از حوالی ساعت 7 صبح امروز این بو از شهرستان خاش رفع شد و تاکنون چنین بویی استشمام نشده است، درباره منشأ این بو گفت: در جلسه صبح امروز، منشأ و دلایل احتمالی ایجاد این بو مورد بررسی قرار گرفته و از کارشناسان و دستگاه‌های مختلف درخواست کردیم تا نظر کارشناسی خود در این خصوص را اعلام کنند.

فعالیت آتشفشان تنها یکی از احتمالات بروز این بو است

مدیرکل بحران استان سیستان و بلوچستان درباره علل مطرح شده درباره این بو اظهار کرد: کارشناسان موارد مختلفی را مطرح کردند. به عنوان مثال برخی معتقد بودند که فعالیت آتشفشان تفتان ممکن است باعث ایجاد این بو شده باشد. گروهی دیگر فعالیت کارخانه ایزوگام را عامل ایجاد این بو می‌دانستند و برخی دیگر نیز معتقد بودند که منشأ این بو می‌تواند از شهرک صنعتی خاش باشد؛ اما تاکنون تمامی این موارد در حد احتمال و گمانه‌زنی اولیه بوده و هیچ چیز به شکل قطعی اعلام نشده است.

اربابی با تأکید بر اینکه علت بروز این پدیده همچنان در دست بررسی است گفت: با مشارکت محیط زیست، کارشناسان

زمین‌شناسی، دانشگاه علوم پزشکی و دیگر دستگاه‌های مرتبط بررسی منشأ این بو آغاز شده و البته به نظر

**نمی‌رسد که دوباره چنین پدیده‌ای در شهرستان خاش تکرار شود. =
ولایت تکوینی مدیر بحران یا دخالت؟**

*ایسنا

رفع بوی نامطبوع در خاش

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):

رئیس دانشگاه علوم پزشکی زاهدان گفت: بوی نامطبوعی که در خاش منتشر شده و موجب مراجعه تعدادی از مردم این شهر به بیمارستان شده بود، برطرف شده است.

به گزارش انتخاب به نقل از ایسنا، میری افزود: از ساعت 3 بامداد امروز تاکنون 72 نفر از شهروندان خاش به دلیل مشاهده علائمی مانند تنگی نفس، سردرد و حالت تهوع به بیمارستان "امام‌خمینی(ره)" که بیمارستان اصلی این شهرستان محسوب می‌شود، مراجعه کرده‌اند.

میری با بیان اینکه در حال حاضر تنها 4 نفر در بیمارستان بستری هستند و سایر افراد پس از دریافت خدمات درمانی با حال عمومی مناسب مرخص شده‌اند، افزود: این 4 نفر افرادی هستند که مبتلا به بیماری‌های زمینه‌ای مانند آسم و آلرژی بوده‌اند و همه آزمایشات طبی لازم جهت ارزیابی سلامت این افراد نیز انجام شده است.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی زاهدان خاطرنشان کرد: این افراد نیز به زودی پس از تکمیل بررسی شرایط پزشکی و رفع کامل مشکلات تنفسی با نظر پزشکان متخصص از بیمارستان مرخص می‌شوند و مشکل خاصی در این زمینه وجود ندارد.

وی گفت: خوشبختانه مراجعه جدیدی توسط شهروندان خاش به بیمارستان در رابطه با استنشاق بوی نامتعارف نداریم و در حال حاضر با وجود عادی بودن وضعیت شهر خاش و گزارشات دریافتی که حاکی از عدم استنشاق بوی نامتعارف است، جای نگرانی برای مردم وجود ندارد.

میری با بیان اینکه به نظر می‌رسد بوی نامتعارف استنشاق شده در خاش منشأ گوگردی دارد، افزود: تقریباً این بو در سطح شهر برطرف شده و اوضاع شهر تحت کنترل است، بنابراین جای نگرانی برای مردم وجود ندارد.

چرا پوتین موضوع جنگ گرم را مطرح کرد؟

به گزارش تیک؛ هفته گذشته مطبوعات روسیه و آمریکا بخشی از گفتگوی صمیمی کارگردان آمریکایی با ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری آمریکا را منتشر کردند. مشروح این گفتگو به تازگی منتشر شده و اتفاقاً با بازتاب گسترده‌ای مواجه شده است. بخش قابل توجهی از صحبت‌های رئیس جمهور روسیه بسیار در کانون توجه قرار گرفت و کاربران شبکه‌های اجتماعی به آن واکنش نشان دادند. موضوع اصلی بحث باز می‌گردد به مساله تهدید جدی ناتو از سوی روسیه و ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه از جنگ گرم و آغاز جنگ جهانی سوم در صورت ادامه سیاست‌های ناتو خبر می‌دهد.

این نخستین باری است که ولادیمیر پوتین پس از روی کار آمدن ترامپ، ناتو و ایالات متحده را به صورت کاملاً جدی تهدید کرده و از واژه جنگ گرم استفاده می کند. برخی ناظران می گویند اصطلاح جنگ گرم به جای جنگ سرد نشان از بحران پیچیده روابط می دهد.

رئیس جمهوری روسیه در گفتگو با کارگردان نام آشنای هالیوود، الیور استون، نکات تامل برانگیزی را در مورد نگاه روسیه به ناتو و ایالات متحده ابراز کرد. در همین رابطه راشاتودی خبرگزاری دولتی روسیه به نقل از رئیس جمهوری روسیه تاکید کرد مسکو به توسعه ناتو پاسخ درخور توجهی را می دهد تا موازنه استراتژیک را حفظ کند.

روزنامه «دیلی اکسپرس» انگلیس نیز در گزارشی نوشت پوتین اعتقاد دارد ناتو مسابقه تسلیحاتی را به راه می اندازد و روسیه به آن پاسخ خواهد داد و این پاسخ ممکن است منجر به جنگ جهانی سوم شود.

این در حالی است که ولادیمیر پوتین اعتقاد دارد ناتو با محاصره روسیه به وسیله سامانه های موشکی خود موازنه استراتژیک را برهم می زند و مسابقه تسلیحاتی جدیدی را به راه می اندازد و این اقدامات ناتو را اشتباهاتی بزرگ می داند.

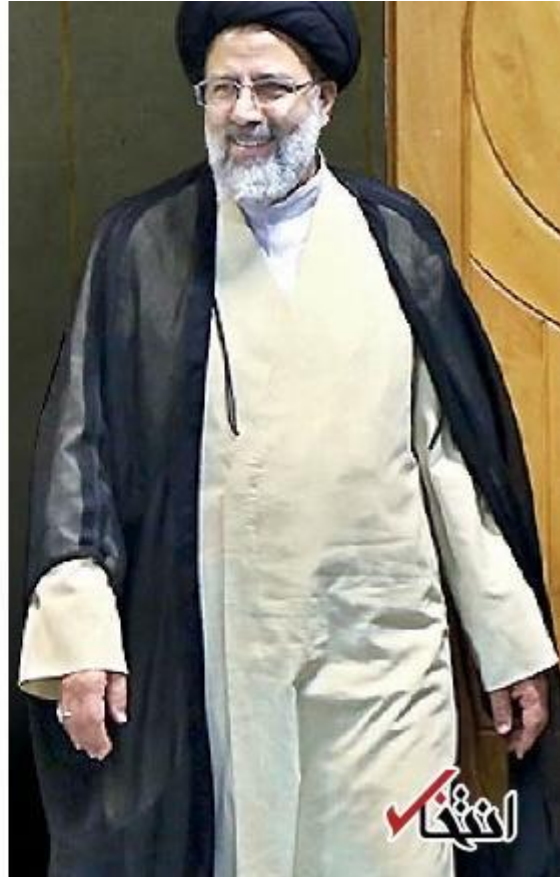
اما نکته جالب در این گفتگو این بود که پوتین فاش کرد در دوره ریاست جمهوری «بیل کلینتون» به وی و کشورش پیوستن روسیه به ناتو نیز پیشنهاد شده است. پوتین با لحنی تند تاکید کرد کنار نمی ایستد تا مانع شود کشورش با چالش های امنیتی بزرگ روبرو می نشود. او می گوید سیاست های آمریکا و این مسابقه تسلیحاتی راهی به جز دادن پاسخ مناسب برای مسکو باقی نگذاشته است. پوتین گفت: پاسخ روسیه سخت اما موثر است. اگر موازنه راهبردی از بین برود یک تراژدی بزرگ به راه خواهد افتاد.

بازگشت تشکیلات نیمه مخفی اصولگرایان؛ چرا ماموریت «جمنا» تمدید شده است؟ / اولین دستور کار: مقابله با جلیلی، دور کردن

رئیزی

«جمنا» برخلاف سایر تشکیلات و احزاب دیگر در عرصه سیاسی کشور، هیچ شفافیتی از خود به خرج نداده، نه برنامه ی خود را مشخص کرده، نه اعضای گروه داخل تشکل خود را. اکنون این مرکز فرماندهی برای خود جشن تقدیر گرفته است؛ تاکتیکی برای فرار به جلو و نپرداختن هزینه های شکست.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):



سرویس سیاسی «انتخاب»؛ محسن پورحسین: ستاد فرماندهی در حال بازسازی است. همه از مرخصی بازگشته اند و حالا تحمل بار شکست شاید آسان تر شده باشد. آن ها در سطح برون داد، خود را به بی خیالی زده اند و به جای اینکه شکست را پذیرا باشند، پزرای ۱۶ میلیونی خود را می دهند. گویی به یک فتح بزرگ دست یافته اند و حالا با حفظ سرزمین هایشان باید برای فتوحات تازه آماده شوند. انگار نه انگار که سرمایه های جناح خود را به باد داده اند و نسخه هایی که از ستاد فرماندهی می پیچیدند جناح شان را، هم از «شهر» انداختند و هم از «کشور».

اکنون این مرکز فرماندهی برای خود جشن تقدیر گرفته است؛ تاکتیکی برای فرار به جلو و نپرداختن هزینه های شکست.

باید با بررسی آنچه بر این مرکز فرماندهی گذشته به واکاوی عملکردش پرداخت.

حداد عادل روایتگر اخبار دست اول

انگار عرف شده است که تمام تصمیمات سرنوشت ساز اصولگرایان را غلامعلی حداد عادل اعلام کند. وقتی هنوز بحث های انتخابات ریاست جمهوری داغ نشده بود این حدادعادل بود که خبر داد اصولگرایان به سازو کاری برای رسیدن به وحدت دست یافته اند. همان زمان هم بود که وعده دادن های او دیگر چهره های همسو با برای پیروزی در انتخابات آغاز شد. چندی بعد بالاخره جمنا اعلام موجودیت کرد. پدیده های عجیب و غریب در

این اعلام موجودیت زیاد وجود داشت . اول از همه تعجب آور این بود که اعضای هیات موسس چندان افراد موثری در جناح نبودند . « حسن رحیمیان، مرضیه وحید دستجردی، مهدی چمران، یحیی آلاسحاق، حمیدرضا حاجی‌بابایی، رضا روستاآزاد، محمود خسروی‌وفا، مهدی محمدی، علیرضا مرندی و نادر طالب‌زاده » این ها هیچ کدامشان تقریباً هیچ وقت از عناصر موثر در تصمیم سازی اصولگرایان نبودند .

اولین برداشت و شاید درست ترین فهم از ترکیب هیات این بود که آنها فقط در نقش ویتترین انجام وظیفه خواهند کرد و کسان دیگری در جای دیگری هستند که نظرنهایی را خواهند داد. حالا زمان جذب بدنه سیاسی بود ؛ باید تصمیمی که در محافل محرمانه اتخاذ شده بود به سطح عملیاتی جناح می آمد و یک جبهه واحد را تشکیل می داد . چنین بود که غلامعلی حداد عادل بعد از مدتی سکوت درباره این ائتلاف گفته بود : « جبهه مردمی نیروهای انقلاب به عنوان محور فعالیت‌های اصولگرایان برای انتخابات است و بقیه گروه‌های اصولگرایی به آن خواهند پیوست. »

یکبارگی این اعلام موجودیت موجب شد که برخی اصلاً هویت این گروه را زیر ببرند و هرگز به آن نپیوندند و برخی دیگر هم بعد از فشارهای چند جانبه محرمانه و غیر محرمانه سرانجام اعلام وفاداری اشان را به این شکل نیمه مخفی رسمی کنند . سعید جلیلی اما در زمره افرادی بود که هرگز تا آخرین لحظه زیر بار این شکل نیمه مخفی نرفت. او در اولین اظهار نظر در مورد جمنا گفته بود : « من هم این خبر را از رسانه‌ها شنیدم. آن چیزی که اهمیت دارد این است که کسانی که یک نگاه مشترک مبتنی بر تفکر انقلابی دارند، حتماً هم‌افزایی آن‌ها اهمیت دارد. هر چقدر این نگاه هم‌افزا شود، سبب تقویت این نگاه می‌شود. مهمترین اصل در این موضوع این است که "وحدت گفتمانی" ایجاد کنیم. اینکه افرادی در راستای هم‌افزایی کار کنند، خوب است اما براساس چه گفتمانی؟ شاخص هم در این هم‌افزایی مقام معظم رهبری هستند؛ ما باید بررسی کنیم به چه میزانی توانسته‌ایم با این شاخص‌ها منطبق باشیم. در این چارچوب هر جریان و گروهی، چه 10 نفر چه 12 نفر که بتوانند به این هم‌افزایی کمک کنند، مفید خواهد بود. اگر عناوین مهمی مانند جمهوری اسلامی از محتوا خالی باشد، دشمن با آن مشکلی ندارد. تفکر انقلابی یک اسم و یا یک تابلو نیست، یک "محتوا و حقیقت" است؛ این تفکر هم در حصر شخص، گروه و یا حزبی نیست و مبنایش باید جذب حداکثری باشد. قرار نیست "وحدت قبیلگی" باشد، قرار ما این است که "وحدت گفتمانی" باشد. در وحدت گفتمانی مسائلی مانند نسبت با جریان اشرافیت، عدالت اجتماعی، مبارزه با آمریکا، مقاومت، رسیدگی به محرومان، توزیع عادلانه فرصت‌ها مورد سؤال و بررسی قرار می‌گیرد. اگر نگاه ما شکلی باشد و به محتوا توجه نکنیم، هر عنوانی به تنهایی مشکل را حل نخواهد کرد.»

جمنا در دوسطح کار خود را با قدرت آغاز کرده بود . در سطح نخست بنا داشت تا با ریزش گسترده نامزدهای متعدد جناح راه برای ورود ویژه ابراهیم رییسی باز کند و در سطح دوم و البته سخت تر از نامزدی سعید جلیلی و محمد باقر قالیباف دو پایه اصلی انتخابات سال ۹۲ جلوگیری کند. این وسط نام‌های زیادی هم هزینه اقدامات آنها شد ؛ از عزت الله ضرغامی گرفته تا محسن رضایی .

برخی دیگر هم البته در شلوغی بازار سیاست ورزی راستگرایان تلاش کردند تا تنور خودشان را داغ کنند و اگر شد نانی از آن برای خود پخت کنند . با اتوبوس به شهر آفتاب ، آدم آوردند تا صدای صلوات‌هایی که در آن روز به معنای تایید بیشتر بود را برای خودشان بلندتر کنند .

صحنه‌های دراماتیکی داشت نشست‌های جمنا در شهر آفتاب . گویی در همان جلسه بود که برخی فهمیدند نامزد ویژه را از دری ویژه وارد خواهند کرد و آنها هم همان آغاز با صراحتی هر چه تمام‌تر اعلام کردند که ما را از این زمین بازی خارج کنید . شاید بتوان نام پرویز فتاح را در زمره این افراد ذکر کرد .

کسانی هم البته بودند که تصور می کردند نزدیکی اشان به هسته‌های تصمیم‌گیری جناح اصولگرا موقعیت اشان را بهتر کرده و می توانند یک پای انتخابات باشند . آنها سرخوش از چنین دریافتی از حال و روز سیاست ورزی راستگرایان ناگهان نامزدی اشان را خیلی از زودتر از وقت مقرر اعلام کردند. عزت الله ضرغامی را می توان در زمره این چهره‌ها دانست .

او اما وقتی بازیگری برخی چهره‌ها را فهمید ، دلگیر از زمانه و ناخوش از بدعهدی روزگار ناگهان یاد نامزد معترض اصولگرا افتاد و در همان شهر آفتاب گفت : « اگر آقای سعید جلیلی نگران سازوکار جمنا است به این نگرانی احترام بگذاریم و کاری کنیم که وقتی انتخابات شد به قدری خوب عمل کنیم که امثال آقای جلیلی همراهی کنند. »

هر چه بود نشست جمنا به پنج نامزدی رسید که از همان آغاز می دانست آن سه نامزد دیگر توانایی عبور از فیلتر شورای نگهبان را ندارد . آنها مانده بودند و یک نامزد مهم دیگر . سعید جلیلی ، محمد باقر قالیباف و نامزد

ویژه اشان یعنی ابراهیم ریسی .

کارویژه اول ، حذف سعید جلیلی بود . آنها همه کار کردند تا او نیاید. از جلسه جنجالی و سنگین رحیمیان با او در دفتر کار جلیلی گرفته تا لابی های سنگین سیاسی . آنها اجازه ندادند جلیلی با همان پراید معروفش خود را به ستاد انتخابات ریاست جمهوری برای ثبت نام برساند. دقیقا در چنین دقایقی بود که محمد باقر قالیباف هم دست بازیگران جمنا را خواند و فهمید برای چه خواسته اند او وسط میدان سیاست ورزی آنها باشد . همین شد که خواست نباشد و تصمیم به انصراف گرفت . ماشین جمنا اما به راه افتاد و با تمام جلوی انصراف او را گرفت . قالیباف باید بار زیادی از مبارزه انتخاباتی جمنا و نامزد ویژه اشان را بر دوش می کشید . هفته آخر همه دست به دست شدند همه کار کردند تا فرد منصرف کسی نباشد جز محمد باقر قالیباف . آنها که در ریز کار جمنا هستند می دانند که چه نشست هایی و با چه روایت هایی با افراد تصمیم ساز جامعه روحانیت و جامعه مدرسین برگزار شد. بدون تردید باید تاکید کرد که آنچه در انتخابات اردیبهشت ماه رخ داد هیچ چیزی جز خواسته جمنا و تصمیم سازان پشت پرده آن نبود .

این را می توان در سطح رسمی از سخنان افراد مهم اصولگرا فهمید . برنامه اجرایی این افراد پشت پرده دقیقا نحوه سیاست ورزی افراد روی ویتترین را تعیین کرده بود .

اصولگرایان در انتخابات شکست خوردند ؛ این شکست یک مسئول بیشتر ندارد ؛ «جمنا و لا غیر» .

حالا آنها برای خود جشن پیروزی گرفته اند و از یکدیگر تقدیر می کنند . راهی جز این نیست باید برای بدنه حرف و برهان داشته باشند . آنها دستور به تمدید حیات جمنا داده اند و تا همین چند وقت دیگر شاید کنار هم ایستاده و شمع های کیک تولدش را فوت کنند .

جمنا باز خواهد گشت و این بار دو ماموریت ویژه را در آغزا به کار خود دارد. اول از همه باید دولت سایه سعید جلیلی را تعیین تکلیف کند تا او عنان کار را از دستشان نگیرد و بعد از آن باید به وضعیت ابراهیم ریسی رسیدگی کند که قباى نمایندگی ۱۶ میلیون رای اصولگرایان را هنوز از تن بیرون نیاورده و آن را از آن خود می داند. ماموریتی های سختی است آن هم برای تن نحیف شکست خورده یک تشکیلات نیمه مخفی . در این باره بیشتر سخن خواهیم گفت.

ز فردای جنگ دوم جهانی؛ جهان چه تعداد «هولوکاست» دیده؟

از فردای جنگ دوم جهانی

جهان؛ چه تعداد «هولوکاست» دیده؟

آلس شال اوند رو-خ - گزینش و ترجمه رضا نافی

اوباما، روز پنجشنبه، بمناسبت روز یادکرد از هولوکاست، گفت در این روز و در تمام روزهای دیگر، باید بیش از آن که فقط فکر کنیم کاری هم بکنیم. باید بیاد داشته باشیم که «هرگز نه» نباید فقط حرف باشد. ما بعنوان یک فرد باید بیدار باشیم در برابر بی تفاوتی در قلمبان و خود را در وجود دیگر انسانها باز شناسیم.»

منظور رئیس جمهور آمریکا از این سخن چیست؟ اعتبار این حکم «هرگز نه» همگانی است و همه را در بر می گیرد یا این که فقط محدود به تعقیب یهودیان است؟ اگر «هرگز نه» حرفی پوچ نیست و اگر منظور این است که این سخن حاصل تجربه های گذشته است، یعنی پس از سال 1945 دیگر نباید کشتار یک خلق را بپذیریم و مرتکب آن شویم، آنوقت جنگهای جنایتکارانه آمریکا را چگونه باید ببینیم؟

کشتن 1،4 میلیون عراقی کشتار خلقی نیست؟ برای کشتار 1،5 میلیون ویتنامی که قربانی جنگ افروزان آمریکائی شدند چه پاسخی داریم؟ آیا این ها خلق کشی نیست؟ دولت ویتنام در آوریل سال 1995 ارقام واقعی قربانیان جنگ ویتنام را منتشر ساخت. در اثر عملیات جنگی 2 میلیون افراد غیر نظامی در ویتنام شمالی و 2 میلیون نفر در کره جنوبی قربانی شده اند. افزون بر این 1،1 میلیون سرباز نیز از پای در آمده اند، یعنی رویهم رفته 1،5 میلیون نفر، طی یازده سال، از 1964 تا 1974 کشته شده اند.

ولی دست آویزی که باید توجیه کننده این جنگ ها باشد دست آویزی دروغین بود، این یعنی جنایت. آنچه که به حمله خلیج ننگین شهرت یافته و این ادعا که ناوچه های اژدر افکن ویتنام شمالی به یک کشتی جنگی آمریکا حمله کرده اند، افسانه ای بود ساختگی و بهانه ای برای جنگ ویتنام. در عراق نیز سلاح کشتار انبوه یافت نشد، گرچه قبل از جنگ با قاطعیت، سفت و سخت و بی برو برگرد، ادعا می شد که عراق چنین سلاح هائی دارد تا این دست آویزی باشد برای یک جنگ پیشگیرانه و غیر قانونی و اشغال یک کشور دیگر.

این که پس از جنگ جهانی دوم آمریکا موجب مرگ چه تعداد انسان شده است مورد پژوهش قرار گرفته است. از بعد از جنگ جهانی دوم تا کنون، آمریکا 37 جنگ برپا کرده یا عامل ایجاد آن بوده است. طبق این پژوهش نظامیان آمریکا مسئول مرگ 10 تا 15 میلیون نفر در جنگ های کره، ویتنام، افغانستان، و دو جنگ در عراق بوده اند. تلفات جنگ کره در برگیرنده سربازان چینی نیز هست، رویهم رفته 4 میلیون نفر از مردم کشورهای شرکت کننده در جنگ و نیز جنگ ویتنام و همچنین جنگ های لائوس و کامبوج کشته شده اند.

هوایماهای B-52 آمریکا از 1965 تا 15 اوت 1973 دو میلیون و هفتصد و پنجاه و شش هزار و نهصد و چهل و یک تن بمب فروریخته اند، بمب هائی که این هوایما ها فقط در سال 1973 فروریختند دوبرابر بمب هائی بود که آمریکا در سراسر جنگ جهانی دوم بر ژاپن فروریخت. این بمباران های محرمانه کامبوج سبب ویرانی شدید روستاها و شهرها گشت و مردم را مجبور به ترک خانه و زندگی خود کرد و موجب پیدایش سیل عظیمی

از پناهجویان گشت. این بی ثباتی اوضاع بود که سبب رشد خمر سرخ گشت که حزبی کوچک تحت رهبری پل پت بود. آمریکا نه تنها مسئول تلفات ناشی از بمباران ها ست بلکه مسئول کشتار دو میلیون و نیم قربانیان خمر سرخ نیز هست.

جامعه آمریکا و همچنین جامعه جهانی آگاه از این ارقام نیست و اطلاعاتش از قربانیان جنگهایی که به نیابت از سوی آمریکا رخ داده، و حکومت هایی که بدستور واشنگتن ساقط شده اند، از این هم کمتر است. در این جنگها بین 9 تا 14 میلیون نفر کشته شده اند، در آنگولا، جمهوری دموکراتیک کنگو (زائیر)، تیمور شرقی، گواتمالا، شیلی، پاناما، بولیوی، کوبا، السالوادور، جمهوری دومنیکن، گرانادا، هندوراس، آرژانتین، اندونزی، پاکستان، چد، یمن و سودان. در واقع هر گوشه زمین میدان تاخت و تاز نظامی آمریکا بوده است.

فقط برای یاد آوری، جنگ عراق با ایران که به نیابت از سوی آمریکا رخ داد و از سال 1980 تا 1988 طول کشید، به قیمت جان دست کم یک میلیون نفر از مردم دو کشور تمام شد. غرب صدام حسین را مسلح کرد تا علیه ایران « دشمن آمریکا » بجنگد. به او حتی مواد شیمیایی و گاز دادند که او آن را علیه کردها نیز بکار برد. (1)

این پژوهش نشان می دهد که آمریکا با این جنگها و چالش ها در سراسر جهان، به احتمال بسیار قوی مسئول مرگ 20 تا 30 میلیون نفر است. البته پر واضح است که در این باره سخنی گفته نمی شود و صد البته گزارشی هم منتشر نمی شود، چون از قرار معلوم، آمریکا هم خودش خوبست و هم نیتش پاک است!

این پژوهش Deaths In Other Nations Since WW II Due To Us

Interventions در سال 2007 منتشر شد. در این پژوهش از جدیدترین ارقام سخنی به میان نیامده است، مثلا پنجاه هزار نفر افراد غیر نظامی که در نتیجه « اقدامات انساندوستانه » برای « حفاظت از مردم غیر نظامی » در لیبی کشته شدند. از انسان هایی که هر روزه در افغانستان کشته می شوند یا در اثر حملات هواپیماهای بی سرنشین در یمن و پاکستان از پای در می آیند.

ما امروز شاهد آن هستیم که جنگی تازه علیه سوریه و ایران تدارک دیده می شود. باز هم باید «رژیمی تغییر کند» و باز بازار دروغ پراکنی گرم شده است، ایران مشغول ساختن بمب اتمی است و قصد دارد اسرائیل را از نقشه جغرافی محو کند. به همین دلیل ناتو باید در سوریه دخالت نظامی کند و به همین دلیل حمله تاسیسات اتمی ایران حتما واجب است، اگر دیپلماسی « شکست بخورد».

اگر اوباما واقعا راست می گوید، وقتی که می گوید « دیگر هرگز » نباید سخنی خالی از معنی باشد، اگر « دل ما نباید نسبت به هموعان ما بی تفاوت » بماند و اگر خلق کشی، علیه هیچ خلقی، دیگر نباید تکرار شود، آنوقت او باید از خود شروع کند و دیگر در پی ساقط کردن دولتی دیگر نباشد. آنوقت باید مانع از آن گردد که لابی جنگ افروز در خاک خودش و دولت اسرائیل به ایران حمله کنند. زیرا یک نکته روشن است. جنگ با ایران تبدیل به چنان چالشی خواهد شد که آنچه تا کنون رخ داده در برابرش هیچ خواهد بود.

کاربرد این سلاح ممنوع گردید با این وجود رژیم عراق در طول جنگ ایران و عراق با نقض این معاهده بین المللی وسیعترین حملات شیمیایی پس از جنگ جهانی اول را مرتکب شد و بر اساس گزارش های بازرسان سازمان ملل متحد از سال 1984 تا 1988 در موارد متعددی از گاز خردل و نیز عوامل اعصاب بر علیه رزمندگان ایرانی و غیر نظامیان ساکن روستاها و شهرهای مرزی ایران استفاده شد^[۲] این حملات شیمیایی منجر به مصدوم شدن بیش از یکصد هزار نفر در ایران گردید که بسیاری از آنان هنوز به عوارض و بیماری های ناشی از مصدومیت شیمیایی مبتلا هستند و نیازمند مراقبت های پزشکی هستند^[۳] رژیم صدام همچنین در جریان عملیات انفال بر علیه مناطق کردنشین شمال عراق حملات شیمیایی وسیعی را علیه مردم این مناطق انجام داد که حمله شیمیایی به حلیچه در مارس 1988 و کشتار بیش از پنج هزار نفر از مردم این شهر از آن جمله است^[۴] آمریکایی ها نیز در جنگ ویتنام هزاران تن عامل نارنجی^[۵] بروی جنگل های منطقه ریختند تا آن مکان ها یعنی (مخفی گاه ویت کنگ ها) را تبدیل به بیابان کنند. بخش عمده این ماده را نیز آلمان ها در اختیار آمریکایی ها قرار دادند. تحت تاثیر این ماده مهلک دی اکسین دار^[۷] هنوز پس از ۴۰ سال، در ویتنام بچه های معلول به دنیا می آیند. –

ویکی پدیا

<http://alles-schallundrauch.blogspot.de/2012/04/obama-hat-anl-asslich-des-holocaust.html>

آملی لاریجانی رئیس قوه قضائیه

مرتب با مسئولان این قوه جلسه می گذارد اما به جای پیدا کردن راه حلی برای فساد گسترده در این قوه مرتب اظهار نظرهای سیاسی می کند. نه تنها در امور داخلی بلکه در امور جهانی. در تازه ترین جلسه وی با مسئولان عالی قوه قضائیه، ایشان که ظاهراً پس از سوخته شدن برگ ابراهیم رئیسی، خود را جانشین رهبر فرض کرده گفت:

تحریم های اخیر سنا جلوه دیگری از دشمنی های آمریکاست که گرچه این گونه اقدامات، سابقه ای طولانی دارد، اما اینکه آمریکایی ها بر خلاف برجام دست به این کار زده اند و عملاً این توافق را تبدیل به یک امر یک طرفه به نفع آمریکا کرده اند، غیرقابل قبول است. یکی دیگر از این دشمنی ها سخنان غیر دیپلماتیک و خارج از عرف وزیر امور خارجه آمریکا در روزهای اخیر بود که حسب برخی گزارشات گفته است ما باید جمهوری اسلامی را در زمینه انرژی هسته ای و تولید سلاح اتمی مهار کنیم و همچنین از گروه هایی که در داخل ایران وجود دارند برای تغییر مسالمت آمیز قدرت و حکومت این کشور استفاده و حمایت کنیم.

متأسفانه عده ای در داخل کشور به دشمنان چراغ سبز نشان می دهند و با ارسال برخی سیگنال ها موجب ایجاد طمع در دشمنان می شوند. برخی از این افراد محاربند و برخی مفسد فی الارضند و بر این اساس نیروهای امنیتی به ویژه وزارت اطلاعات و سپاه باید کاملاً هوشیارانه، این قبیل گروه ها را رصد و کشف کنند. قوه قضاییه نیز بدون هیچ گونه هراسی از هیاهوها و تبلیغات مدعیان حقوق بشر با این افراد برخورد خواهد کرد.

لابد بزودی محسنی اژه ای هم هوس رهبر شدن می کند و رقابت با آملی لاریجانی را آغاز خواهد کرد. اگر علم الهدا و احمد خاتمی پیشدستی نکنند. فعلاً آب سر بالا می رود!

چرا موشک نقطه زن داریم اما خودروی خوب نه؟



چرا نمی توان خط تولید موشک های پیشرفته را در سایر بخش های صنعت ایران برپا کرد؟

به گزارش مشرق، امیرحسین یزدان پناه در یادداشت روزنامه خراسان نوشت:

کشوری که می تواند موشک نقطه زن بسازد چرا باید پرآید تولید کند؟ این سوال تکراری را خیلی ها از هم می پرسند. سوالی در ظاهر ساده اما نشان دهنده ضعف عمیق در صنعت عظیم خودروسازی که علی الظاهر بزرگترین صنعت ایران پس از نفت است. این یادداشت البته نه درباره خودروی ملی است و نه درباره صنعت خودروسازی و حتی شاید درباره موشک های ایران هم نیست.

موشک های بالستیک ایران که با هدف قرار دادن مقر تروریست های تکفیری در سوریه، شعف و خشنودی مردم ایران را در پی داشت فارغ از همه تحلیل های سیاسی و دیپلماتیک پیام دیگری نیز باخود داشت، پیامی از جنس اعتماد به توان و علم دانشمندان ایرانی و البته حسرتی از جنس این که واقعا چرا نمی توان خط تولید موشک های پیشرفته را در سایر بخش های صنعت ایران برپا کرد؟ برای آن که این خط تولید را در سایر بخش ها پیاده کنیم باید بدانیم روند تولید موشک در ایران چه شاخص هایی را در اولویت قرار داده است.

۱- اراده ملی و تفکر جهادی: عمده تصمیم گیران، متخصصان و نیروهای نظامی ایران کسانی هستند که نه فقط در زندگی کاری خود بلکه در زندگی شخصی شان نیز مجاهدت برای نیل به اهداف اسلامی و انقلابی را کنار نمی گذارند. تجربه شخصی نگارنده از گفت و گو با متخصصان صنایع دریایی و موشکی در هوای شرجی و ۴۸ درجه سواحل خلیج فارس دور از همسر و فرزندان از روحیه بسیار بالا و انقلابی آن ها و اراده جدی متخصصانی است که برای رسیدن به اهداف متعالی کشور، بر هر عافیت طلبی برای خود پشت پا زده و تنها به ارتقای امنیت کشور می اندیشند.

نمونه ای از زندگی جهادی که به نظر می رسد با شرایط اسفبار بهره وری که در بسیاری از بخش های تولیدی و صنعتی داریم، می تواند نجات دهنده تولید کشور باشد. سوال این است که با فرض این که ده ها و صدها محدودیت مقابل ما باشد آیا اگر اراده ای جدی و تفکری جهادی چاشنی کار و تلاش ها شود نمی توان بسیاری از مشکلات را حل کرد؟

۲- دانش محوری: صنایع نظامی از پیچیده ترین صنایع دنیا هستند، این صنعت آنقدر حساس و پیچیده است که حتی یک فن خنک کننده ساده یا یک واشر معمولی یا هزاران قطعه دیگر که کاربردهای غیرنظامی دارند، از ترس آن که ممکن است در حوزه نظامی کاربرد داشته باشند به برخی کشورها فروخته نمی شوند. آلیاژهایی که در صنایع نظامی استفاده می شود هم گاهی با جابه جایی درصدی از میزان یک ماده معدنی آنقدر تغییر می کند که ممکن است مثلا موشک وقتی ارتفاعش زیاد می شود بر اثر فشار جاذبه تغییر شکل دهد و ... همه این ابعاد و جزئیات پیچیده نشان می دهد که خط تولیدی که می خواهد به موشکی برسد که خطای هدف گیری اش در فاصله هزار کیلومتری، کمتر از ۱۰ متر است باید یک فکر و دانش قوی با خود به همراه داشته باشد.

حتی اگر با مهندسی معکوس لازم باشد سلاحی که ساخته شده بازسازی شود باز هم توان فنی در انجام مهندسی معکوس و سازگار کردن آن با قطعات تولیدی در کشور دیگر خود یک موضوع پیچیده است. موضوعی که نشان می دهد صنعت نظامی ایران که دست کم در دو دهه اخیر توانسته به موفقیت های چشم گیر در ساخت تجهیزات پیشرفته دست یابد، براساس یک منش و منطق علمی و دانش بنیان پیش رفته است و در شرایطی که حتی فروش فن های خنک کننده معمولی به ایران با چالش همراه است، طبعا دانش ساخت آن نیز باید متکی به توان داخلی و فکر دانشمندان و دانشجویان ایرانی باشد.

۳- شایسته سالاری: وقتی هدف در یک پروسه تولیدی مشخص باشد و هرگونه انحراف در مسیر تولید به انحراف در خروجی می رسد که ممکن است تبعات سیاسی و امنیتی در پی داشته باشد، همه اجزای آن خط تولید باید مبتنی بر شایستگی و نیاز پروسه تعریف شده انتخاب شوند.

کوچکترین فساد یا رانت در این مسیر می تواند باعث روی کار آمدن نیرویی شود که نتواند از عهده کار محوله برآید. کمترین اهمال در گزینش عوامل این خط تولید و دوری از شاخص محوری و شایسته سالاری می تواند خروجی را به سمتی بکشانند که نه تنها به اقتدار کشور اضافه نکند بلکه عدم موفقیت آن برای دشمنان که درحال رصد کشور هستند، عیان شده و افتضاح سیاسی و نظامی به بار بیاورد. جالب این جاست که نهادهای نظامی همیشه با این فشارها مواجه هستند که شفافیت ندارند و این عدم شفافیت ممکن است به عدم شایسته سالاری منتهی شود. اما خروجی مقتدرانه آن نشان می دهد که این فشارها وارد نیست. سوال این است که آیا در سایر حوزه هایی که تولید و اقتصاد کشور نیاز به جهش های چشم گیر و قدرت افزا دارد، طی دهه های گذشته همین شایسته سالاری اعمال شده است؟

۴- اتکا به توان داخلی: وقتی کشور با تحریم مواجه می شود از آن جایی که اصلی ترین حوزه تحریم صنایع نظامی و بازداشتن کشورها از کمک نظامی به کشور تحریم شده است، لذا هر چیزی (اعم از دانش یا قطعه) که امکان استفاده در تجهیزات نظامی را داشته باشد نمی توان به راحتی وارد کشور کرد. برای فائق آمدن بر این محدودیت ۲ کار می توان کرد: یا باید آن قطعه را ساخت و آن دانش را به دست آورد و یا باید آن را با روش های پیچیده وارد کشور کرد. بالطبع منطقی ترین راه این است که تلاش کنیم به دانش ساخت آن قطعه تحریم شده دست یابیم.

موضوعی که به نظر می رسد در بسیاری از بخش های صنایع و تولید و اقتصاد با آن دست به گریبان هستیم. مزیت نسبی صنایع نظامی ایران این است که در بن بست های علمی و تجهیزاتی که در نتیجه فشارهای تحریمی ایجاد شده به توان داخلی اتکا و اعتماد کرده و خود را در حصار محدودیت ها و تحریم ها گرفتار نکرده است که اگر می کرد حتی یک پیچ معمولی برای بدنه موشک هم نمی توانست تولید کند. آیا این رویکرد در همه بخش های تولیدی و صنعتی ما وجود دارد؟

به این لیست می توان ویژگی های دیگری نیز افزود اما به نظر می رسد اگر خواستار تحول در بخش های تولیدی و صنعتی کشور و حتی سایر بخش ها هستیم و می خواهیم اقتداری را که در حوزه نظامی و بخصوص موشکی داریم در همه بخش ها شاهد باشیم باید الگوی تولید را با نگاه و راهبردی مشابه آن چه در حوزه نظامی اتفاق افتاده شبیه سازی کنیم.

راهبردی که نتیجه آن پیشرفت و کسب اقتدار در سخت ترین شرایط است تا دیگر شاهد این سوال تکراری نباشیم که چرا می توانیم موشک بسازیم اما خودروی با کیفیت نه؟ چه این که پاسخ روشن است: برای ساخت محصولی کارآمد مشابه موشک باید از خط تولید آن الگو برداشت. الگویی که محور شاخص آن باور به توان داخلی و عدم نگاه به بیرون از مرزهاست.

تیترو سوال خوب و قابل تاملی است اما همه چیز را گفته ولی يك چیز را صریح ن گفته كه عمده فناوری موشك از كره شمالی بدست آمده، و انها تمام و كمال در اختیار گذاشتن و توسط نیروهای خودی بومی سازی و توسعه داده شد اما خودرو برای ماشینینی بود كه بخاطر نقص فنی از 20 سال قبل از صنعت جهانی كنار گذاشته شد ولی متصدیان ایارنی از میان ان همه خودرو خوب جهان براید را وارد كردند و از میان جندین خودرو وارداتی روی این بیشتر سرمایه گذاری كردند در كشور ما علیرغم شعر تند علیه غرب امام قلبا كشته مرده غرب هستند، با همه خیانتها و تحریمها و بدعهدیهای غربیها باز بدنبال خودروی غربی هستند در حالیکه باید خودرویی وارد و تولید می كردند كه كشورش در هر شرایطی متعهد باشد و تمام فناوری در اختیار بگذارد

اعتصاب غذای تعدادی از مدیران تلگرامی حامی دولت و اصلاح طلبان

خرداد ۳۰، ۴۱ ۱۳۹۶ Views اعتصاب غذا، حامی دولت، زندان، مدیران تلگرامی، وزارت اطلاعات

نگام، سیاسی _ تعدادی از مدیران کانالهای تلگرامی حامی دولت و اصلاح طلبان که در بازداشت سپاه هستند، به صورت جمعی دست به اعتصاب غذا زده اند.

به گزارش کلمه، نیما کشوری، سعیدنقدی، سبحان جعفری تاش، جواد جمشیدی، سیدمجتبی باقری، علی احمد نیا از جمله این بازداشت شدگان هستند که در تماس با خانواده هایشان گفته اند در اعتراض به روند رسیدگی به پرونده و وضعیت خود دست به اعتصاب غذا زده اند.

این افراد هم اکنون به مدت ۹۶ روز است در بازداشت موقت در بند ۲ الف زندان اوین به سر میبرند و گفته می شود پرونده آنها جهت محاکمه در اختیار قاضی صلواتی قرار گرفته است.

ظرف چند روز گذشته همچنین متن شکواییه خانواده این افراد به کمیسیون اصل نود مجلس منتشر شده بود. برخی از منابع معتقدند که نهادهای امنیتی وقضایی مخالف دولت روحانی اصرار دارند تا پیش از شروع دوره جدید دولت و مراسم تحلیف وتنفیذ محاکمه بازداشت شدگان منتسب به دولت روحانی به سرانجام برسد. این بازداشت شدگان عمدتاً از خانواده های اینارگران بوده و به عنوان حامیان داوطلب دولت با مدیران جمهوری اسلامی در ارتباط بوده اند.

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به سوال جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی گفته بود این افراد از مقلدان رهبری هستند و جرم این افراد حمایت از دولت تدبیر و امید است.

قطر: عوامل حملات ۱۱ سپتامبر اماراتی بودند

سفیر قطر در آمریکا، امارات عربی متحده را به حمایت از تروریسم متهم کرد.

به گزارش تیک ؛ "مشعل بن حمد آل ثانی" سفیر قطر در واشنگتن گفت: محاصره قطر از سوی چند کشور عربی منطقه به هدف ضربه زدن به استقلال این کشور است.

روزنامه "وال استریت ژورنال" به نقل از سفیر قطر نوشت: در گزارش کمیته تحقیقات حوادث ۱۱ سپتامبر به نقش امارات در پول شویی برای تروریستها اشاره شده است.

وی افزود: شماری از ربابندگان هواپیماها که به دو برج حمله کردند، اماراتی بودند و نه قطری. سفیر قطر در واشنگتن تأکید کرد: در فهرست های تروریستی آمریکا و سازمان های بین المللی، شمار اتباع کشورهای که قطر را تحریم کرده اند ۱۰ برابر تعداد اتباع قطری در این فهرستها است.

این اظهارات سفیر قطر در واکنش به نوشته های اخیر سفیر امارات در روزنامه وال استریت ژورنال مطرح شده است.

"یوسف العتیبه" سفیر امارات در واشنگتن، در مطلبی در این روزنامه نوشته است: "قطر سالها از افراطی ها حمایت کرده و به آنان پناه داده است، در نیمه های دهه نود، قطر به تروریست معروف خالد شیخ محمد پناه داد، که پس از آن مغز متفکر حملات ۱۱ سپتامبر شد."*

*العالم

رابطه ثروت هزار میلیاردی وزیر بهداشت با ترور شهید مطهری



آنچنانکه برخی وزرای ارجمند و مقامات عزیز و عالیه دولت فعلی خود به قوه محترم قضائیه اظهار داشته‌اند، بعضا دارای ثروت‌هایی بالغ بر هزار میلیارد تومان هستند.

به گزارش مشرق؛ حسین دهباشی تاریخ پژوه و مستند ساز که در سال ۹۲ ساخت مستند انتخاباتی حسن روحانی و هدایت کمپین تبلیغاتی وی را به عهده داشت، با انتقاد از اظهارات تازه منتشر شده از قاضی‌زاده هاشمی درباره اعتراض‌ها به وزرای هزارمیلیاردی دولت و ارتباط دادن آن به ترور شهید مطهری، در مطلبی کوتاه اینگونه پاسخ داد:

الف:

به تازگی کلیبی از سخنرانی جناب قاضی زاده هاشمی، وزیر محترم بهداشت دست به دست می‌چرخد که همراه موسیقی سوزناکی ضمن گله از اعتراض برخی نامزدها در خلال مناظرات انتخابات ریاست جمهوری به ثروت‌های بادآورده مسئولان دولتی، مدعی می‌شوند: «علت ترور شهید مطهری توسط گروه فرقان، حمایت آن شهید از ثروت و سرمایه‌داری و مخالفت ایشان با ساده‌زیستی بود!»

ب:

در حاشیه ص ۲۱۰/ کتاب «حکمت و سیاست» (تاریخ شفاهی دکتر سیدحسین نصر)/ انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران/ جناب آقای علی مطهری (فرزند مرحوم شهید مطهری) بنا به استعلام اینجانب کتبا بی هیچ اشاره‌ای به دلیل مورد ادعای آقای وزیر، دلایل ترور مذکور را در موارد ذیل محدود کرده‌اند: «رهبر گروه فرقان، اکبر گودرزی، در دادگاه سه دلیل برای ترور آیت‌الله مطهری ذکر کرد. اول اینکه او رئیس شورای انقلاب بود. دوم اینکه مطهری انتقادهایی به معلم شهید ما دکتر شریعتی وارد کرده بود و سوم اینکه او با رژیم شاه ارتباط داشت. چون زبان انگلیسی نمی‌دانست [اما] در عین حال استاد دانشگاه بود! وقتی به او گفتند او استاد فلسفه و کلام اسلامی بوده و نیازی به زبان انگلیسی نداشت، گفت یکی از دانشجویان به من این طور گفته بود!»

ج:

صرف نظر از اینکه نادرستی سخن جناب قاضی زاده هاشمی در مورد علت ترور شهید مطهری، با مراجعه به مجموعه آثار شهید مطهری از جمله کتاب اقتصاد اسلامی (انتشارات صدرا) به روشنی مشخص می‌شود ایشان نه تنها حامی ثروت بسیار (وبعضا بادآورده) مسئولان حکومتی نیست بلکه به شدت از آن انتقاد می‌کنند، خصوصا اگر از محل اشکال یا شبهه باشد و شائبه حمایت ایشان از سرمایه‌داری مقامات، توهینی بزرگ به آن شهید است.

پ.ن:

آنچنانکه برخی وزرای ارجمند و مقامات عزیز و عالیه دولت فعلی خود به قوه محترم قضائیه اظهار داشته‌اند، بعضا دارای ثروت‌هایی بالغ بر هزار میلیارد تومان هستند. انشاءالله که همه دارایی‌های ایشان و از جمله ثروت آقای وزیر معزز بهداشت ناشی از رزق حلال است. اما صرفا از باب کنجکاوی ریاضیاتی اجازه داریم که از خود بپرسیم، حتی اگر در ظرف ۳۷ سال پس از انقلاب، ایشان که معمولا شاغل در دولت بوده اند، از قبل مشاغل پاره وقت خود در بخش خصوصی، ماهی یک میلیارد تومان نیز درآمد داشتند و هیچ هم خرج نمی‌کردند اکنون نهایتا باید ۴۴۴ ملیارد تومان درآمد داشتند و هنوز بیش از ۵۵۰ ملیارد تومان اختلاف حساب است؟ و اگر چنین پرسشی را پرسید باید احیانا و به دروغ متهم شود به همفکری با امثال گروهک تندروی فرقان؟

اگر چنین ثروتی راست باشد نمونه ای از ثروت جراحان و اصحاب حرفه طب تجاری است به وزیر بهداشت شدنش ربطی ندارد

حذف «دولت اسلامی» از مهرهای داعش!

آماده سازی نیروهای داعش عراق برای تغییر نام به نیروهای دموکراتیک تحت الحمایه امریکا

یک منبع محلی در استان کرکوک اعلام کرد داعش در الحویجه در جنوب غرب استان، مهرهای جدیدی را به کار می برد که عبارت «دولت اسلامی» از آن حذف شده است.

به گزارش تیک ؛ این منبع در گفت و گو با سومریه نیوز گفت اطلاعاتی که ما در دست داریم نشان می دهد که گروه تروریستی داعش اخیرا در نامه نگاری های اداری خود مهرهایی به کار می برد که عبارت «دولت اسلامی» از آن حذف شده است.

وی که نخواست نامش فاش نشود افزود که او هدف این تغییر ناگهانی در مهرها را نمی داند اما احتمالا نشانگر اختلافات شدید میان قطب های مختلف داعش است که بعد از اعلام نتیجه قطعی عملیات موصل نیز تشدید خواهد شد.

داعش از مهرهای مختلفی استفاده می کند که ولایت های مختلف را بتوان از همدیگر تشخیص داد اما در همه آنها عبارت دولت اسلامی کاملا به وضوح دیده می شد.

*العالم

بازداشت 50 قاضی، کارشناس و وکیل متخلف

بازداشت 50 قاضی، کارشناس و وکیل متخلف در سال 95 معاون اول قوه قضاییه در یک نشست خبری برنامه های هفته قوه قضاییه و عملکرد این قوه در سال 95 را تشریح کرد و از مشمول عفو شدن حدود 40 هزار محکوم خبرداد.

به گزارش ایرنا، حجت الاسلام غلامحسین محسنی اژه ای روز سه شنبه در نشست خبری به مناسبت هفته قوه قضاییه با بیان اینکه این هفته فرصتی برای قوه قضاییه به منظور مرور فعالیت ها، شنیدن سخنان مردم و توجه به مسایل سال های آتی است، اظهار کرد: امسال بدلیل همزمانی هفته قوه قضاییه با روز قدس و عید فطر و تعطیلات این عید ، به ناچار برخی برنامه ها در روزهای بعد اجرا می شود.

به گزارش ایرنا هفته قوه قضاییه از اول تیرآغاز می شود و تا هفتم تیرماه روز شهادت شهید بهشتی ادامه دارد.

بازداشت ۵۰ قاضی ، کارشناس و وکیل متخلف

توجه و تقویت هرچه بیشتر به نظارت از دیگر برنامه های قوه قضاییه بود که محسنی اژه ای در این باره گفت: دادستان کل کشور در سال 95 نظارت خود را بر ضابطان قضایی و دیوان عالی کشور نظارت خود را بر محاکم افزایش داد و همچنین شاهد نظارت هر چه بیشتر حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه، تشدید نظارت دادرسی انتظامی قضات به صورت برنامه های موردی، آشکار و مخفیانه بودیم که به بازداشت ۵۰ قاضی، کارشناس و وکیل متخلف و ۱۸۵ نفر از دلالت و کارچاق کن ها و کسانی که با جعل عنوان قضایی از مردم کلاهبرداری و چهره قوه قضاییه را مخدوش کردند ، انجامید.

مسلمان شدن یک جوان چینی در قشم

جوان چینی در قشم پس از شرکت در مراسم شب‌های قدر مسلمان شد.

به گزارش تیک ؛ امام‌جمعه شهرستان قشم در این خصوص گفت: "جی یانگ" جوان ۲۵ ساله چینی که ساکن قشم است پس از شرکت در مراسم شب قدر و تحقیق درباره اسلام و زندگی پیامبر اکرم (ص) با حضور در دفتر امام‌جمعه و اجرای تشریفات شرعی مسلمان شد.

حجت‌الاسلام غلامی افزود: این جوان چینی پس از مشرف شده به دین اسلام نام "امیرعلی" را برای خود انتخاب کرد.

پیش از این خانم اینام کیسو بانوی ۲۶ ساله مسیحی اهل کامرون در سفری که به جزیره قشم داشت با حضور در دفتر امام‌جمعه به اسلام مشرف شد و نام فاطمه را برای خود برگزید.
*ایسنا

محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی شد

ملک سلمان پادشاه سعودی همچنین از مردم خواست امروز چهارشنبه با حضور در کاخ صفا در مکه با ولیعهد جدید بیعت کنند. شاهزاده محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی شد

به گزارش **عصرایران**، شبکه تلویزیونی دولتی عربستان سعودی صبح امروز اعلام کرد که پادشاه سعودی با صدور فرمانی، پسرش، "محمد" را به عنوان ولیعهد و جانشین خود منصوب کرده است.

شاهزاده محمد بن سلمان 31 ساله همزمان وزیردفاع نیز هست. او قبلاً "جانشین ولیعهد" بود.

ملک سلمان پادشاه سعودی همچنین از مردم خواست امروز چهارشنبه با حضور در کاخ صفا در مکه با ولیعهد جدید بیعت کنند.

براساس این احکام، شاهزاده محمد بن نایف نیز از سمت ولیعهد و وزیر کشور کنار گذاشته شد و "عبدالعزیز بن سعود بن نایف" را به عنوان وزیر کشور جدید منصوب شد.

شبکه العربیه نیز گفته است که 31 نفر از 34 عضو هیات بیعت، محمد بن سلمان را به عنوان ولیعهد جدید انتخاب کرد.



محمد هاشمی رفسنجانی بستری شد

فرزند محمد هاشمی از بستری شدن پدرش در بیمارستان خبر داد.

به گزارش تیک ؛ فرزند محمد هاشمی در گفت‌وگو با ایسنا، ضمن اعلام این خبر گفت: حال پدر خوب است و مشکل خاصی وجود ندارد ان شاء الله فردا از بیمارستان مرخص خواهد شد.
وي این اواخر زیاد حرف مي زد تاثير حرف زياد بر سلامتي در تحقيقات طبي جديد ثابت شده است



افشاگری از درون زندان اوین/ نویسنده کتاب شنود اشباح به چه جرمی در زندان است؟

خرداد ۲۹، ۱۴۳ ۱۳۹۶ Views اتهام، اسرائیل، تهمت، جاسوس، شنوداشباح، نویسنده

نگام، سیاسی _ مدت‌هاست که از بازداشت رستمی (مدیر سایت عماریون) و رضا گلپور می‌گذرد. تیمی که در سالهای اصلاحات علیه اصلاح طلبان و بعدها در مواجهه با جریان مشایی موارد زیادی را مطرح کردند که ادعا می‌شد اسناد اطلاعاتی است. عبدالرضا داوری از اعضای رسانه‌ای جریان احمدی‌نژاد که در زندان به سر می‌برد در پیام که از طریق همسرش بر روی کانال وی منتشر شد از اتهام این فرد پرده برداشته و می‌نویسد: امروز در کتابخانه بند ۴ زندان اوین، (رضا - گ) نویسنده کتاب جنجالی (ش - الف) را دیدم.

به گزارش کلمه _ می‌گفت با اتهام جاسوسی برای اسرائیل، تباری و اجتماع اسلحه علیه امنیت ملی و توهین به رهبری حدود ۸ ماه است که بازداشت موقت بسر می‌برد. (رضا - گ) می‌گفت توسط سازمان اطلاعات سپاه بازداشت شده و حدود ۶ ماه در بند دوالف زندانی بوده است.

مورد (رضا - گ) بسیار عجیب است. او که زمانی نویسنده محبوب حاج حسن شایانفر، رئیس دفتر پژوهش‌های روزنامه کیهان بود و گزارش‌های جنجالی اش علیه اصلاح طلبان و اطرافیان دکتر احمدی نژاد سرلوحه سایت عماریون و جزو منابع درسی دوره‌های بصیرت‌افزایی برادران بود، اینک توسط همان برادران با اتهام جاسوسی برای اسرائیل، اقدام مسلحانه علیه امنیت ملی و توهین به رهبری در بند است و در انتظار دادگاهی که تیرماه به ریاست قاضی صلواتی برگزار خواهد شد.

مهمترین موضوع در مورد او اتهام جاسوسی برای اسرائیل و اقدام مسلحانه است. تیم او که خود سالها بود دیگران را متهم به جاسوسی می‌کرد، حالا به همان اتهام بازداشت شده و عجیب‌تر اینکه هیچ کس و هیچ نهادی درباره این اتهامات برای مردم توضیح نمی‌دهد. در این مورد هرگز رفتاری که با دیگران شده بود را شاهد نیستیم. اعترافات او هرگز بر روی صفحات تلویزیون نشانده نمی‌شود. اگر اعترافات او منتشر شود در آن صورت بسیاری از اصولگرایان باید نسبت به گذشته خود توبه کنند. چرا که حرفهایی که در این سالها علیه اصلاح طلبان مطرح می‌کردند بیشتر واگویی‌های دروغ‌هایی بود که از سوی این تیم به فضای رسانه‌ای و سیاسیون به عنوان اسناد تزریق می‌شد.

فراموش نکنیم که الله کرم که امروز در مورد آتش به اختیار بود در عدم ورود زنان به ورزشگاه بیانیه می‌دهد روز ثبت نام برای انتخابات شوراها از گلپور نام برده و به سبب همکاری‌های گذشته با او گفته: دوفتر افشاگری کردن گلپور و ایشان (یاشار سلطانی) اما حالا ایشان (سلطانی) بیرون است.

استمداد یک روزنامه‌نگار از دو نماینده مجلس ایران در مورد بازداشت همسرش/ «می‌گویند علیه دولت مردان روحانی دروغ بنویسم»



سعید سیف، روزنامه‌نگار و مدیر مسئول سایت خبری "دیدبان ایران" در حساب توییتر خود علی مطهری و محمود صادقی، نمایندگان مجلس را خطاب کرده و نوشته: "همسر عسل اسماعیل زاده را بدون احضاریه یا تفهیم اتهام و مدرک بازداشت کردند و می‌گویند علیه دولت روحانی اعتراف کنم".

آقای سیف همچنین به خبرگزاری ایلنا گفته که شعبه ۲ دادسرای فرهنگ و رسانه روز گذشته (دوشنبه ۲۹ خرداد) او را برای ارائه توضیحاتی احضار کرده و همسرش هم به همراه او به دادسرا رفته است.

به گفته آقای سیف، با وجود اینکه خود او متهم پرونده بوده، همسرش را بدون ارائه دلیل بازداشت کرده‌اند.

آقای سیف در توییتر نوشته: "قاسمزاده، بازپرس شعبه دوم همسر را بازداشت کرده و به من می‌گویند علیه دولت روحانی اعتراف کنم... می‌خواهند علیه دولتمردان روحانی دروغ بنویسم".

خانم اسماعیل‌زاده فعال رسانه‌ای و عکاس خبری است و در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ عضو یکی از ستادهای میرحسین موسوی بود.

او در سال ۱۳۹۱ چهار ماه را به اتهام "تبلیغ علیه نظام و اجماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی" در زندان اوین زندانی بود.



@saedseif1 · 3h

همسر #عسل_اسماعیل_زاده را بدون احضاریه تفهیم اتهام و مدرک بازداشت کردند می‌گویند علیه دولت روحانی اعتراف کنم

@alimotahari_ir @mah_sadeghi

Translate from Persian

1 31 69



@saedseif1 · 3h

حاضر نشدم و نمی‌شوم علیه دولت روحانی کاری کنم بازپرس شعبه دو می‌خواهد علیه دولتمردان #روحانی دروغ بنویسم همسر #اسماعیل_زاده را بازداشت کردند

Translate from Persian

1 22 85



@saedseif1 · 3h

علیه دولت اعتراف نکرده و نمی‌کنم چرا همسر را به صورت غیرقانونی بازداشت کردید بدون #سند و #مدرک

Translate from Persian

حق نشر

عکس TWITTER